



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



آرشیو مصاحبه‌ها

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

تحلیل حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا علیها السلام

محمد دشتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحليل حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا (عليها السلام)

نویسنده:

محمد دشتی

ناشر چاپی:

امام علی علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
تحلیل حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا (علیهاالسلام)	۹
مشخصات کتاب	۹
پیشگفتار	۹
بررسی ریشه‌ها	۱۰
اشاره	۱۰
تحلیل گران خرافاتی	۱۰
جبرگرایی	۱۱
جبر تاریخ ماتریالیستی	۱۱
علل و عوامل پیروزی و شکست نهضتها	۱۲
شناخت عوامل پیدایش رویدادها	۱۳
اشاره	۱۴
بی دفاع ماندن مکتب	۱۴
اشاره	۱۴
دو حرکت پنهان و آشکار	۱۴
کیفیت شکل‌گیری نقشه‌ها	۱۵
تداوم سیاست مذهب علیه مذهب	۱۶
روش دفاعی حضرت زهرا	۱۷
انزوای امام و انحراف از رهبری	۱۸
اشاره	۱۸
نقش و اهمیت رهبری	۱۸
سیاست انزوا یا نفوذ در رهبری	۱۹
آثار شوم رهبری دروغین	۲۰

۲۰	ویژگی‌های رهبری امام علی
۲۱	شخصیت‌زدگی
۲۱	اشاره
۲۲	نقش سمبولیک الگوها
۲۳	ره‌آورد شوم شخصیت پرستی
۲۳	فاطمه و محاکمه شخصیت‌های ساکت و منحرف
۲۴	سکوت و بی‌تفاوتی آگاهان جامعه
۲۴	اشاره
۲۵	مشکل آغازین تبلیغات اسلامی
۲۵	عامل ارزشمند روحانیت و حوزه‌های علمی
۲۶	نقشه‌ها و برنامه ریزی‌های دشمن
۲۷	محاکمه عالمان و آگاهان ساکت
۲۸	فروپاشی نیروهای دفاعی
۲۸	اشاره
۲۸	ضرورت قدرت دفاعی
۲۹	خطر غفلت از قدرت دفاعی نهضت‌ها
۳۰	سیاست نفوذ در نیروهای دفاعی کشورها
۳۱	تحلیل علل فروپاشی نیروهای دفاعی در سخنان فاطمه
۳۱	بی‌تفاوتی و انزوای مردم
۳۲	اشاره
۳۲	ضرورت توجه به عامل مردمی
۳۳	ارزیابی مجدد نمونه‌ها
۳۴	خطر بی‌تفاوتی عامل مردمی
۳۵	عوامل بی‌تفاوتی‌ها

۳۶	 اشاره
۳۶	 توجه به دو حرکت متضاد
۳۶	 شناخت طبقات گوناگون جامعه
۳۸	 راه‌های نفوذی دشمن و روشهای مقابله با آنها
۳۸	 اشاره
۳۸	 تطمیع کردن قدرت طلبان
۳۸	 شایعه پراکنی
۳۸	 زنده کردن ارزش‌های مادی و جاهلی
۳۸	 فشارهای اقتصادی
۳۹	 تهدید و ارباب
۴۰	 قتل و کشتار، و ترورهای سیاسی
۴۰	 مردم شناسی و تحلیل تاریخ
۴۰	 اشاره
۴۱	 اقسام طرفداران
۴۱	 اشاره
۴۱	 دوستان ناآگاه
۴۲	 طرفداران ترسو و سست عنصر
۴۲	 رفاه زدگان بی تقوی
۴۳	 تشنگان قدرت و منتظران فرصت
۴۴	 انقلابیون صادق و آرمان طلب
۴۵	 شک و تردید اجتماعی
۴۵	 اشاره
۴۵	 ضرورت روح امیدواری
۴۶	 عوامل شک و تردید

۴۷	افشاگری‌های حضرت زهرا
۴۷	اشاره
۴۷	افشای سیاست جعل حدیث
۴۸	هشدار به تشنگان قدرت
۴۸	استدلال‌های محکم در برابر ادعای دروغین خلیفه
۴۹	انتقام و کینه توزی‌های خط نفاق
۴۹	اشاره
۴۹	دوستان و دشمنان انقلاب و اسلام
۵۰	روانشناسی مردم جاهلی
۵۲	پیدایش فرصت‌های مناسب برای خط نفاق
۵۲	پاورقی
۶۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تحلیل حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه: دشتی محمد، - ۱۳۳۰ عنوان و نام پدیدآور: تحلیل حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) (تحلیل تاریخ سیاسی ۷۵ روز پس از وفات پیغمبر (ص) / محمد دشتی مشخصات نشر: قم نشر امام علی علیه السلام ۱۳۷۱. مشخصات ظاهری: ص ۲۵۶ فروست: (مجموعه آشنائی با مبارزات رهبران معصوم شیعه ع، ۷) شابک: ۶۰۰۰ ریال؛ ۶۰۰۰ ریال؛ ۶۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: بالای عنوان سیری در مبارزات سیاسی حضرت زهرا (ع). یادداشت: چاپ دوم ۱۳۷۲؛ ۲۲۰۰ ریال یادداشت: چاپ سوم ۱۳۷۳؛ بها: ۲۵۰۰ ریال یادداشت: چاپ چهارم ۱۳۷۴؛ بها: ۳۰۰۰ ریال یادداشت: چاپ پنجم ۱۳۷۶؛ ۶۰۰۰ ریال یادداشت: چاپ ششم ۱۳۸۱؛ ۹۵۰۰ ریال یادداشت: کتابنامه موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۱۳؟ قبل از هجرت - ق ۱۱ رده بندی کنگره: ۲/۲۷۲/۵۴۳ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۷۱-۱۶۳۳

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم هر محقق اهل نظری در بررسی متون تاریخی و روائی مسلمین، با این واقعیت آشنا می گردد که حوادث تلخ و ناگواری پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) دامنگیر جامعه اسلامی شد و انحرافات گوناگونی شکل گرفت. تمام نویسندگان و مورخان و سیره نویسان فرق اسلامی، اعتراف کردند که بلافاصله پس از وفات رسول خدا (ص) مصیبت های جانکاهی بر اهل بیت رسول گرامی اسلام، باریدن گرفت. و حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حضرت زهرا (علیها السلام) غصب گردید و دوباره ارزش های جاهلی زنده شد. و حکومت الهی را با حکومت بشری و خودکامگی اشتباه گرفتند. و صدها فرمان و رهنمود سیاسی رسول خدا در رابطه با امامت و [صفحه ۱۴] حکومت امام علی (ع) آگاهانه نادیده گرفته شد. و هزاران روایت و احادیث پیامبر اسلام در رابطه با اهل بیت (ع) و یگانه دخترش حضرت زهرا (علیها السلام) و امام علی (ع) را به دست فراموشی سپردند. و حادثه عظیم ۷۰ روز قبل «واقعۀ غدیر خم» را انکار کردند و با تفسیر و اظهار نظرهای دروغین کنار گذاشتند. و برای اولین بار تفسیرهای دروغین و دخالت دادن اغراض سیاسی و آراء شخصی در قرآن راه یافت که با افشاگری های لازم و استدلال های حضرت فاطمه (علیها السلام) روبرو شدند و چاره ای جز تسلیم و سپس اهانت کردن نداشتند. و برای اولین بار دفاع مقدس در برابر تهاجمات عقیدتی، فکری سران سقیفه، از اهل بیت (ع) و صدیقه طاهره، شکل گرفت. و برای اولین بار، برای شکستن خط دفاعی اهل بیت (ع) سیلی زدن ها، آتش زدن ها، اهانت ها، شلاق زدن ها، تهدید کردن ها، مطرح شد. و امت پیامبر اسلام به حرمت حریم فرزنداناش تاختند. و بر بوسه گاه رسول خدا، آن بازوان تنومند زهرا، شلاق نواختند. و به یکباره همه چیز دگرگون شد. و همه ارزش ها واژگون گردید. و همه سفارش ها و وحی الهی انکار شد. و فصل غم بار و خونینی در تاریخ امت اسلامی آغاز گردید. نویسندگان فرق اسلامی در تحلیل این همه از حوادث ناگوار، سرگردان ماندند که: در برابر این همه از وقائع ناگوار سیاسی چه باید کرد؟ [صفحه ۱۵] آیا همه این رویدادها را نقل کنند؟ و در تاریخ ثبت نمایند؟ تا آیندگان بخوانند و قضاوت کنند؟ و دست از هر گونه تحلیل و پیش داور و قضاوتی بردارند؟ در آن صورت نسل های آینده، با مطالعه و ارزیابی حوادث ناگوار پس از رسول خدا، سران سقیفه را به باد انتقاد و اعتراض خواهند گرفت، و محکومشان خواهند نمود، و مظلومیت و حقانیت امام علی (ع) و زهرای مرضیه (علیها السلام) را باور خواهند کرد. آیا راه دیگری وجود ندارد؟ گروهی آمدند و از نقل حوادث تاریخی سرباز زدند. بعضی از مورخین، با تعهدی که داشتند همه آن حوادث ناگوار را بدون هر گونه اظهار نظری نقل کردند که: یا سر بردار شدند. و یا در زندان ها پوسیدند و یا منزوی گردیدند سیره نگاران درباری، دست به تحریف حوادث و رویدادهای تاریخی صدر اسلام زدند و

واقعیت‌ها را نادیده گرفتند و با دروغپردازی و تحریف، خود را نیز رسوا کردند. دسته‌ای از مورّخین تحلیل‌گر، به جای عدم نقل یا تحریف حوادث پس از رسول خدا، به توجیه کردن، و ارزیابی و پیش‌داوری‌های شخصی، روی آوردند، و تلاش نمودند تا در کنار نقل آن همه از حوادث تلخ و ناگوار، با بهانه‌های مختلف، سران سقیفه را تطهیر نمایند. مثلاً نوشتند: [صفحه ۱۶] الف- هر انسانی اشتباهاتی دارد. ب- درست است که سران سقیفه آن همه از حوادث ناگوار را پدید آوردند امّا تا حدودی طبیعی است زیرا حکومت کردن، این چیزها را نیز دارد. ج- سران سقیفه معصوم که نبودند و لازم هم نیست باشند [۱]. راستی آیا این قبیل از پاسخ‌ها درست است؟ آیا می‌شود باور کرد که حوادث ناگوار پس از رسول خدا (ص) از یک سری اشتباهات معمولی پدید آمده باشد؟ باز هم می‌پرسیم: چرا و چگونه امت اسلامی به انحراف کشیده شد؟ چگونه می‌شود باور کرد که یک ملت انقلابی مجاهد، یکباره سیر ارتجاعی گرفته و سقوط نماید؟ چگونه مجاهدان جان بر کف اسلام، بی تفاوت شدند و شمشیرها را غلاف کردند؟ آیا این دگرگونی‌ها و سقوط کردن‌ها، یک جبر مسلّم تاریخی است؟ و سرنوشت شومی است که باید تحقق یابد؟ و گریزی از آن نیست؟ یا علل و عوامل سیاسی، اجتماعی دارد و می‌شود از آنها پرهیز کرد و پیشگیری نمود؟ پاسخ صحیح پرسش‌های یاد شده، در این کتاب مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. [صفحه ۱۷] امیدواریم با بررسی علل و عوامل حرکت‌ها و سقوطها، پیروزی‌ها و شکست‌ها، ما نیز آفات انقلاب را بشناسیم و همه عوامل منفی و آفات تداوم انقلاب الهی، را شناخته، از سر راه برداریم و تا ملاقات حضرت یار، انقلابی بمانیم و نگذاریم یک بار دیگر حوادث ناگوار گذشته تکرار شود. انشاءالله قم- محمد دشتی زمستان ۱۳۶۹ جمادی الثانی ۱۴۱۱ (ایام فاطمیه) [صفحه ۱۹]

بررسی ریشه‌ها

اشاره

- علل شکست و پیروزی‌ها - نظریه‌ها - روش صحیح تحلیل تاریخ از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام) [صفحه ۲۱] پژوهشگرانی که حوادث و رویدادهای تاریخی پس از رسول خدا (ص) را مطالعه می‌کنند، می‌پرسند: چرا و چگونه آن همه از حوادث ناگوار پدید آمد؟ چرا امت اسلامی یکباره در برابر ارزش‌های اسلامی بی تفاوت ماند؟ چگونه امت انقلابی اسلام در یک سیر ارتجاعی سقوط کرد؟ و چرا آزاد شدگان اسلام و قرآن را علیه‌السلام و عترت شوراندند؟ در تحلیل و ارزیابی حوادث تاریخی، نظریات متفاوت و گوناگونی مطرح است، و هر کدام استدلال‌هایی دارند و در توجیه کردن و بررسی تاریخ، شواهد و قرائنی را ذکر می‌کنند، که به نقد آنها می‌پردازیم.

تحلیل گران خرافاتی

گروهی به جای ارزیابی صحیح حوادث تاریخی، و شناخت عوامل پدید آورنده، به باورهای خرافی و آراء جاهلی، روی آورده و می‌گویند: «هر انقلابی، هر حرکتی روزی محکوم بشکست است» و باور کردند که حرکت‌ها، نهضت‌ها، دوام نخواهد داشت. [صفحه ۲۲] حال علت آن چیست؟ نمی‌دانند. چرا و چگونه یک حرکت موفق سیر ارتجاعی می‌گیرد؟ نمی‌توانند تحلیل نمایند. تنها بر باورهای جاهلی تکیه زده و به سراغ امثال و شواهد و قرائن دروغین می‌روند. گاهی مثال فوّاره را می‌زنند که: «فوّاره چه اوج گیرد سرنگون شود» و باز هم نمی‌توانند علت فشار آب و پیدایش فوّاره و قانون جاذبه و بازگشت آب به زمین را از نظر علمی درک کنند. فکر می‌کنند: (چون فوّاره بالا- می‌رود. سرنگون می‌شود، پس هر حرکتی، هر بالا- رونده‌ای روزی سقوط خواهد کرد.) و زمانی مثال پیمودن قله‌های بلند را به رخ می‌کشند و می‌گویند: (هر سر بالائی سرازیری دارد) امّا کوهنوردی چه ارتباطی به حرکت

معنوی توده‌ها در نهضت‌ها دارد؟ باز هم پاسخ درستی ندارند. خوب، اگر قله‌ای را پیمودیم و پس از آن به قله‌های بزرگتری رسیدیم و همت کردیم تا راه را، و حرکت تکاملی را تداوم بخشیم، باز هم سرازیری خواهیم داشت؟ و آیا حرکت معنوی انقلاب را حتماً باید به پیمودن قله‌ها و کوهنوردی تشبیه نمود؟ شاهد و مثال و ضرب‌المثلی دیگری وجود ندارد؟ چیزی ندارند که بگویند. جالب اینکه دست خونین و شیطانی استعمارگران، و قلم بدستان [صفحه ۲۳] مزدورشان را در پشت اینگونه تحلیل‌های خرافی، و استعماری، می‌نگریم که برای نگران کردن امت‌های انقلابی، و ناامید نمودن انقلابیون پیکارگر، اینگونه قلم می‌زنند. شعر و ترانه می‌سرایند. قصه و رمان می‌نویسند. تاریخ را تعریف می‌کنند. که ریشه‌های اصلی نهضت‌ها را بخشکانند و این باور را در دلها زنده نمایند که: انقلاب نکنید. دست به حرکت سازنده‌ای نزنید که: هر انقلابی محکوم به شکست است. دیدید که امت انقلابی رسول خدا (ص) بر ضد فرزندان او تهاجم کردند و نهضت‌های دنیا، یکی بعد از دیگری شکست خوردند، وابسته شدند. پس بدون هرگونه زحمت و تحمل مشکلاتی، همچنان بوده بمانید، و وابستگی و ذلت را به جان بخرید، و با سکوت و رضا و تسلیم و اطاعت، بخود و قدرتهای استعماری، زحمت ندهید که: (انقلاب بچه‌های خود را می‌خورد). و یا. (سرانجام هر حرکتی به سیر ارتجاعی کشانده خواهد شد). و بیچاره، خوانندگان و نویسندگان ساده و خوش‌باور، پس از مطالعه [صفحه ۲۴] سرنوشت نهضت‌های شکست خورده، و بررسی حوادث تلخ گذشته، تحت تأثیر القائنات استعمارگران قرار گرفته می‌گویند. راستی چرا انقلاب کنیم که بعد از مدتی شکست بخورد؟ چرا نهضتی را بپا کنیم که فوراً سرنگون شود؟ چرا انقلاب را با جان و خون خود آبیاری نمائیم که فرزندان خود را ببلعد؟ این گروه اگر سیاست‌های شیطانی استعمارگران را درک می‌کردند. و حوادث و رویدادهای تاریخی را به درستی ارزیابی، می‌نمودند. و قانون علیت را می‌شناختند که: چیزی بدون علت و سبب به وجود نمی‌آید. و آنگاه به کشف علت‌ها، روی می‌آوردند و عوامل شکست را شناسائی می‌کردند. اینگونه خرافاتی و جاهلانه قضاوت نمی‌کردند و به جبران و درمان ضعف‌ها می‌کوشیدند.

جبرگرایی

بعضی درست مانند گروه اول به جای ارزیابی صحیح، و شناخت علت‌ها، به جبر و سرنوشت حتمی و غیر قابل تغییر در زندگی فرد و جامعه، روی می‌آورند و باور کردند که. انسانها اختیاری ندارند. و آنچه باید بشود می‌شود. و در پایان راه به همان تکیه‌گاههایی می‌رسند که گروه اول رسیدند و همان نتایج خرافی را می‌پذیرند که گروه اول پذیرفتند. [صفحه ۲۵] هر دو گروه آب به آسیاب غارتگران تاریخ می‌ریزند با این فرق که: گروه دوم «جبرگراها» افکار و آراء خرافاتی خود را آب و رنگ مذهبی یا فلسفی داده و تفکرات خود را به نیروهای غیبی و ماوراء الطبیعی نیز، نسبت می‌دهند. مثلاً می‌گویند: الف. خدایان چنین خواستند یا چنین قضاوت کردند. ب. سرنوشت چنین است و غیر قابل بازگشت. ج. اراده الهی این حوادث ناگوار را پسندیده است. د. قضا و قدر این است. و آنگاه نتیجه می‌گیرند که: شلاق خوردن حضرت زهرا (علیها السلام) مقدر بود. و اهانت به اهل بیت (ع) سرنوشت غیر قابل تغییر. و انحراف امت از حکومت اسلامی، و استقرار حکومت غاصبانه سران سقیفه، و بنی‌امیه و... همه، از قضا و قدر سرچشمه می‌گیرد. پس کسی گناه ندارد! و اعتراضی نباید مطرح شود! اگر اینگونه از تحلیل‌های جبرگرایانه را بپذیریم دیگر انقلابهای رهائی‌بخش، ارزشی نخواهند داشت و حرکت‌های اصلاح‌طلبانه، پوچ و بی‌مقدار خواهند بود، و انگیزه‌های اعتراض و فریاد و قیام. در دل‌های ستمدیدگان تاریخ می‌خشکد، و زمینه‌های رشد از بین خواهد رفت.

جبر تاریخ ماتریالیستی

در عصر ما تفکر ماتریالیستی، به تفکر جبرگرایی با شکل جدیدی روی آورد و در قالب نوینی آنها را شناساند و از نظر نتیجه‌گیری

نیز [صفحه ۲۶] به همان تکیه گاه‌های دو گروه گذشته، پناه آورد. با این فرق که به سراغ خدایان، و ارواح، و نیروهای غیبی، و سرنوشت محتوم، و قضا و قدر آنچنانی. نرفته بلکه اینبار «خدائی تاریخ را به رخ کشید» و برای تاریخ اصالت قائل شد و در دیدگاه جدید هیستوریسم [۳] «اصالت تاریخ» چنین قضاوت کرد که: الف. سیر جبری تاریخ غیر قابل انسداده است [۳]. ب. حرکت جبری تاریخ غیر قابل پیشگیری است. ج. اگر تاریخ حرکت جبری خود را شروع کند نمی‌شود کاری کرد. می‌بینیم که ماتریالیسم تاریخی، همان باورهای خرافی و جبرگرایانه را مطرح می‌کند و برای تاریخ اصالت و شخصیت حاکمی قائل می‌شود که: اگر حرکت کند یا سیر ارتجاعی را آغاز نماید نمی‌شود در برابرش ایستاد. و هر گونه مقاومتی محکوم به شکست است. می‌پرسیم: پس اراده و اختیار انسانها چه ارزشی دارند؟ و وعده‌های پیروزی برای چیست؟ و فرمان (کارگران جهان متحد شوید) برای چه صادر می‌شود؟ جوابی ندارند. [صفحه ۲۷] اگر ظهور اسلام و بعثت رسول خدا (ص) و سپس سیر ارتجاعی سران سقیفه و اُمت بی‌تفاوت، همه از سیر جبری تاریخ باشد و پیروزی و شکست نهضت‌ها از جبر تاریخ منشاء گیرد، پس هر گونه وحدت و قیامی، حرکت و پیامی بی‌ارزش است و فایده‌ای نخواهد داشت زیرا باید منتظر تاریخ و حرکت جبری آن بود تا «حرف آخر را جبر تاریخ بزند». بنابراین علیه حکومت‌های استعماری کاپتالیسم، و حاکمیت‌های خونین مستبدانه کمونیسم، نباید قیام کرد. در تحلیل و حوادث صدر اسلام، سران سقیفه را نباید به باد انتقاد گرفت، و از کسی شکایت داشت. باید رفت در کوه‌ها و دشت‌ها تاریخ، و جبر تاریخ را بیدار نموده مورد محاکمه جدی قرار داد!! تا بلکه از خواب بیدار شده و به سر عقل آید و سیر جبری دیگری مطابق میل ما آغاز نماید.

علل و عوامل پیروزی و شکست نهضتها

در برابر افکار و آراء گذشته، تفکر اسلامی وجود دارد که: به علت‌ها نظر می‌دوزد. در هر چیزی باید عوامل پیدایش و سقوط را شناسائی کرد. جهان، جهان علت و معلول است. در این نظام احسن الهی، چیزی بدون عوامل حساب شده پدید نمی‌آید و از بین نمی‌رود. انسان و جهان، خلق خدایند و جهان، سراسر علت‌ها و معلول‌هاست. و انسان در میان قضاها و قدرها، آزاد است و حق انتخاب دارد. و سعادت و شقاوت در گرو اختیار اوست که: [صفحه ۲۸] «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (ما راه حق و باطل را شناساندیم یا از راه حق می‌روند و شکر گذارند و یا کفران نعمتها نموده و راه باطل می‌پیمایند) [۴]. و انقلاب‌ها و حرکت‌های سازنده با اختیار و انتخاب انسانها به وجود می‌آیند، و با بی‌تفاوتی و سستی انسانها سقوط می‌کنند، گرچه در خوبی‌ها، پیروزی‌ها، همه جا خدا به کمک انسان می‌آید و همه عوامل مادی و معنوی را همراه او می‌سازد که فرمود: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ» (هر چه از انواع خوبی‌ها به تو رسد از جانب خداست) [۵]. اما در بی‌تفاوتی‌ها، و سستی‌ها، شکست و نابودی‌ها، کسی جز خود انسان دخالت ندارد، بدی و زشتی به انسان‌ها مربوط می‌شود، و عوامل شکست را باید در خود، و در جامعه خود، جستجو نمایند که هشدار داد: «وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ» (و آنچه از انواع بدی‌ها دامنگیر شما می‌گردد از نفس تو است). اگر حوادث تلخ و ناگوار پس از رسول خدا، با بینش علیت‌گرائی ارزیابی شود. عوامل شکست شناسائی گردد. آفت‌های انقلاب‌ها را شناخته، آنگاه می‌توانیم همه آنها را از سر راه انقلابمان برداریم، و این آرزو را در دل استعمارگران، و ساکت‌ها، و ضد انقلاب‌ها، بگذاریم که (در انتظار روز شکست نهضت ما ساعت شماری [صفحه ۲۹] می‌کنند)، و عوامل حوادث تلخ و ناگوار پس از رسول خدا را درک نموده عبرت گیریم، و نگذاریم بار دیگر در تداوم انقلابمان مطرح گردند. پس با بینش علیت‌گرائی عوامل پدید آورنده انقلاب را نیز می‌شود شناخت و در تقویت آنها همواره کوشید، و با تداوم و تقویت عوامل پیروزی، یک انقلاب الهی موفق را، جاویدان ساخت. در رابطه با روش صحیح تحلیل حوادث ناگوار زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) بهترین سند گویا، خطبه‌ها و سخنرانی‌های آن بزرگوار است که: در تحلیل مصیبت‌های ناگوار نه جبر را مطرح می‌کند. و نه سرنوشت را. نه از جبر تاریخ سخنی

به میان می‌آورد. و نه قضاوت خدایان را باور دارد. بلکه با بینش «علیت‌گرایی» واقعیت‌ها را به رُخ می‌کشد و عوامل شکست را یک یک به ارزیابی می‌گذارد مانند: اول- آشکار شدن خط نفاق و دورویی حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند: فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ (ص) دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَمَأْوَى أَصْفِيَائِهِ ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ. (تا آن روز که خدا برای پیامبرش خانه انبیاء را برگزید، و او را در آرامگاه برگزیدگان خود منزل داد، خار و خاشاک نفاق در شما ظاهر شد که جامه دین کهنه و سر دسته گمراهان به سخن درآمد) و خطاب به پدر فرمود: [صفحه ۳۰] رفتی و پس از تو فتنه‌ها برپا شد کین‌های نهفته آشکارا شد این باغ خزان گرفت و بی‌بر شد وین جمع بهم فتاد و تنها شد دوم شیطان زندگی فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمودند: وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ فَأَلْقَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْعَرَّةِ فِيهِ مَلَا حِطِينَ. (شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه بیرون آورد و ندایتان داد و به شما نگریست که پاسخگوی خوبی برای دعوت او هستید و برای فریب دادن مردم آماده نقشه‌های شیطانیست). سوم- ترس و زبونی مردم بهانه‌جویی و منفی‌بافی و ترک مسوولیت‌ها در بسیاری از مواقع، معلول ترس و زبونی است می‌ترسند که: رفاه‌زدگی آنان، و آسایش و آرامش زندگی، در خطر جدی قرار گیرد. منافعشان مورد تهدید قرار گیرد، و بازار دنیایشان به کساد و تعطیلی کشانده شود. اینجاست که ایمان و خدا و تعهدات الهی، انسانی، و مسوولیت‌ها را فراموش و از زیر بار مسوولیت‌ها به سادگی شانه خالی می‌کنند. حضرت زهرا (علیها السلام) در این رابطه فرمودند: وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ إِتْدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ [صفحه ۳۱] إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ. (انحرافات شما تحقق یافت در صورتی که پیغمبر هنوز به قبر سپرده نشده بود. و بهانه می‌آوردید که از فتنه‌ها ترسیدیم، آگاه باشید که در فتنه سقوط کردید و راستی آتش جهنم محیط بر کافران است). چهارم- سستی و بی‌تفاوتی یاران رسول خدا (ص) در کلام نورانی دیگری بر سر خفتگان بی‌تفاوت، و سست عنصران فرصت‌طلب، فریاد می‌کشد که چرا در برابر حق و باطل بی‌تفاوتید؟ و فرمود: يَا مَعْشَرَ النَّبِيِّينَ وَ أَعْصَادَ الْمِلَّةِ وَ حَضَنَةَ الْأِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي؟ وَالسَّئَةُ عَنْ ظِلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَبِي يَقُولُ. الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ؟ (ای مردم، ای انجمن نقباء و بازرسان، از بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من از چیست؟ و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم رسول خدا نفرمود که «باید حرمت هر کس در مورد فرزندان او حفظ شود»؟ پنجم- بی‌ایمانی و پیمان‌شکنی (شرک پنهان) بدیهی است که ایمان زبانی و ظاهری ارزشی ندارد و تظاهر به اسلام و ایمان، دورویی و نفاق است، مهم آن است که واقعاً ایمان بیاوریم و در راه خدا و تداوم ایمان استقامت ورزیم که یکی از علل انحراف مردم و کودتاگران سقیفه، بی‌ایمانی و پیمان‌شکنی، یا عدم تداوم ایمان و استقامت بود. در این رابطه تذکر دادند: فَأَتَى حِرْثُكُمْ بَعْدَ النَّبَيِّ؟ وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ؟ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ [صفحه ۳۲] الْأَقْدَامِ؟ وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟ (پس چرا بعد از بیان ایمان و اقرار به آن، حیران و مضطرب شدید؟ و چرا پس از آن همه همکاری با اسلام، یاری و کمک خود را پنهان می‌دارید؟ و چرا بعد از آن پیش‌قدم بودن‌ها، عقب نشستید؟ و چرا بعد از ایمان، مشرک شدید؟) که با تأسف باید گفت: افسوس که حرمت شکستند افسوس که خاطر تو خستند افسوس ره نفاق شد باز افسوس که باب علم بستند هنگام دفاع از حریمت یک‌عده به خانه‌ها نشستند بر خانه تو هجوم بردند باب حرم خدا شکستند ششم، دوری از قرآن در عمل قرآن کتاب زندگی است، کتاب بیان ارزش‌های اخلاقی، تربیتی است، کتابی است که اگر به دستورات آن عمل شود نتیجه آن سعادت و پیروزی است، پس تنها تظاهر به طرفداری از قرآن فایده ندارد، در این رابطه بانوی بزرگ اسلام هشدار می‌دهد که: كِتَابَ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ... وَ قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَ رَأَى ظُهُورَكُمْ، أَرْغَبِيَّ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا. (در حالی که قرآن کتاب خدا در میان شماست... آن را پشت سر انداخته‌اید آیا از قرآن روی گردان و بی‌رغبت شدید؟ یا حاکمی غیر او را به حکمیت می‌طلبید؟ که این بد بدلی است برای ستمگران!) [۶]. [صفحه ۳۷]

اشاره

شناخت عوامل پیدایش رویدادها اول- بی‌فایده ماندن مکتب دوم- انزوای رهبر معصوم (ع) سوم- خطر شخصیت‌زدگی و شخصیت‌ها چهارم- سکوت و بی‌تفاوتی آگاهان جامعه پنجم- فروپاشی نیروهای دفاعی ششم- بی‌تفاوتی و انزوای مردم هفتم- عوامل بی‌تفاوتی‌ها هشتم- مردم‌شناسی و تحلیل تاریخ نهم- شک و تردید اجتماعی دهم- انتقام و کینه‌توزیهای خط نفاق [صفحه ۳۹]

بی‌دفاع ماندن مکتب

اشاره

- دو حرکت آشکار و پنهان - سیاست نفوذ و ضربه - روش دفاعی حضرت زهرا (علیها السلام) [صفحه ۴۱] در فصل گذشته تذکر دادیم: روش صحیح تحلیل رویدادهای تاریخ آن است که به دنبال کشف علل و عوامل پیدایش حوادث ناگوار بکوشیم و از هر گونه خرافه‌گویی، و بینش‌های جبرگرایانه، پرهیزیم و در ادامه روش یاد شد متذکر شویم که: هیچ حادثه‌ای و رویدادی بدون علت نیست. و پیروزی، یا شکست نهضت‌ها نیز به علل و عوامل فراوانی بستگی دارد که یکی از آنها «سیاست نفوذ در مذهب» یا «سیاست مذهب علیه مذهب» است. اگر این سیاست دروغین به درستی شناسائی گردد. بسیاری از حوادث تلخ و شیرین روزگاران گذشته را می‌توانیم به درستی تحلیل و بررسی نمائیم که: چرا یک امت انقلابی بر ضد انقلاب خویش عمل می‌کند؟ چرا پس از رسول گرامی اسلام (ص) آن همه انحرافات سیاسی، مکتبی در اسلام و مسلمانان رواج می‌یابد؟ [صفحه ۴۲]

دو حرکت پنهان و آشکار

پس از استقرار اسلام، و محکم شدن پایه‌های دین الهی در دل و جان جامعه اسلامی، حرکتی حساب شده و آشکار، مستدل و جاویدان از طرف رسول گرامی اسلام، در رابطه با آینده اسلام و مسلمین شکل گرفت، و هر روز با رهنمودهای ضروری و استدلال‌های محکم و اساسی، رواج یافت و در جامعه اسلامی به عنوان یک اصل مسلم عقیدتی در دیدگاههای زیر جا باز می‌نمود:

۱. اهل بیت رسول خدا (ص)، مفسران و پاسداران واقعی دین اسلام می‌باشند. ۲. تا راه تکامل است و امت اسلامی در حرکت تکاملی، رهبری لازم است، و رهبران جامعه اسلامی (با لیاقت و عصمت و علم غیب و دیگر صفات و ویژگی‌ها) همه از اهل بیت رسول خدا می‌باشند «از علی (ع) تا مهدی (عج)». ۳. سیاست تداوم اسلام و قرآن، بر دو پایه اسلامی، قرآن و عترت «ثقلین» بنیانگذاری شده و انحراف از آن دو نابخشودنی است. ۴. و دوران امامت و رهبری چنین تبیین گردیده است. الف- حکومت الهی با نظارت و ابلاغ رسول خدا (ص) ب- حکومت الهی با نظارت و ابلاغ امامان معصوم (ع) ج- حکومت الهی با نظارت و ابلاغ فقهاء در دوران غیبت کبری د- حکومت الهی با نظارت و ابلاغ امام زمان (عج) پس از ظهور ه- حکومت الهی با نظارت و ابلاغ مردمان معصوم (ع) در بازگشت دوباره (رجعت) [صفحه ۴۳] در این حرکت آشکار و هدفدار رسول خدا، که رهنمودهای الهی، و تذکرات آسمانی بتدریج ابلاغ و اجراء می‌گردید، جهان‌بینی توحیدی، و سیستم سیاسی اسلام، و کیفیت نظام حکومتی قرآن و اصول آینده‌نگری دین، تفسیر و تبیین می‌گشت. و عوامل تداوم و بقاء اسلام معرفی می‌شدند. و پاسداران وحی به مردم شناسانده و اطاعت و فرمانبرداری از امامان راستین گوشزد می‌گردید که: چهارچوب حکومت اسلامی. و اداره امور مسلمین تا آینده‌های دور قرآن و عترت می‌باشد [۷] و سیاست و راه و رسم دیگران ارزشی نخواهد داشت و نباید در اسلام نفوذ کند. [صفحه ۴۵] آنگاه رسول گرامی اسلام نام و ویژگی‌های امامان دوازده‌گانه را یک یک برشمرد و خصوصیات و شرائط روزگاران آن بزرگ‌مردان را دقیقاً اطلاع داد. در این حرکت آشکار هرگونه سوء استفاده. اعمال اغراض شخصی، گروهی. انحرافات عقیدتی، مکتبی. صفت

بندی‌های سیاسی. تحمیل آراء و افکار شخصی بر قرآن و اسلام. تبدیل حکومت الهی به انواع حاکمیت‌های مستبدانه طاغوتی. تفسیرهای دروغین از قرآن و سنت و و. و. و. مردود و باطل اعلام شد و وظیفه همه طبقات جامعه اسلامی تا دوران «رجعت» و «قیامت» به گونه‌ای روشن ابلاغ و مشروحا اعلام شد که پیک وحی پیام نهائی را ابلاغ فرمود: الیوم اکملت لکم دینکم [۸]. [صفحه ۴۷] بنابراین اگر امت اسلامی و توده‌های مسلمان در صحنه می‌ماندند و از این مواضع اعلام شده دفاع می‌کردند. حادثه ناگواری پدید نمی‌آمد. رویداد تلخی مطرح نمی‌شد. و مصیبت و بلائی دامنگیر عترت و امت نمی‌گشت. اما هزاران افسوس که: در کنار این حرکت آشکار الهی، حرکت پنهان و مرموزی نیز در حال شکل‌گیری و طراحی بود. تشنه‌گان قدرت. هواپرستان کنار زده. قدرت‌طلبان منزوی شده. شکست خوردگان بی‌تقوا. حسودان بی‌پروا. دست‌اندرکاران یک حرکت شیطانی بودند تا حکومت و حاکمیت را دوباره به دست گیرند و آرزوهای دیرینه را لباس عمل بپوشانند. آشکارا نمی‌توانستند تحرکی را سازماندهی نمایند. چون در برابر امت اسلامی. و رهنمودهای قاطع و مدیریت صحیح رسول خدا (ص). هر گونه انحرافی، و هر گونه تحرک شیطانی به شدت سرکوب می‌گشت. نمی‌توانستند بگویند: [صفحه ۴۸] «ما می‌خواهیم حکومت کنیم». «می‌خواهیم اسلام نباشد». «می‌خواهیم قرآن نباشد و ارزش‌های جاهلی حاکم شود». از این رو به ظاهر تسلیم شدند، سیاست «نفوذ و ضربه» و صبر و انتظار در پیش گرفتند. به طراحی و برنامه‌ریزی پرداختند. و فرصت اجرای نقشه‌ها را به دوران پس از رحلت رسول خدا (ص) اختصاص دادند، گرچه در لحظه‌های آخر حیات رسول خدا نیز ساکت نشستند و عمر پس از اهانت و جسارت به رسول خدا شعار «حسبنا کتاب الله» سر داد [۹].

کیفیت شکل‌گیری نقشه‌ها

مشکل حرکت پنهانی سران سقیفه این بود که نمی‌توانستند اهداف سیاسی خود را به گونه‌ای روشن برای عموم جامعه مطرح نمایند. در نتیجه، حرکت پنهان آنها نمی‌توانست به گونه‌ای دلخواه گسترش پیدا کند و تحقق یابد. و همواره در برنامه‌ریزی‌های پنهانی از خود می‌پرسند: [صفحه ۴۹] چگونه و از کجا باید آغاز کرد؟ آیا از مردم آغاز کنیم؟ یا به سراغ جامعه برویم؟ این کار ممکن نیست. آیا از رسول خدا شروع کنیم؟ امری محال است. تمام نقشه‌ها و طرح‌ها با علم غیب و آینده‌نگری رسول خدا و پیک وحی افشاء می‌گردد و مردم نیز تحریک می‌شوند. آیا علیه دین اسلام برخیزیم؟ و تحلیل می‌کردند که با وجود مردم بیدار و نظارت رهبری نمی‌شود در اسلام نفوذ کرد و آن را از اعتبار انداخت. آیا خودسازی کنند و شرائط و ویژگی‌های رهبر در حکومت اسلامی را به دست آورند؟ این نیز محال بود. - سابقه بت‌پرستی نداشتن. - و معصوم بودن. - و آگاهی به علم غیب که در اختیارشان نبود. از این رو سیاست صبر و انتظار در پیش گرفتند که تا رسول خدا زنده می‌باشند اقداماتی صورت نگیرد. پس از رسول خدا (ص) «سیاست مذهب علیه مذهب» را اعمال کردند و با: - تظاهر به دین. - و پاسداری از قرآن. [صفحه ۵۰] - و شعار «حسبنا کتاب الله» آرام آرام مردم را اغفال کرده ابتداء از اسلام و قرآن آغاز نمودند و پاسداران واقعی دین را منزوی کردند، وقتی اسلام بدون عترت و پاسداران واقعی مطرح شد راه‌های نفوذی فراوانی به دست آوردند. - اظهار نظرهای شخصی. - و تفسیر به رأی. تغییر احکام الهی با تفسیرهای دروغین، یکباره بر مردم باریدن گرفت. به بهانه یک حدیث جعلی که انبیاء ارث نمی‌گذارند [۱۰] فدک را غصب کردند و اهل بیت (ع) را در محاصره اقتصادی قرار دادند. و با مطرح کردن آیه: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولُوا الْأَمْرِ مِنْكُمْ [۱۱] همه را به اطاعت از خود فراخواندند و گفتند: هر کس بیعت نکند این آیه را انکار کرده است. و منکر آیات قرآن مشرک است و قتل و اهانت و شلاق زدن او رواست. و با خواندن آیه زکوة، مالک بن نویره، آن بزرگ صحابی رسول خدا را که به آنها زکوة نمی‌داد و سران سقیفه را غاصب نمی‌دانست گردن زدند. [صفحه ۵۱] و برای اولین بار سر او و ۱۲ فرزندش را در مدینه گردانند [۱۲]. ده‌ها و صدها برداشت‌ها و فتوی‌ها، و امر و نهی دروغین دیگر، که همه با نام اسلام و قرآن برای مردم ترویج می‌گشت، افکار

عمومی را به انحراف می‌کشاندند. گفتند تنها مانع حکومتشان اسلام ناب محمدی با پاسداران همیشه در پیکار آن، اهل بیت (ع) است پس اگر: اهل بیت (ع) منزوی شوند. و حدیث ثقلین انکار گردد. و عترت با شعار حسبنا کتاب الله کنار زده شوند. دیگر راه‌های نفوذ در اسلام و مسلمین باز خواهد بود. سران سقیفه به این نتیجه رسیدند که برای استقرار حکومتشان باید: الف- اسلام را از محتوا تهی کرد. ب- سیاست مذهب علیه مذهب ضروری است. ج- با سیاست نفوذ و ضربه می‌توان موفق شد. د- باید شرائط الهی حکومت و رهبری را انکار کرد (مانند: عصمت، علم غیب، انتخاب الهی). ه- باید پاسداران واقعی اسلام (عترت) را منزوی نمود. و- باید اجازه داد هر کسی بتواند در اسلام و قرآن اظهار نظر کند. پس از رسول گرامی اسلام با کودتای نظامی و اعمال خشونت و فشار [صفحه ۵۲] سر نیزه‌ها حکومت و قدرت را به دست گرفته و آنگاه با شیوه‌های استحماری، انواع انحرافات و بیماری‌های روانی و روحی را در دل و جان فرد جامعه اسلامی پراکندند تا اندک اندک از اصول و مبانی اصیل اسلامی فاصله گرفته و دوباره به جاهلیت نخستین راه یابند که حضرت فاطمه (علیها السلام) به برخی از آنها اشاره می‌فرماید: ۱- سرگردانی و اضطراب (فَأَنَّى حِزْمٌ بَعْدَ الْبَيَانِ). ۲- نفاق و دورویی (ظَهَرْتُ فَيْكُمْ حَسِيكُهُ الْفُتُوقِ). ۳- سکوت و بی‌تفاوتی (أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا إِيمَانَهُمْ). ۴- پیمان‌شکنی (وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْأَقْدَامِ). ۵- از دست دادن ایمان (وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ). ۶- ترک جهاد و مبارزه (تَفَرُّوْنَ مِنَ الْقِتَالِ). ۷- ترس و زبونی (فَقَبْحًا لِفُلُولِ الْخَيْدِ) [۱۳]. ۸- تنبلی و تن‌آسائی «رفاه‌زدگی» (وَأَنْتُمْ فِي رِفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ). ۹- ترک حمایت از رهبر معصوم «و انزوای رهبری» (وَمَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ). ۱۰- از دست دادن روح شهادت‌طلبی (مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي). ۱۱- روی آوردن به شرک و کفر (وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ). ۱۲- بی‌وفائی (أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ؟). [صفحه ۵۳]

تداوم سیاست مذهب علیه مذهب

از آن روزگاران سخت مصیبت‌بار آغازین اسلام تاکنون، سیاست‌بازان قدرت‌طلب و استعمارگران سلطه‌گر، در کشورهای اسلامی. همان روش‌های استحماری را به آزمایش گذاشتند و ملت اسلامی را با سیاست «مذهب علیه مذهب» به بند می‌کشیدند و پاسداران واقعی اسلام رسول خدا (ص) و دانشمندان و فقهاء همیشه در پیکار شیعه را با همان ظاهرسازی‌ها و شعارهای به ظاهر اسلامی کوبیدند و به انزوا کشاندند. به نام بازسازی اسلام، به حوزه‌های علمیّه تاختند و گفتند. «اسلام حوزه‌ها باید تغییر کند». و به نام اسلام روشنفکر مأبانه، اسلام ناب محمدی را کوبیدند. و چون دیدند ابتداء نمی‌شود با اسلام درافتاد، پاسداران واقعی آن، روحانیت و دانشمندان شیعه را به خاک و خون کشیدند و با انواع تهمت‌ها منزوی نمودند. شعار «اجتهاد عمومی» دادند که هر کس با تداوم مطالعات اسلامی می‌تواند اجتهاد کند و اسلام ملّاها را نپذیرد و خود یک اسلام‌شناس صاحب‌نظر باشد. گروهک‌هایی با نام و شعار اسلامی در برابر روحانیت و حوزه‌های علمی تشیع، به راه انداختند و در همه جا مطرح نمودند تا کانال تبلیغ و ارتباطات روحانیون با مردم را در اختیار خود گیرند. همه تلاش و کوشش احزاب سیاسی، و روشنفکران آگاه و ناآگاه، این بود که اول پاسداران اسلام ناب را منزوی کنند و سپس در اسلام بی [صفحه ۵۴] مدافع نفوذ نموده و هر چه می‌خواهند انجام دهند. و آراء و نظریات سیاسی و استعماری خود را با نام اسلام، مطرح و مردم را اغفال نمایند. و چون در ایران پس از انقلاب در برابر زبان گویای روحانیت در خط امام، قرار گرفتند و هر کجا که سبز می‌شدند سحرشان با معجزه طلبه‌های درس خوانده حوزه‌های علمیّه باطل می‌شد و تفکرات التقاطی آنان افشاء می‌گردید. کمر به قتل پاسداران اصلی اسلام بستند و فرمان صادر کردند که: «آخوند دیدید بزنید». در آغاز حوادث ناگوار پس از رسول خدا نیز چنین کردند. دیدند که: امام علی (ع) تنهاست. و دیگر عالمان آگاه ساکتند. و این تنها یادگار پیامبر اسلام (ص) فاطمه زهراست که: مسجد و مردم را زیر و رو کرده و با استدلال‌های محکم و قرآنی ادعاهای دروغین سران سقیفه را رسوا می‌کند. و مدینه را با خطبه‌های آتشین خود رنگ خون و قیام می‌زند. و چون منطق و استدلالی در برابرش نداشتند. به سیلی زدن. و آتش زدن. [صفحه ۵۵] و اهانت کردن [۱۴]. و شلاق زدن روی آورند [۱۵]. و از آن همه ادعاها و

شعارهای فریبنده دست کشیدند و بناچار نقاب از چهره پنهانشان فروافتاد و اغراض سیاسی پنهان آنان برملا گردید. همه فهمیدند که شعار «حسبنا کتاب الله» یک شگرد سیاسی بیش نبوده و سیاست «نفوذ و ضربه» را تداوم می‌بخشید آری: آنجا که جایگزین عدالت ستم شود مرد خدا به حق طلبی متهم شود با نام دین به ریشه دین تیشه می‌زنند جمعی که کاش ریشه آنان قلم شود

روش دفاعی حضرت زهرا

- توجه به راه‌حل‌ها از روزی که حرکت پنهانی سران سقیفه آشکار شد و سعی در اجراء برنامه‌های از پیش تعیین شده نمودند حضرت زهرا (علیها السلام) نیز انگشت به روی درد گذاشته و راه‌حل‌های اساسی را طرح فرمودند مانند: [صفحه ۵۶] ۱- مطرح کردن قرآن و عترت. ۲- مطرح کردن نیازمندی و جدانشدنی قرآن و عترت. ۳- دفاع همه جانبه از ولایت امام علی (علیه السلام) و دیگر پاسداران قرآن. ۴- روش ارزیابی احادیث دروغین با احادیث واقعی و صحیح. ۵- تبلیغ از اسلام ناب محمدی. ۶- مطرح کردن هشدارهای لازم در ترک قرآن و عترت. ۷- بازگو نمودن خطرات جدا کردن قرآن از عترت و تفسیرهای راستین. در تفکرات اسلامی حضرت زهرا (علیها السلام)، مبانی اعتقادی و تحقق ارزش‌های اخلاقی و عمل به احکام متکامل الهی، درمان همه دردهای فردی و اجتماعی، مادی و معنوی انسانهاست که در بخش ایدئولوژی، و بررسی فلسفه فروع دین، و احکام ارزشمند قرآن کریم، راه‌حل‌ها در سخنان بزرگ بانوی اسلام به گونه شگفتی‌آوری مطرح و شناسانده می‌شود که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

«راه‌حل‌ها» ۱- ایمان حضرت زهرا فرمودند: فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ. (پس خدای تعالی ایمان را برای تطهیر شما از شرک قرار داد). «راه‌حل‌ها» ۲- اعتقاد به معاد و پاداش و مجازات اخروی ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ زِيَادَةً لِعِبَادِهِ [صفحه ۵۷] مِنْ نِقْمَتِهِ وَحْيَاثَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ. (خداوند پاداش را بر اطاعت و بندگی و مجازات و عذاب را در معصیت و گناهکاری قرار داده است، تا از گناه و عذاب دوری کنند و به سوی بهشت و رضوان الهی کشانده شوند). «راه‌حل‌ها» ۳- توجه به قرآن کریم و رهنمودهای آن و آنی تَوْفُكُونَ بِهِ وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَزَوَاجِرُهُ لَانِيَّةٌ وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ. (چرا منحرف و گمراهید؟ به کجا می‌روید؟ در صورتی که کتاب خدا در میان شماست، مطالبش هویدا و احکامش درخشان است و پرچم‌های آن نور چشمان را می‌رباید و هشدارها و نواهی آن قابل فهم عموم و اوامر آن واضح است).

«راه‌حل‌ها» ۴- عمل به فروع دین وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهاً لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ (خدا نماز را برای پاک شدن دل‌های شما از تکبر واجب کرده است). وَالزَّكَاةُ تَرْكِيبَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ (و زکاة برای پاک شدن جان و فزونی رزق و روزی است). وَالصِّيَامُ تَنْبِيهاً لِلْأَخْلَاصِ (و روزه برای ثابت ماندن ایمان و اخلاص است). وَالْحَجُّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ (و حج برای استحکام کاخ و ستون‌های استوار دین است). وَالْعَدْلُ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ (و عدل عمومی برای تکامل و رضایت دل‌هاست). [صفحه ۵۸] وَالْجِهَادُ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ (و جهاد برای عزت و پیروزی اسلام است). وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَامَّةِ (و امر به معروف برای رعایت مصلحت عموم مردم است). «راه‌حل‌ها» ۵- ضرورت اخلاق اجتماعی (و بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السَّيْخِطِ وَصَلَةِ الْأَرْحَامِ مَنَمَةٌ لِلْعَدَدِ وَاجْتِنَابُ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ وَتَرْكُ السَّرْقَةِ إِنْجَاباً لِلْعَقْفَةِ. (خدای بزرگ احترام و نیکی به پدر و مادر را سپر حفظ از خشم خود قرار داده است، و صله ارحام و روابط فامیلی را سبب فراوانی نسل، و دوری کردن از تهمت زدن را محفوظ ماندن از عذاب و لعنت، و ترک دزدی را برای برقراری پاکدامنی و عفت. انتخاب کرده است). «راه‌حل‌ها» ۶- ارزش‌های اخلاقی وَالصَّبْرُ مَعُونَةٌ اسْتِجَابَ الْأَجْرِ وَالْوَفَاءُ بِالنَّذْرِ تَغْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تُمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ. (خدا صبر و بردباری را وسیله رسیدن به پاداش فراوان، و وفای به عهد و نذر را سبب مغفرت و آمرزش جاویدان قرار داده است، پس تقوی طلب کنید و از خدا آن گونه که شایسته است بترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید). «راه‌حل‌ها» ۷- اجرای حدود و قصاص اسلامی یکی از راه‌های برقراری عدالت اجتماعی، و مبارزه با مشکلات زندگی فرد و جامعه، و ایجاد امنیت و آرامش عمومی، اجرای حدود و قصاص اسلامی است تا فردی به فرد دیگر تجاوز نکند که فرمودند: [

صفحه ۵۹] وَالْقِصَاصَ حَقًّا لِلدَّمَاءِ... وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ. (خداوند قصاص را وسیله حفظ جان‌ها و خون‌ها، و ترک و نهی شرابخواری را برای پاکیزگی از پلیدیها و زشتی‌ها قرار داده است) [۱۶]. پس از سیر کوتاهی در گلستان همیشه بهار بزرگ بانوی اسلام و بوئیدن گل‌بوته‌های همیشه معطر آن، به این نتیجه می‌رسیم که، مبانی اعتقادی صحیح، نقش ارزنده‌ای در اخلاق و ایدئولوژی انسانها دارد و راه‌حل‌های اساسی بشریت، بدون آن ارزش‌ها، تحقق نمی‌یابند. اما هزاران افسوس که به جای عمل به رهنمودهای حضرت فاطمه (علیها السلام)، بر حرمت حریم آن یگان یادگار پیامبر (ص) یورش آوردند. ولی افسوس طوفان حوادث بهار جاودانی را خزان کرد ز پا افتاد زهرا در جوانی ز بسکه غصه او را ناتوان کرد گل شاداب و پر نور محمد (ص) چه شد یارب که از غم سایبان کرد [صفحه ۶۱]

انزوای امام و انحراف از رهبری

اشاره

- نقش و اهمیت رهبری - سیاست انزوای رهبر - آثار شوم رهبری دروغین - ویژگی‌های رهبری امام علی (ع) از دیدگاه فاطمه (علیها السلام) [صفحه ۶۳] گفتیم که نهضت‌ها، سرنوشت جبری از پیش تعیین شده‌ای ندارند. و پیروزی‌ها و شکست‌ها دارای علل و عوامل گوناگونی می‌باشند که باید شناسائی و راه‌های تداوم یا مقابله با آنها مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. در ارزیابی پرسش‌های مربوط به حوادث ناگوار پس از رسول خدا (ص) یکی از عوامل انحراف، و سیر ارتجاعی امت، و شکست نهضت و دگرگونی ارزش‌ها، و بارش انواع مصیبت‌ها بر اهل بیت (علیهم السلام). انزوای امام و انحراف از رهبری الهی امام علی (علیه السلام) است. سران سقیفه پس از بی‌دفاع گذاشتن مذهب، به انزوای امام، و انکار اصل ولایت رهبران معصوم (ع) پرداختند که در بی سرپرست شدن امت، آنچه خواستند کردند، و حاکمیت ایده‌آل خود را به چنگ آوردند و کار تا بدانجا بالا گرفت که ابوسفیان شکست خورده از اسلام و رسول خدا، او که از رزم دلاورانه فرزندان اسلام و یاران پیامبر (ص) بالخصوص حضرت حمزه و امام علی (ع) زخم‌ها بر دل داشت، به احد می‌رود و با کوبیدن لگد بر [صفحه ۶۴] روی قبر حمزه می‌گوید: (حمزه بپا خیز و تماشا کن. آیا شما پیروز شدید یا ما؟ هم‌اکنون رهبری امت اسلامی در دست ما و قبیله ماست) [۱۷].

نقش و اهمیت رهبری

یکی از عوامل مهم و ارزشمند نهضت‌ها و حرکت‌های اصلاح طلبانه که نقش کلیدی دارد و پدید آورنده و تداوم‌دهنده و نظارت‌کننده حرکت‌ها می‌باشد، عامل رهبری است. عامل رهبری هم علت محدثه (پدید آورنده) انقلاب و هم علت مبقیه (نگهدارنده) نهضت‌هاست که صلاح و فساد جامعه و پیشروی و رکود انقلاب، تسلیم‌ناپذیری یا سازشکاری آن، همه و همه به عامل رهبری بستگی کامل دارد. عامل رهبری می‌تواند انقلاب را نفوذناپذیر و حرکت آن را جاودانه کند و از هرگونه گرایش‌های انحرافی، التقاطی، ارتجاعی بازدارد یا بالعکس، موجب پیدایش آفات شکننده شود، دشمن همواره می‌کوشد تا: با ترس و ارعاب. به رخ کشیدن قدرتها. طرح انواع مشکلات. بوجود آوردن حوادث ناگوار و بسیار تلخ. پیدایش بن بست‌های غیر قابل جبران، رهبری نهضت را دلسرد نماید، به شک و تردید بکشانند چون همه مقاومت‌ها، و تحمل سختی‌ها، و پاسداری ملت‌ها، به رهبری مربوط می‌شود. [صفحه ۶۵] در اینجا به برخی از جنبه‌های نقش رهبری اشاره می‌گردد. ۱- نقش رهبر در پیدایش و تداوم نهضت‌ها. ۲- نقش رهبر در بسیج توده‌ها. ۳- نقش رهبر در مقاومت و تحمل سختی‌ها. ۴- نقش رهبر در ایجاد انگیزه‌های اساسی برای تداوم مبارزه در انقلاب‌ها. ۵- نقش رهبر در پاکسازی جامعه از زشتی‌ها. ۶- نقش رهبر در پاسداری از آرمان و اهداف

انقلاب و مبارزه با انحرافات و کجی‌ها. ۷- نقش رهبر در حفظ دست‌آوردهای انقلاب. ۸- نقش رهبر در اجراء قوانین و ایده‌آل‌های مطرح شده در اصول انقلاب. ۹- نقش رهبر در شروع جنگ و تشخیص زمان صلح و بازسازی‌ها. ۱۰- نقش رهبر در استقرار نظم امور جامعه انسانیها. ۱۱- نقش رهبر در امنیت فردی و اجتماعی جامعه‌ها. آرامش توده‌ها. ۱۲- نقش رهبر در حفظ و پاسداری از مکتب و تداوم ارزش‌های اصیل اسلامی. ۱۳- نقش رهبر در مبارزه با آفت‌های انقلاب. ۱۴- نقش رهبر در تربیت جسم و جان انسانها (سلامت فردی و اجتماعی). ۱۵- نقش رهبر در تکامل و گسترش علوم و علوم اسلامی. ۱۶- نقش رهبر در وحدت و یکپارچگی توده‌ها. [صفحه ۶۶] ۱۷- نقش رهبر در حفظ جان و مال و ناموس و خاک توده‌ها. ۱۸- نقش رهبر در ایجاد مدیریت سالم و صحیح و اصلاح مدیریت‌ها. ۱۹- نقش رهبر در سالم‌سازی اقتصاد جامعه و پاسخ دادن صحیح به نیازمندیها. ۲۰- نقش رهبر در تقویت اخلاق و ارزش‌های معنوی توده‌ها. توجه به نقش حساس و تعیین‌کننده عامل رهبری است که رسول خدا (ص) همواره در فکر استقرار رهبری صحیح در جامعه اسلامی از آغاز بعثت و دعوت خود تا لحظه‌های واپسین، همه جا به لیاقت و ارزشمندی امام علی (ع) برای رهبری جامعه اسلامی، اشاره می‌فرمودند. تذکر می‌دادند. تبلیغ می‌نمودند. استدلال می‌کردند. شاهد و مثال می‌آوردند. و آنگاه در غدیر خم از همه مردم برای علی (ع) بیعت گرفتند و ده‌ها و صدها حدیث و روایت را مطرح فرمودند تا همگان بدانند و ترویج کنند و هیچگونه ابهامی وجود نداشته باشد [۱۸]. [صفحه ۶۷] و هشدارهای لازم را نیز گوشزد فرمودند که: اگر از رهبری معصوم و ولایت عترت سرپیچی کنید همه ارزش‌ها فرومی‌ریزند و دگرگون می‌شوند و دیگر از اسلام و قرآن خبری نخواهد بود.

سیاست انزوا یا نفوذ در رهبری

با توجه به ارزش‌ها و نقش بسیار مهم و حساس رهبری، سیاستمداران دروغین و طراحان تشنه قدرت نیز تمام فکر و اندیشه و تلاش و همت خود را برای انزوا یا نفوذ در رهبری متمرکز نمودند که این سد مستحکم را بشکستند و به اهداف شوم خود برسند در این رابطه عملیات زیر را به کار گرفتند. اول- کودتای نظامی و ازوای رهبری امت [۱۹]. دوم- ترور و شهادت رهبران لایق. سوم- جوسازی و هجوم تبلیغاتی و منزوی کردن رهبر معصوم (ع). چهارم- تربیت افراد برای به دست گرفتن رهبری جوامع اسلامی. (استعمار برای سلطه‌گری خود و چپاول سرمایه‌های جهان سوم، افرادی را با نام دانشجو و اعزام دانشجویان به فرنگ و غرب، در کشورهای مورد نظر آموزش‌های لازم داده و آنگونه که می‌خواست تربیت کرد و سپس مدیریت کشورهای اسلامی و جهان سوم را به دست آنها سپرد و با روش‌های گوناگون استحمار، رهبران و رؤسای جمهور را از میان همین گروه انتخاب می‌نمود و با به دست آوردن سنگر رهبری. بر همه مقدرات جوامع بشری [صفحه ۶۸] حکومت می‌کرد و می‌کند) [۲۰]. پنجم- نفوذ در رهبری استعمارگران اگر نتوانستند با ترور، و کودتای نظامی، و تهاجم تبلیغاتی، رهبران آزاده دنیا را منزوی و از سر راه بردارند به فکر «نفوذ و ضربه» می‌افتند، و با سیاست نفوذ در رهبری، انقلاب و مردم انقلابی را در معرض سختی‌ها و آفات گوناگون قرار می‌دهند و سرانجام با ایجاد انحراف به اغفال و استحمار توده‌ها روی آورده. اغراض پلید خود را تحقق می‌بخشند. در صدر اسلام نیز چنین کردند و می‌دانستند. - اگر امام علی (ع) را از سر راه برندارند. - و در محاصره اقتصادی، تبلیغاتی قرار ندهند. - یا منزوی نکنند. نمی‌توانند به نام اسلام بر مردم حکومت کنند. از این رو هنوز جنازه رسول خدا (ص) بر زمین مانده بود و مراسم غسل و کفن و تدفین آن بزرگ پیامبر الهی آغاز نشده بود که: در سقیفه بنی‌ساعده گرد آمدند [۲۱]. [صفحه ۶۹] و با رأی چند نفر، فردی را انتخاب و سپس با کودتای نظامی به مردم تحمیل کردند. و هر اعتراض و انتقادی را به شدت سرکوب نمودند. و با زندان و شلاق و ترور و حکومت نظامی به کسی اجازه تصمیم‌گیری یا مخالفت نداده و رهبری معصوم را منزوی ساختند. اینجا بود که: مصیبت‌ها باریدن گرفت. و مسخ ارزش‌ها آغاز شد. و جاهلیت عرب با همه زشتی‌های خود دوباره رخ نمود و جوانه شوم زد. و همه را به کام

تلخ سیر ارتجاعی فرود برد. و مظلومیت و بلا کشیدن اهل بیت (ع) آغاز گشت. و سنگ بنای کربلاها و عاشوراها همیشه تاریخ با دست شوم سران سقیفه، استقرار گرفت که تا هم‌اکنون. جهان اسلام آثار مصیبت بار بی دفاع ماندن اسلام و بی سرپرست شدن امت اسلامی، را می‌چشد. و بلای فتنه‌ها و تفرقه‌ها، همه ارزش‌های به دست آورده را بر باد داد که جهان اسلام در برابر مشتی یهود زانو زد و «اسرائیل» چون خنجری زهر آگین بر قلب وارثان بحق آن فرورفت.

آثار شوم رهبری دروغین

اگر نقش عامل رهبری را به درستی ارزیابی کنیم می‌بینیم که انزوای رهبری، و انکار عامل رهبری معصوم (ع) باعث آن همه تلخی‌ها و رویدادهای ناگوار صدر اسلام گردید که به برخی از آنها اشاره می‌شود. [صفحه ۷۰] ۱- بی دفاع ماندن اسلام. ۲- بی دفاع ماندن قرآن. ۳- آغاز سیر ارتجاعی امت پس از رسول خدا (ص) و انکار حماسه غدیر و امامت امام علی (ع) [۲۲]. ۴- آغاز انحرافات عقیدتی، سیاسی، نظامی، اخلاقی فقهی در امت اسلامی. ۵- تغییر حکومت الهی به حاکمیت مستبدانه بشری. ۶- انزوای اهل بیت (ع). [صفحه ۷۲] ۷- بی سرپرست ماندن امت. ۸- پیروزی خط نفاق. ۹- به قدرت رسیدن مخالفان اسلام (شکست خورده‌های سیاسی و نظامی، خانواده‌های حد خورده و اعدای، سرمایه‌داران طرد شده). ۱۰- انتقام گرفتن از اسلام و طرفداران واقعی آن (قتل مالک و تبعید ابذر). ۱۱- استقرار حکومت نظامی (که از نظر اسلام و قرآن محکوم است). ۱۲- به کار گرفتن انواع روش‌های حرام برای ساکت کردن مردم (تهدید و ترور و زندان، تبعید). ۱۳- ریزش خون اولین شهید از خاندان رسالت (حضرت محسن علیه السلام). ۱۴- بارش انواع اهانت‌ها و ظلم‌ها به اهل بیت (ع) ۱۵- شکسته شدن حریم حرمت فرزندان رسول خدا (ص) ۱۶- کاشته شدن تخم تفرقه و جدائی‌ها. ۱۷- سکوت و انزوای حزب الله و مجاهدان واقعی اسلام. ۱۸- ظهور بدعت‌ها و احکام دروغین به نام اسلام. ۱۹- مسخ ارزش‌های اسلامی و زنده شدن دوباره ارزش‌های جاهلی. ۲۰- تعطیل شدن حدود الهی. ۲۱- ظهور تفسیرهای دروغین از قرآن. ۲۲- جمع آوری سوزاندن احادیث رسول خدا (ص) با شعار «حسبنا کتاب الله» به این بهانه که، رواج احادیث رسول خدا در امت ایجاد [صفحه ۷۳] اختلافات خواهد کرد [۲۳]. ۲۳- صدور بخشنامه برای منع نقل حدیث در امت اسلامی [۲۴]. ۲۴- تغییر و جعل احکام الهی. با توجه به آثار شوم رهبری دروغین، و انزوای رهبری معصوم (ع)، حضرت زهرا (علیها السلام) در جمع زنان مهاجر و انصار با تأسف و اندوه فراوان می‌فرماید: «وای بر آنان!» آنی زَخْرُوحَا عَنْ رِوَايَةِ الرِّسَالَةِ؟ «آنان چگونه خلافت رسول خدا (ص) را از مواضع ثابت‌اش دور کردند؟!» وَ قَوَاعِدَ التَّبَوُّةِ وَ الدَّلَالَةِ «و اساس نبوت و قواعد آن را دگرگون ساختند». وَ مَهْجَطَ الرُّوحِ الْأَمِينِ «و از خانه‌ای که جبرئیل در آن فرود می‌آمد به خانه دیگری بردند». وَ الطَّبِيبِ بِأَمْرٍ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ «و از دست افراد کاروانی که به امور دنیا و آخرت وارد بودند». أَلَا ذَلِكُ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ «بدانید که این زیان بزرگی است». [صفحه ۷۵] آنگاه به سرگردانی و انحراف انکارکنندگان خط امامان و معصوم (ع) با تأسف اشاره می‌فرماید: لَيْتَ شِعْرِي إِلَى أَىِّ سِنَادٍ اسْتَدُّوا؟ «ای کاش می‌دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده‌اند؟» وَ عَلَى أَىِّ عِمَادٍ اعْتَمَدُوا؟ «و کدام ستون را پشتیبان گرفته‌اند؟» وَ بِأَيِّ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا؟ «و به کدامین ریسمان تمشک بسته‌اند؟» وَ عَلَى أَيْهِ ذَرِيَّةٌ أَقْدَمُوا وَ اخْتَنَكُوا؟ «و بر کدام فرزندی پیشقدم شده و استیلا جسته‌اند؟» لَيْسَ الْمَوْلَى وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ «و عجب سرپرست بد و دوست نابابی انتخاب نموده‌اند». وَ بَشَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا «و برای ظالمین چه بدل بدی است». اسْتَبَدُّوا- وَاللَّهِ- الذَّنَابُ بِالْقَوَادِمِ «اینان به جای پره‌های بزرگ روی بال، دُم را قرار داده». وَ الْعَجَزُ بِالْكَاهِلِ «و به جای سینه، پشت را برگزیده‌اند». فَرَعَمًا لِمُعَاطِسٍ قَوْمٌ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِبُونَ صُيُغًا «ذلیل شد بینی آن قومی (به خاک مالیده شد) که خیال کردند با این اعمال کار خوبی انجام داده‌اند». أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ «آگاه باشید آنان فاسدانند ولی نمی‌دانند» [۲۵]. [صفحه ۷۶]

یگانه دخت پیامبر (ص) پس از هشدارهای لازم، و افشاگری‌های مناسب به معرفی ویژگی‌های رهبری امام علی (ع) می‌پردازد تا مغزهای خفته بیدار شده و بفهمند که چه نعمت‌های بزرگی را از دست داده‌اند، فرمود: وَاللَّهِ لَوْ تَكَافَوْا عَنْ زَمَانٍ بَدَّهَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْهِ لَمَاعْتَلَقَهُ «و سوگند به خدا اگر برخی از شما در مقابل برخی دیگر می‌ایستادید و زمام امور خود را که پیامبر به علی (ع) واگذار فرموده بود به دست وی سپرده بودید». و لَسَارِبُهُمْ سَيْرًا سُجْحًا «آن را به ملایمت و سهولت راه می‌برد». [صفحه ۷۷] لَا يَكَلُمُ خُشَّاشُهُ «و این شتر را سالم به مقصد می‌رسانید». وَلَا يَتَعَتَّجُ رَاكِبُهُ «و حرکتش حرکتی رنج‌آور نمی‌شد». وَلَا يُورِدُهُمْ مَنَهْلًا صَافِيًا رَوِيًّا، فَضْفَاضًا تَطْفَحُ ضِفَّتَاهُ وَلَا يَتَرْتَقُ جَانِبَاهُ «و آنان را به آبخور گاهی که دارای آب صاف و فراوان بوده و آنچنان پُر و وسیع می‌بود که از دو طرفش سر ریز می‌کرد و هرگز رنگ کدورت نمی‌پذیرفت، رهبری می‌نمود». وَلَا ضَيْدَرَهُمْ بَطَانًا «و آنان را از این آبخورگاه سیراب و بدون تشنگی بیرون می‌برد». وَ نَصَحَ لَهُمْ سِرًّا وَاعْلَانًا «و علی علیه‌السلام خیر و نیکی را برای آنان چه در خفا و چه آشکارا دوست می‌داشت». وَلَمْ يَكُنْ يَتَحَلَّى مِنَ الْغِنَى بِطَائِلٍ «اگر وی در محل زمامداری می‌نشست هیچگاه بهره فراوانی از بیت‌المال برای خویشان همراه نمی‌برد». وَلَا يَحْطِي مِنَ الدُّنْيَا بِنَائِلٍ «و از ثروت دنیا جز به اندازه نیاز برداشت نمی‌کرد». غَيْرَ رَى النَّاهِلِ «جز به اندازه آبی که عطش را فرونشاند. (به حداقل زندگی اکتفا می‌نمود)». وَ شَبِعَهُ الْكَافِلِ «و به اندازه طعامی مختصر که رفع گرسنگی نماید». وَ لَبَانَ لَهُمُ الزَّاهِدُ مِنَ الزَّاهِبِ «و برای مردم، زاهد از فرد حریص بر دنیا خوب باز شناخته می‌شد». وَ الصَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ «و راستگو از دروغگو». وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ «اینجا به آیه قرآن [صفحه ۷۸] استشهد می‌فرماید: که اگر اهل قریه‌ها ایمان آورده، تقوی پیشه می‌کردند برکت‌های زمین و آسمان را بر آنان فروریختیم ولی دروغ گفتند پس ما هم آنان را در برابر آنچه کسب کرده بودند عذاب کردیم [۲۶]. پس از طرح ارزش‌های رهبری الهی، لازم است امام علی (ع) را معرفی کند و اول مظلوم تاریخ را بشناساند از این رو خطاب به مردم فرمود: قَدْ فِى أَخَاهُ فِى لَهَوَاتِهَا «رسول خدا (ص) برادرش را در کام اژدها و گلوگاه آن افکند». فَلَا يَنْكَفِئُ حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ «و او هم بر نمی‌گشت تا گوشمالیهای سختی به آنها می‌داد». وَ يُخِمِدُ لَهَبَهَا بِسَفِيْفِهِ «و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش می‌کرد». مَكْدُودًا فِى ذَاتِ اللَّهِ «فرسوده از تلاش در راه خدا». مُجْتَهِدًا فِى أَمْرِ اللَّهِ «کوشیده در امر خدا». قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ «نزدیک به رسول خدا». سَيِّدًا فِى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ «سروری از اولیاء خدا». مُشْمَرًا، نَاصِحًا، مُجَدِّدًا، كَادِحًا «همواره دامن به کمر زده، نصیحت‌گر، تلاشگر و کوشش‌کننده». وَ أَنْتُمْ فِى رِفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ «و شما در این هنگامه در خوشی زندگی می‌کردید». وَ ادْعُونَ فَاكِهِونَ آمِنُونَ «در مهد امن متنعم بودید». تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ «و منتظر اینکه چرخ، گردش را بر علیه ما آغاز کند». وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ «و گوش به زنگ اخبار بودید». [صفحه ۷۹] تَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ «هنگام کارزار عقب‌گرد می‌کردید». وَ تَفْرَوْنَ مِنَ الْقِتَالِ «و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید» [۲۷]. و شگفت‌انگیز است که: فراریان دیروز، مدعیان حکومت اسلامی شدند. و رفاه‌زدگان ساکت، دست در دست مجاهدان اغفال شده گذاشتند. و بی‌تفاوت‌ها و مخالفان پنهانی اسلام، همه در انزوای علی (ع) هم‌داستان شده و هر چه خواستند کردند. که شاعر به گونه‌ای زیبا، مظلومیت امام را مطرح می‌کند. نیلگون پیرهن کعبه حق ناله فاطمه در نیمه شب ذکر ویرانه‌نشین گوشه لب ذکر بنشسته نماز زینب همه گویند علی مظلوم است آن بحق بسته ز حق محروم است [صفحه ۸۱]

شخصیت‌زدگی

اشاره

- نقش سمبولیک الگوها - ره‌آورد شوم شخصیت‌پرستی - فاطمه (علیها السلام) و محاکمه شخصیت‌های ساکت و منحرف [صفحه ۸۳] می‌پرسند: چرا و چگونه آن همه حوادث تلخ و ناگوار بر امت اسلامی باریدن گرفت؟ چگونه یک امت در برابر مظلومیت

اهل بیت (ع) ساکت ماند؟ چرا مجاهدان همیشه در پیکار، در برابر اهانت به فاطمه زهرا (علیهاالسلام) بی تفاوت ماندند؟ برای شناخت علل بی تفاوتی‌ها، و سکوت کردن‌ها، باید به یکی دیگر از عوامل انقلاب و بیداری توده‌ها یعنی (قدرت و نفوذ شخصیت‌های اجتماعی) توجه نمود. شخصیت‌های اجتماعی و صاحب قدرت و نفوذ در توده‌ها، اگر در صحنه سیاسی حضور فعال داشته باشند و در تداوم انقلاب بکوشند، عامل پدید آورنده و نگهدارنده نهضت‌ها به شمار می‌آیند، که جاودانه شدن یک حرکت تکاملی را تحقق می‌بخشند و آفات پیروزی را از سر راه برمی‌دارند. اما اگر شخصیت‌های صاحب قدرت، کنار زده شدند. [صفحه ۸۴] یا منزوی گردند. یا منحرف شوند. یا اغفال و تطمیع گردند و رو در روی انقلاب بایستند و در صف ضد انقلاب قرار گیرند. می‌توانند یکی از عوامل شکست نهضت‌ها، و رکود حرکت تکاملی ملت‌ها، به حساب آیند و یک ملت انقلابی را به سکوت و بی تفاوتی بکشانند چرا؟

نقش سمبولیک الگوها

انسان موجودی است که به دنبال الگوها و سبیل‌ها حرکت می‌کند. الگوطلب است، که در مباحث روانشناسی، انسانها و سمبولهایش مورد بررسی و ارزیابی است. از الگوها و سبیل‌ها می‌آموزد، راه و رسم خود را می‌یابد. از آنها تقلید می‌کند. و به آنها دل می‌بندد. و در برابر کلام و سخنانشان حالت پذیرش و روح اطاعت دارد. پدر و مادر در خانواده. رفیق و دوست در روابط اجتماعی. معلمان و مربیان در مراکز آموزشی. شخصیت‌های معروف علمی و هنری و سیاسی، الگوها و سبیل‌های انسانند که نقش تربیتی بسیار ارزشمندی خواهند داشت و یا اگر خراب و دروغین باشند نقش تخریبی غیر قابل جبرانی خواهند گذاشت. روان جوامع بشری از نظر روانشناسی اجتماعی نیز چنین حالت الگوخواهی و سبیل‌گزینی را دارد، مردم الگوطلب و قهرمان پرستند، و [صفحه ۸۵] شخصیت‌های صاحبان نفوذ و قدرت، در مردم نقش حساسی خواهند داشت، از این رو توده‌های ملیونی از: بزرگان قبیله و طائفه‌شان. از معلمان و مربیان دلسوز. از انسانهای بزرگ. از دانشمندان و علمای جامعه الگو می‌گیرند، و حق و باطل را در رابطه با موضع‌گیری‌های مثبت و منفی آنان تشخیص می‌دهند. رسول گرامی اسلام با توجه به نقش الگوهای اجتماعی، ضمن دعوت و ارشاد عموم مردم، پادشاهان و بزرگان و رؤسای بزرگ قبائل، و فرماندهان قدرتمند دنیای آن روز را به اسلام دعوت می‌فرمودند و با استدلال‌های محکم و معجزات کریمانه خود آنان را هدایت می‌کردند، وقتی الگوها و سبیل‌های اجتماعی، اسلام می‌آوردند توده‌های مردم نیز گرایش به اسلام و قرآن پیدا می‌کردند و سپس با جان و دل از چشمه زلال حقیقت قرآن سیراب می‌شدند. در ظهور اسلام و در نهضت‌های پس از آن و در انقلاب اسلامی شاهد این واقعیت می‌باشیم که شخصیت‌های نظامی، علمی، سیاسی، پل ارتباطی بین توده‌های مردم و رهبری انقلاب و مواضع اصولی انقلاب بودند با نفوذ و قدرت کلمه‌ای که در مردم داشتند، مردم را به آگاهی و رهبری و رهایی فراخواندند که یکی از عوامل مهم پیدایش و گسترش انقلاب شدند در بررسی تاریخ آغازین اسلام، همین واقعیت را به وضوح مشاهده می‌کنیم که همراه با فلان بزرگ قبیله یا فلان فرمانده قدرتمند نظامی، گروه کثیری از توده‌ها به اسلام گرویدند. اگر مقداری در پیرامون الگوها، و سبیل‌ها دقت کنیم می‌نگریم که، [صفحه ۸۶] الگو شدن و نقش سمبلیک پیدا کردن به سادگی تحقق نمی‌یابد. انسانهایی با: هوش و ذکاوت. و سیاست و مدیریت فوق‌العاده. و نبوغ و آگاهی بی‌نظیر. پس از سالها تجربه و آموزش و آزمایش، آرام آرام در میان جمعی، جماعتی، ملتی، جامعه‌ای، از شهرت و قدرت لازمی برخوردار شدند. زندان‌ها رفتند. شکنجه‌ها دیدند. مبارزه‌ها کردند. تا در دل ملت‌ها جا نموده و قلب‌ها را در اختیار گرفتند. اینجاست که توده‌های مردم با روح اطاعت و تسلیم در برابر الگوها و شخصیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. و فرمان آنان را با جان و دل خریدارند. می‌پرسند: چرا با وجود الگوها و شخصیت‌های والا و ارزشمندی که جزو اصحاب و یاران رسول خدا به حساب می‌آمدند و در مدینه حضور داشتند. باران مصائب و حوادث تلخ به اسلام و قرآن و حضرت زهرا (علیهاالسلام) باریدن گرفت؟ چرا

شخصیت‌های با نفوذ جامعه اسلامی سکوت کردند؟ و توده‌ها را آگاهی نبخشیده به صحنه سیاسی نکشاندند؟ پاسخ درست را باید در انحراف شخصیت‌ها، و شخصیت‌زدگی توده‌ها، جستجو نمود. [صفحه ۸۷]

ره‌آورد شوم شخصیت پرستی

نقش الگوها و شخصیت‌های اجتماعی بسیار ارزنده و حساس بود که در روش تبلیغ و گسترش اسلام نیز به کار گرفته شد، منافقان، و قدرت‌طلبان متظاهر به اسلام، و ورشکستگان سیاسی منتظر فرصت نیز، از این اصل غافل نماندند و برای ساکت کردن امت اسلامی و به بند کشیدن دوباره توده‌های مردم، دقیقاً به همین اصل تکیه نموده، ابتداء به سوی الگوها شتافتند. گروهی را با پول و وعده حکومت و قدرت، تطمیع نمودند که حتی شهادت دروغین را امضاء کردند [۲۸]. گروه دیگری از شخصیت‌ها و صاحبان نفوذ کلمه را اغفال نمودند. و برخی دیگر را به شک و تردید کشاندند. و بعضی را با تبلیغات مسموم و صحنه‌سازی‌ها، همراه کردند. و جمعی را با تهدید و ارعاب منزوی نمودند. وقتی ابوهریره‌ها را می‌خرند که پول بگیرند و جعل حدیث کنند. [صفحه ۸۸] و عائشه‌ها را وامی‌دارند علیه فدک، به عنوان اُمّ المؤمنین، شهادت دهند [۲۹]. و خالدها را در فرمانداری نظامی خود همراه می‌کنند [۳۰]. و عبدالله ابن مسعودها را ساکت می‌نمایند. و سران مهاجر و انصار و بزرگان قبیله بنی‌ساعده را برای به دست آوردن حکومت و قدرت به سقیفه می‌کشاند. و عمار یاسرها را و مقدادها را منزوی می‌سازند. دیگر شخصیت‌های صاحب نفوذ بی‌تفاوت می‌شوند و از بالای بام منازل، تنها، تماشاگر صحنه‌های غم‌بار اهانت به امام علی (ع) و شهادت حضرت محسن (ع) و کتک خوردن تنها یادگار رسول خدا می‌گردند، و یا از لای روزنه درب منازل آن همه از مصیبت‌ها را می‌دیدند و فقط گریه می‌کردند. طبیعی است که مردم و امت اسلامی نیز با پیروی از الگوهای ساکت و تطمیع شده، راه انحراف و سکوت و بی‌تفاوتی می‌پیمایند و ارزش‌های جاهلی بار دیگر، بر جامعه اسلامی سایه شوم می‌گستراند که: و حکایت هم‌چنان باقی است. اگر توده‌ها بیدار نباشند این مصیبت دامنگیر تمام انقلاب‌ها خواهد شد زیرا انقلابیون و ملت‌های پیا خواسته، با روح تقلید و شخصیت پرستی، [صفحه ۸۹] به همین سرنوشت شوم مبتلا- می‌گردند یَخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ [۳۱]. یعنی انقلاب‌های موفق همواره از طرف دشمنان مورد تهاجم و تهدید قرار نمی‌گیرند بلکه از درون با: انحراف و قدرت‌طلبی شخصیت‌ها. یا تضاد فکری و درگیری الگوها و شخصیت‌های انقلابی. شکسته می‌شود، و از پای درمی‌آید. همان بزرگان و رؤسای قبائل و شخصیت‌های مهم اجتماعی، که دیروز مردم را فوج فوج به اسلام و هدایت الهی فرامی‌خواندند، امروز گروه گروه به اغفال و شرک و ارتداد و انحراف و سکوت و بی‌تفاوتی می‌کشاند، و خود عامل شکست و عقب‌ماندگی و سیر ارتجاعی نهضت و امت می‌باشند.

فاطمه و محاکمه شخصیت‌های ساکت و منحرف

حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجد رسول خدا در آغازین مراحل انحراف امت اسلامی، با شخصیت‌های تطمیع شده و ساکت نگاهداشته سخن می‌گوید، و مغزهای خفته آنان را به بیداری و قضاوت آگاهانه فرامی‌خواند و سوابق درخشان گذشته‌شان را به رخ می‌کشد و می‌فرماید یا مَعْشَرَ النَّقِيَّةِ؟ «ای انجمن نَقباء و بازرسان!». و أَعْضَادَ الْمِلَّةِ! «ای بازوان ملت!». و حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! «ای حافظان اسلام!». ما هَذِهِ الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي؟! «این ضعف و غفلت در مورد حق من از چیست؟». [صفحه ۹۰] و در فراز دیگری شخصیت‌های ساکت حاضر در مسجد را با عناوین برجسته‌ای مخاطب قرار می‌دهند و موقعیت‌های مهم گذشته آنها را برمی‌شمارد که: أَنْتُمْ - عِبَادُ اللَّهِ - تُصَبُّ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ «شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی اوئید». و حَمَلَهُ دِينَهُ وَ وَحَّيَهُ «و حاملان دین خدا و وحی او هستید». وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ «و امین‌های خدائید نسبت به خویشتان». وَ بُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ «و مبلغان اوئید به سوی امت‌ها». (از سخنان و کلمات حضرت زهرا (علیها السلام) پیداست که با آدم‌های معمولی و توده‌های مردم صحبت نمی‌کند. بلکه بزرگان و

شخصیت‌های صاحب نفوذ را مخاطب قرار داده می‌فرماید: چرا راه انحراف را می‌پیمائید در صورتی رهبر حق و کتاب خدا در میان شماست؟ و آنگاه به ریشه‌های سکوت و انحراف و بی‌تفاوتی و ارتجاع فکری آنان اشاره می‌کند که فرمود: فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ (ص) دَارَ اَنْبِيَائِهِ «تا آنکه خدا برای پیامبرش خانه انبیاء را برگزید». و مَأْوَى اَصْفِيَائِهِ «و آرامگاه اصفیاء را». ظَهَرَتْ فِیْكُمْ حَشْرَةُ التَّنَافِقِ «خار و خاشاک نفاق در شما ظاهر شد». وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّینِ «جامه دین کهنه شد». وَ نَطَقَ کَاظِمُ الْغَاوِیْنَ «سر دسته گمراهان به سخن درآمد». وَ نَبَغَ حَامِلُ الْاَقْلَیْنَ «تهیدست گمنامان نابغه شد». وَ هَدَرَ فَنِیقُ الْمُبْطِلِیْنَ «نازپروردگان بی‌عرضه کبکشان به خواندن آمد». [صفحه ۹۱] فَخَطَرَ فِی عَرَصَاتِکُمْ «در عرصه‌های خانه‌هایتان به قدم زدن درآمد». وَ اَطْلَعَ الشَّیْطَانُ رَاسَهُ مِنْ مَعْرَزه «و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد». هَاتِفًا بِکُمْ «ندایتان درداد». فَالْفَاکُمْ لِتَدْعُوْتِهِ مُسْتَجِیْبِیْنَ «دید که پاسخگوی دعوت او هستید». وَ لَلْغَزْه فِیه مُلَاحِظِیْنَ «و برای ملاحظه عزت فریبنده او آماده‌اید». ثُمَّ اسْتَهْضَ کُمْ فَوَجَدَکُمْ خِیْفًا «خواست که قیام نمائید و دید که شما راحت و سبک این کار را می‌کنید». وَ اَحْمَشَکُمْ فَالْفَاکُمْ غِضَابًا «گرم و داغتان کرد و غضبناکتان و دید که آتشینید». فَوَسَّمْتُمْ غَیْرَ اِبْلِکُمْ «پس داغ و نشان زدید بر غیر شترتان». وَ اَوْرَدْتُمْ غَیْرَ شَرِبْکُمْ «و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید». هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِیْبٌ «در حالی که از عهد و قرار چیزی نگذشته بود». وَالْکَلَمُ رَحِیْبٌ «و موضع شکاف زخم هنوز خیلی وسیع بود». وَالْجُرْحُ لَمَّا یَنْدَمِلُ «دهن زخم هنوز به هم نیامده بود». وَالرَّسُولُ لَمَّا یُقْبَرُ «و پیغمبر هنوز به قبر سپرده نشده بود». اِیْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ «برای عمل خود بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیدیم». اَلَا: فِی الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَاِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِطَةٌ بِالْکَافِرِیْنَ «ولی به راستی که در فتنه افتادید و راستی که جهنم محیط بر کافران است». فَهَیْهَاتَ مِنْکُمْ! «خیلی دور بود این پیش افتادگی از شما». وَ کَیْفَ بِکُمْ؟ «و چطور این کار را کردید؟». [صفحه ۹۲] وَ اَنْیَی تُوَفَّکُونَ «به کجا روی می‌آورید». وَ کِتَابُ اللَّهِ بَیْنَ اَظْهُرْکُمْ «در حالی که کتاب خدا در میان دست و پای شماست». اُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ «مطالبش هویداست». وَ اَحْکَامُهُ زَاهِرَةٌ «و احکامش درخشان است». وَ اَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ «پرچم‌های آن نور چشمان را می‌رباید». وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ «و زواجر و نواهی آن دمبدم به چشم می‌آید و درخشان است». وَ اَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ «و اوامرش واضح است». وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِکُمْ «ولی آن را پشت سر انداخته‌اید». اُرْغَبْهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ «آیا بی‌رغبتی به آن را می‌طلبید» [۳۲]. اَمْ بَغَیْرِهِ تَحْکُمُونَ؟ «یا حاکمی را به غیر او به حکمیت می‌طلبید». بَنِسْ لِلظَّالِمِیْنَ یَدَلًّا «بد یَدَلِی است برای ظالمان، حکم مخالف قرآن». «و مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْاِسْلَامِ دِیْنًا فَلَنْ یَقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِیْنَ «و هر کس غیر از اسلام دینی را طلب کن از او نپذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود» [۳۳]. در اینجا دردمندانه خطاب به حضرت زهرا (علیها السلام) باید گفت: قدر تو یا فاطمه نشناختند بر حرم حرمت تو تاختند اهل سقیفه شرر انگیختند طرح ستم بهر شما ریختند [صفحه ۹۳]

سکوت و بی‌تفاوتی آگاهان جامعه

اشاره

- مشکل آغازین تبلیغات اسلامی - ارزش آگاهان و عالمان - نقشه‌ها و برنامه‌ریزی‌های دشمن - محاکمه عالمان و آگاهان ساکت [صفحه ۹۵] یکی دیگر از عوامل پیدایش رویدادهای تلخ و ناگوار صدر اسلام، سکوت و بی‌تفاوتی علماء و آگاهان جامعه اسلامی بود زیرا علماء و دانشمندان اسلامی هم از نظر سمبولیک و الگوخواهی جامعه، مطرحند و هم از نظر مذهبی و جاذبه‌های دینی در مردم نفوذ دارند و زبان گویای شریعت و مبین احکام خدا و مفسر وحی الهی می‌باشند اگر عامل روحانیت و علماء اسلامی به صحنه انقلاب کشانده شود و انقلابی بودن خود را حفظ نمایند، تداوم انقلاب تحقق می‌یابد. یا بالعکس اگر راه انحرافی بپویند. و خود اغفال شوند. هدایتگران جامعه خود گمراه کردند. و نجات‌دهندگان مردم در امواج هوس‌ها و فتنه‌ها غرق شوند. و سکوت و انزوا برگزینند. حوادث تلخ و ناگوار فراوانی دامنگیر فرد و جامعه خواهد شد. برای اینکه نقش حساس علماء را بهتر

شناسائی نمائیم باید ریشه‌های پیدایش حوزه‌های علمیه و هیئت‌های تبلیغی علماء اسلامی را، مورد ارزیابی [صفحه ۹۶] قرار دهیم.

مشکل آغازین تبلیغات اسلامی

رسالت پیامبر گرامی اسلام، جهانی بود، و می‌بایست با امکانات محدود و ابتدائی آن روز، اقداماتی برای ابلاغ احکام الهی و قوانین قرآنی و ارزش‌های اخلاقی اسلام صورت گیرد. در آن روزگاران: از وسائل مدرن الکترونیک امروزی خبری نبود. و سیستم روابط جمعی کنونی مانند مطبوعات روزنامه‌ها و مجلات، رادیو و تلویزیون و ماهواره‌ها وجود نداشتند. و هواپیما و اتومبیل و قطار نیز اختراع نشده بودند. مشکل آغازین تبلیغات اسلامی و ابلاغ احکام خدا از اینجا شروع می‌شد که پیام جهانی و همگانی قرآن را بدون ابزار و آلات لازم می‌بایست به همگان آموزش دهند. خوب چگونه؟ و با کدام شیوه ممکن؟ با نزول آیه نَفَر [۳۴] و فرمان بسیج نیروهای کارآمد، جهت آموزش مفاهیم اسلام، و تبلیغ آن در جامعه اسلامی، پیامبر اسلام، هیئت‌های تبلیغی و مَعْلَم‌ان قرآن و احکام را سازماندهی نمود و به سفرهای تبلیغی اعزام فرمود [۳۵]. [صفحه ۹۷] در نتیجه پُل ارتباطی بین قرآن و پیامبر اسلام، و توده‌های مردم در شهرها و روستاهای دور و نزدیک، علماء، و هیئت‌های تبلیغی رسول خدا، شدند که پس از تخصص‌ها و آگاهی‌های لازم. به سوی مردم شتافتند در نتیجه آرام آرام یکی از ارکان مهم انقلاب و اسلام پایه‌گذاری و تحقق یافت گرچه در روزگاران آغازین هیئت‌های تبلیغی رسول خدا (ص) با مشکلات فراوانی روبرو بودند. گروهی را به طور دسته جمعی به شهادت رساندند، و بدنهای آنان را قطعه قطعه کردند. برخی را مخفیانه ترور نمودند. بعضی را به زندان برده با انواع شکنجه‌ها آزار می‌دادند [۳۶]. و گروهی دیگر را اجازه ورود به شهرهای خودشان نداده از نیمه راه برمی‌گرداندند امّا این سیستم آموزشی، بتدریج فراگیر شد. و از شهرهای عربستان پا فراتر گذاشته و به صورت هجرت و ابلاغ رسالت در کشورهای اطراف عربستان نیز از اسلام و قرآن تبلیغ گردید (مانند هیئت هجرت‌کنندگان به حبشه با سرپرستی حضرت جعفر بن ابیطالب) در نتیجه، علماء و آگاهان جامعه اسلامی به عنوان یکی از عوامل تداوم اسلام مطرح و نقش تعیین‌کننده‌ای را به عهده گرفتند.

عامل ارزشمند روحانیت و حوزه‌های علمی

پس از پدید آمدن هیئت‌های تبلیغی از طرف رسول خدا، یکی از عوامل ارزشمند انقلاب، و تداوم و گسترش اسلام در جامعه اسلامی مطرح، [صفحه ۹۸] و در دل‌های همه، جا باز نمود، و نقش تعیین‌کننده خود را بازیافت از آن پس فصل جدیدی در خطبه‌ها و روایات و سفارشات رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع) در رابطه با ارزش‌های علم و عالم باز شد مانند: ۱. فضل علم و فضیلت و ارزش‌های معنوی عالم. ۲. نقش عالم اسلامی در هدایت دلهای عالم. ۳. ارزش بی‌نظیر هدایت مردم. ۴. مسؤولیت‌های عالم اسلامی در هدایت و تعلیم و تربیت فرد و جامعه. ۵. نقش علماء در گسترش و تداوم اسلام. ۶. مسؤولیت علماء در برابر بدعت‌ها و آفات انقلاب و اخلاق جامعه. ۷. اجر معنوی کسب علم، و آموزش علوم ضروری. ۸. نقش ملائکه در بازپروری و حفاظت از علماء و دانشمندان اسلامی. ۹. واجب بودن تبلیغات اسلامی و آموزش‌های دینی مردم. ۱۰. مسؤولیت‌های علماء در حفظ و پاسداری از اسلام و مسلمین. و روایات فراوانی که ارزش و اجر معنوی جویندگان و مبلغان علوم اسلامی را تبیین می‌فرمود. مانند. ۱۱. برای عالم اسلامی همه موجودات حتّی ماهی دریاها استغفار می‌کنند. ۱۲. اگر یک نفر را هدایت کردی اجر و پاداش هدایت همه انسانها را خواهی داشت. ۱۳. ملائکه در برابر عالم اسلامی بال می‌گشایند که: «قدم بر بال ما [صفحه ۹۹] بگذار». ۱۴. علماء، وارثان رسول خداوند. ۱۵. علماء امت اسلامی از پیامبران بنی‌اسرائیل برترند. ۱۶. خواب عالم نیز عبادت است. ۱۷. هیچ عبادتی مانند کسب علم و دانش نیست. ۱۸. علماء متعهد و مسئول در قیامت حق شفاعت دارند. ۱۹. برکات و نعمت‌های الهی به خاطر دعا و خواسته‌های عالم اسلامی فرومی‌ریزد [۳۷]. در نتیجه مردم نسبت به عامل ارزشمند دیگری از انقلاب اسلامی، توجه گردیدند و به آنان روی

آوردند و حلال و حرام خود را از آنان گرفتند. و مشکلات خود را با رهنمودهای علماء اسلامی حل کردند با همفکری و مشورت علماء، حرکت و سکون خود را، خواب و خوراک خود را، آداب و رسوم خود را تنظیم و بازسازی نمودند. رسول گرامی اسلام با پدید آوردن و بازپروری همین عامل ارزشمند اسلامی، پیام جهانی و همگانی خود را تحقق بخشید و بهترین استفاده را در راه گسترش اسلام و تداوم آن نمود. آنگاه، حفظ و نگهداری. و احترام و پاکسازی آن را مرتب تذکر داد. و به این حقیقت نیز اشاره فرمود که: إِذَا فَسَدَ الْعَالَمُ فَسَدَ الْعَالَمُ «اگر عامل تداوم‌دهنده فاسد شود جهان پُر از [صفحه ۱۰۰] فساد خواهد شد». و هشدارهای مکرر و ضروری را برای مصون ماندن این عامل مهم اجتماعی، معنوی مطرح فرمود، تا علماء و روحانیون، همواره در کمال و تکامل جوامع بشری بکوشند و نفوذناپذیر. باقی بمانند. که فرمودند. ۱. عالم ساکت شیطان است. ۲. بدترین عذاب برای عالمان فاسد و وابسته است. ۳. علماء به طرف دنیا و سلاطین نروند. ۴. علماء بی تفاوت در برابر کجی‌ها و انحرافات مردم عذاب می‌شوند. ۵. بدترین موجود روی زمین عالم بی عمل و آلوده دامن است. ۶. عذاب عالم فاسد دردناک و بی‌مانند است. ۷. اهل جهنم از عذاب و بوی بد عالم فاسد زجر می‌کشند.

نقشه‌ها و برنامه ریزی‌های دشمن

دشمنان اسلام، و طُرّاحان تشنه حکومت، و سلطه شیطانی از این عامل ارزشمند (عامل عالمان و آگاهان جامعه) غافل نماندند و در فکر تخریب آن برآمدند، و با توجه به نفوذ علماء، و روحانیون در میان توده‌های مردم، به این نتیجه رسیدند که: بدون انحراف و اغفال و وابستگی علماء، نمی‌شود در توده‌های مردم نفوذ کرد و مردم را به سکوت و انزوا کشاند. پس باید عامل ارزشمند عالمان و آگاهان را بی اعتبار نمود و یا قدرت آنان را در اختیار گرفت. [صفحه ۱۰۱] و در این رابطه نقشه‌های شیطانی فراوانی را مطرح کردند مانند: ۱- سعی در ساکت کردن یا ساکت نگهداشتن علماء بلاد اسلامی. ۲- سعی در اغفال و انحراف علماء بلاد اسلامی. ۳- سعی در تطمیع و نیازدگی علماء بلاد اسلامی. ۴- سعی در ایجاد اختلاف در میان علماء بلاد اسلامی. ۵- سعی در ترور و از میان برداشتن علماء بلاد اسلامی. ۶- سعی در بی اعتبار کردن حوزه‌های علمی علماء بلاد اسلامی. ۷- سعی در تأسیس و به وجود آوردن حوزه‌های علمی، استعماری. ۸- سعی در خریدن و وابسته نمودن علماء بلاد اسلامی (به شکل آخوندهای درباری، سپاه دین، روحانی نماهای ساواکی). هرگاه توانستند یکی از عوامل مهم انقلاب یعنی روحانیت و علماء اسلامی را ساکت و منزوی سازند. یا تطمیع و وابسته نمایند. و یا دست به خلق و پیدایش روحانی نماهای درباری بزنند. توانستند در دین خدا رخنه کنند. و مردم را استعمار نمایند. و انقلابهای اصیل رهائی‌بخش را از پای درآورند و دیدیم که سران سقیفه چنین کردند. با زور و تهدید و ارباب جمعی را ترساندند. گروهی را به سکوت و انزوا کشاندند. و برخی را همراه خود به حرکت درآوردند که بر ضد اهل بیت (ع) شهادت دروغین نیز بدهند. [صفحه ۱۰۲] و در تداوم این سیاست شیطانی: ابوهیره‌ها را استخدام کردند. و روحانی نماهای دربار معاویه را می‌نگرم که در ۷۰ هزار منبر و محراب به قطب عالم امکان، اول مؤمن جهان، و اول مظلوم عالم، حضرت علی (ع) اهانت روا می‌داشتند [۳۸]. و سپس قلم به دست گرفتند و حدیث جعل کردند. [صفحه ۱۰۳] و تاریخ اصیل و شریف اسلام را تحریف نمودند. و بدعت‌ها آفریدند. و انحرافات فراوانی را به خورد مردم دادند. و همه ارزش‌ها را به سقوط کشاندند. این گونه شیوه‌های استعماری، در تمام نهضت‌ها مطرح گردید و در انقلابهای مکرر اسلامی به کار گرفته شد. برای اینکه میرزای شیرازی‌ها را در نهضت تنباکو بی اعتبار کنند. آخوند درباری در بالای منبر تهران قلیان می‌کشید. و برای آنکه آیه‌الله کاشانی را بکوبند عالم نماهائی در برابر او سبز گردیدند. [صفحه ۱۰۴] و برای آنکه امام امت را دلسرد کنند باز هم عالم نماهای درباری را با قلم و بیان، با رساله و فتوی بسیج کردند تا انقلاب اسلامی را از درون مورد تهاجم قرار دهند. همه این تلاش‌ها برای این بود که می‌گفتند: «اگر علماء بلاد اسلامی را ساکت کنیم، ساکت کردن مردم آسان است». چون می‌دانستند: همواره یکی از عوامل بیداری مردم و

شکل‌گیری نهضت‌های رهائی‌بخش، و تداوم اسلام و نهضت، علماء آگاه بلاد اسلامی بودند و خواهند بود. حضرت امام (رحمة الله علیه) در آغاز حرکت تکاملی انقلاب اسلامی، می‌دانستند که اگر عامل روحانیت به صحنه بیاید، حرکت توده‌های میلیونی به زودی شکل گرفته، بالنده می‌شود که می‌فرمودند: «ای علماء نکنید سکوت». «والله گناهکار است کسی که داد نزنند». «به خدا مرتکب کبیره است کسی که فریاد نزنند». ... «وای بر این علماء ساکت» «وای بر این قم ساکت، این نجف ساکت». «ای علماء بلاد اسلامی بداد اسلام برسید». «ای قم، ای نجف بداد اسلام برسید، رفت اسلام!» و روزی که روحانیت ایران با فریادهای وحی گونه امام بیدار شد و از [صفحه ۱۰۵] پای نشست، توانست ملت ایران را بیدار کند و پل ارتباطی بین رهبر و مردم را برقرار سازد که از همه اقشار مردم در تمام شهرها و روستاها. حرکت و فریاد انقلابی شکل می‌گرفت و انقلاب در دل‌های عموم مردم راه می‌یافت اینکه می‌گویند. چگونه مردم مدینه ساکت شدند؟ سیر ارتجاعی گرفتند؟ تا حدودی به انحراف و اغفال و سکوت عالمان و آگاهان آن روزگاران مربوط می‌شود، که نمونه‌های در خطبه‌های حضرت زهرا (علیها السلام) بچشم می‌خورد.

محاکمه عالمان و آگاهان ساکت

هر کس خطبه‌های آتشین حضرت زهرا (علیها السلام) را بررسی می‌کند از خود می‌پرسد: فاطمه (علیها السلام) با چه کسانی حرف می‌زند؟ به سر چه افرادی فریاد می‌کشد؟ آنگاه با تداوم مطالعه و ارزیابی خطبه‌ها، پاسخ خود را به دست می‌آورد که مخاطبین حضرت زهرا (علیها السلام): عالمان و آگاهان بی تفاوت جامعه اسلامی. شخصیت‌ها و بزرگان تطمیع شده مدینه. اصحاب و یاران رفاه زده و قدرت طلب رسول خدا. حافظان قرآن و حاملان وحی می‌باشند. که در انحراف و غفلت و فراموشی، دست از ارزش‌های الهی شستند و مرعوب و مضطرب، تسلیم ظلم شده، سکوت اختیار نمودند که حضرت [صفحه ۱۰۶] خطاب به آنها فرمود: «أَنْتُمْ - عِبَادُ اللَّهِ - نَصَبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ «شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی اوئید». وَ حَمَلَةُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ «و حاملان دین خدا و وحی او هستید». وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ «و امین‌های خدائید نسبت به خویشتن». وَ بُلْغَاءُ إِلَى الْأُمَمِ «و مبلغان اوئید به سوی امت‌ها». می‌پرسند مخاطب‌های حضرت زهرا (علیها السلام) چه کسانی بودند؟ خود می‌فرماید: بندگان خدا (اما ترسو). پرچمداران امر و نهی (هم‌اکنون ساکت). حاملان دین و وحی الهی (حال تطمیع شده و بی تفاوت). اسنانهای امین و پاک (امروز خیانتکار و وابسته). مبلغان پر تلاش دیروز (ساکت‌های منزوی امروز) [۳۹]. [صفحه ۱۰۷] آنگاه بندگان و مبلغان و آگاهان ساکت را توبیخ می‌فرماید که چرا قدم در راه شیطان می‌گذارند و حقائق را انکار می‌کنند: فرمودند. ثُمَّ أَخَذْتُمْ تَوَرُّونَ وَ قَدْ تَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا «پس آتش گیره‌ها را افروخته‌تر می‌کردید و دامن به آتش می‌زدید تا آتش را شعله‌ور کنید». وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ «برای اجابت کردن بانگ شیطان گمراه آماده بودید». وَ أَطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ «و برای خاموش نمودن انوار دین روشن خدا». وَ إِخْمَادِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ «و افسرده کردن و ضعیف نمودن سنن نبی برگزیده خدا». تَسْرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِغَاءٍ «به بهانه کف گرفتن، شیر را زیر لب پنهان می‌خورید». وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ «و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین کرده‌اید». سپس بر سرشان فریاد می‌کشد که چرا اینگونه ساکت شدید و به انحراف می‌روید؟ فَأَنْتُمْ جَزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ؟ «پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شدید؟». وَ أَشِيرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ؟ «و چسان پس از آن مرحله آشکار همکاری خود را نهفته کردید؟». وَ نَكَضْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ؟ «و بعد از آن پیشقدمی، عقب نشستید؟». وَ أَشَرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟ «و بعد از ایمان شرک آوردید؟». أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمْ بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ يَدْعُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ اتَّخَشَوْهُمْ فَالَلَهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. [صفحه ۱۰۸] «در حالی که قرآن می‌فرماید: آیا نمی‌جنگید با گروهی که عهد شکستند و خواستند رسول خدا را اخراج کنند با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارید در حالی که خدا سزاوارتر است که از او بهراسید، اگر که مؤمنید». أَلَا قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ «به هوش باشید که من می‌بینم به تنبلی و تن‌آسائی همیشگی دل نهاده‌اید». و این واقعیت تلخ را همه مشاهده کردند که

پس از سکوت و بی تفاوتی عالمان و آگاهان مدینه، حریم اهل بیت (ع) بی دفاع ماند و توده‌های مردم با سکوت مبلغان و عالمان اسلامی به یأس و ناامیدی تن در دادند و با بی تفاوتی از کنار حوادث تلخ گذشتند و میدان را برای قدرت طلبان بی تقوی خالی کردند و در یک سیر ارتجاعی خطرناکی قرار گرفتند [۴۰] که سر آغاز پیدایش حوادث ناگوار پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) گردید. آخر ز چه ناله داشت زهرا (علیها السلام) بعد پدر از جفای اعداش می دید که عهد خود شکستند بستند ز کینه دست مولاش یک لاله تازه این همه داغ؟ در سینه به جای دل چه دارد؟ بر قبر پدر فتاده از پای زهرا مگر از که شکوه دارد؟ ز انصار که یاریش نکردند؟ بستند در کمک به رویش؟ یا زانکه زدی میان کوچه سیلی عوض فدک به رویش؟ [صفحه ۱۱۱]

فروپاشی نیروهای دفاعی

اشاره

- ضرورت قدرت دفاعی - خطر غفلت از قدرت دفاعی نهضت‌ها - سیاست نفوذ در نیروهای دفاعی کشورها - تحلیل علل فروپاشی نیروهای دفاعی در سخنان فاطمه (علیها السلام) [صفحه ۱۱۳] یکی از عوامل شکست نهضت‌ها و رویدادهای تلخ تاریخ ملت‌ها، فروپاشی نیروهای دفاعی است. هرگاه پاسداران مجاهد و رزمنده، و نیروهای دفاعی بازدارنده ملتی. در شعله‌های آتش نفاق از بین بروند و در گرد و غبار فتنه‌ها ناپدید گردند، چه کسی می تواند از مکتب و ملت دفاع نماید؟ و پاسدار و تداوم دهنده ارزش‌های انقلابی باشد؟ پس از رسول خدا. نیروهای دفاعی و لشکریان اسلام. در بلای فتنه‌ها. و اختلافات قومی. و انحرافات اجتماعی از هم پاشیدند و سکوت کردند و قرآن و عترت را بدون هرگونه پاسدار و محافظی در معرض توطئه‌ها قرار داده و تنها گذاشتند که حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند. *فَقُبْحًا لِّفُلُولِ الْحَدِّ* «چه زشت است کندی شمشیرها». *وَاللَّغَبَ بَعْدَ الْجَدِّ* «و سستی و بازی آنها پس از تلاش و کوششان». [صفحه ۱۱۴] *وَقَرَعَ الصِّفَاءُ، وَصِيدَعُ الْقَنَاءِ* «و سر بر سنگ خارا زدن نیزه‌ای که شکاف برداشته». *وَ خَطَلَ الْإِرَاءُ، وَ زَلَلَ الْأَهْوَاءُ* «و فساد آراء و انحراف امیال» [۴۱].

ضرورت قدرت دفاعی

هر موجود زنده از نظر بیولوژی و تداوم حیات و زندگی احتیاج به قدرت دفاعی مناسب دارد، تا در برابر میکروب‌ها و انگل‌های مزاحم دوام بیاورد. بدن انسان همانگونه که از یک سیستم جاذبه قوی و متناسب برخوردار است و انواع ویتامین‌ها و مواد غذایی را به خوبی جذب می کند قدرت دفاعی مناسبی نیز دارد. و نظم شگفتی آوری در سیستم دفاعی بدن حاکم است که جداً باید مورد ارزیابی و مطالعه عمیق قرار گیرد. لوزه‌ها میکروب‌ها را شناسائی کرده و با آنان درگیر می شوند. و خبر ورود دشمن را به مرکز اعصاب می‌رسانند و با فرمان جنگ، همه گلبول‌های سفید در یک بسیج عمومی و مناسب، راه را بر میکروب‌های مزاحم بسته و دشمن را از پای درمی آورند «فتبارک الله أحسن الخالقین». کشور و میهن اسلامی. مرزها و ارزش‌های انقلاب نیز باید دارای قدرت دفاعی نیرومندی باشد که در صورت لزوم از کشور و انقلاب اسلامی دفاع نماید و آفات انقلاب را از سر راه بردارد از این رو: تشکیل ارتش اسلامی. و بسیج نیروهای مردمی. [صفحه ۱۱۵] و برخورداری از یک سیستم دفاعی مطمئن و بی نظیر. جزو فرمان الهی قران و سفارشات پیامبران الهی است. امام علی (علیه السلام) می فرماید «وَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عَزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ» (سپاهیان به اذن خداحفاظان و پناهگاه رعیت، زینت زمامداران، عزت و شوکت دین و راه‌های امن و امانند، و ثبات و پایداری ملت به آنان بستگی دارد) [۴۲]. تمام قدرت‌ها و حکومت‌ها و جوامع بشری به این اصل مسلم حیاتی پی برده و به فکر تشکیل ارتش و ارگان‌های نظامی افتادند رسول گرامی در تشکیل ارتش اسلامی، از شیوه‌ها و

طرح‌هایی استفاده کردند که برای جهانیان قابل توجه و تأمل بود و هست. ضمن اینکه ارتش اسلامی و قدرت دفاعی را طراحی و بازسازی می‌فرمودند، همه مردم را در یک دفاع نظامی بسیجی گونه‌ای، دخالت دادند و همه را مسلح نمودند و آموزش نظامی را به عنوان مقدمه دفاع از اسلام و قرآن واجب شمرند و فضائل و اجر و ارزش‌های معنوی آن را در قالب ده‌ها روایت و حدیث ابلاغ فرمودند. در جامعه اسلامی رسول خدا، تنها قشر خاصی، از اسلام و انقلاب دفاع نمی‌کردند. دفاع بر همه واجب بود. و همه افراد در جهاد اسلامی شرکت می‌نمودند. این طرح ارزشمند و قدرت بی‌نظیر توده‌های مسلمان، و عمومی بودن دفاع، باعث شکست تحرکات دشمنان قسم خورده اسلام شد. [صفحه ۱۱۶] و توطئه‌های مشرکین قریش را نقش بر آب نمود. و شیطنتهای یهود و نصاری را خنثی کرد. و تهاجم گسترده قبائل هم‌پیمان عرب را برطرف نمود. و نور هدایت قرآن را به جهانیان شناساند. جوامع اسلامی پس از رسول خدا (ص)، و سیستم حکومت و ولایت فقیه، در دوران غیب کبری امام زمان (عج) نیز بر همین اساس مستحکم، استوار است که دفاع و جهاد بر همه مسلمانان واجب است. گرچه باید گروه و اُرگانی به عنوان ارتش، و نظامیان همیشه در صحنه، آموزش‌های لازم را به طور مداوم فراگیرند و مأموریت‌های محوله را به انجام رسانند. ویژگی بسیج نیروها و آموزش عمومی توده‌ها به قدری مهم و کارساز است که دشمنان اسلام نیز به والائی و ارزشمندی آن اعتراف نمودند، وقتی ناصرالدین شاه به سفر فرنگ رفت و در برابر رژه نظامیان مسلح آن سامان قرار گرفت. فرمانده نظامی فرنگ پرسید: جناب شاه، شما در ایران چنین ارتشی دارید؟ جواب داد. «ما احتیاجی به این همه مخارج و تشکیلات نداریم زیرا مردم ما از فقهاء و مراجع عالیقدر شیعه تقلید می‌کنند، هرگاه خطری متوجه آب و خاک ما شود. فتوی جهاد می‌دهند آن وقت است که زن و مرد و پیر و جوان همه به حرکت درمی‌آیند و دشمن را شکست می‌دهند».

خطر غفلت از قدرت دفاعی نهضت‌ها

با توجه به ضرورت دفاعی برای کشور و انقلاب، و ارزیابی صحیح یکی از دیگر عوامل بازدارنده آفت‌ها، و نگهدارنده ارزش‌ها، این واقعیت [صفحه ۱۱۷] به اثبات می‌رسد که تشکیل ارتش و بسیج عمومی طرفداران انقلاب، در تمام نهضت‌ها، هم در لحظه‌های آغازین پیروزی و هم تداون آن ضروری و کارساز است و نباید از آن غفلت داشت. اگر انقلاب اسلامی یک واقعیت است، دفاع و پاسداری از ره‌آوردهای آن واجب به شمار می‌آید زیرا در تحلیل عوامل شکست نهضت‌های بشری و الهی و پیدایش حوادث تلخ و ناگوار می‌نگریم که هر انقلاب و نهضتی بدون قدرت دفاعی مناسب و نیرومند، نتوانست دوام بیاورد و در برابر فتنه‌ها و توطئه‌ها سیر ارتجاعی و انحرافی گرفته‌اند. و در مقابل، هر انقلابی که پس از پیروزی، در فکر پیدایش قوای مسلح و قدرت دفاعی متناسب بود و توانست نیروهای طرفدار انقلاب را با آموزش‌های لازم بسیج کند مانده است دوام آورده است. به برخی از نمونه‌ها توجه کنیم: مرحوم مدرس آن بزرگ انقلابی نستوه و شهید، اگر امکانات لازم را می‌داشتند و با همکاری و هم‌دلی دیگر یاران انقلابی، به فکر تشکیل نیروهای دفاعی می‌افتادند، و با دست توده‌های مردم، قدرت دفاعی جامعه را تحقق می‌بخشیدند، و در برابر قوای تا دندان مسلح نظامیان و قزاق رضا قُلدر، از یک توان نظامی شایسته‌ای برخوردار بودند، کار بدانجا نمی‌کشید که، مشتی قزاق با دیکتاتوری‌های رضاشاه، بر سرنوشت مجلس و مردم و کشور سلطه پیدا کنند و به خانه امن مردم تهاجم نمایند. آن همه فریادهای افشاگری‌ها، مبارزات رهائی‌بخش، قوانین ارزشمند، وحدت و یکپارچگی توده‌ها، زندان کشیدن‌ها، تبعید رفتن‌ها، شهادت‌طلبی‌ها، همه و همه در برابر حرکت میلیتاریستی قزاق‌های وابسه، بی [صفحه ۱۱۸] دفاع و بی‌یاور ماند، و در آتش و سفیر گلوله‌ها به دست نابودی و فراموشی سپرده شد. در نهضت تنباکو نیز همین اصل نادیده گرفته شد. پس از آن همه مبارزات و افشاگری‌ها، آرام آرام، گویا گرد سرد سکوت بر سر همه پاشیده شد و دوباره قدرت استحمار شاه همه چیز را به حالت اول برگرداند. و خون‌های مردم تهران و شیراز به هدر رفت. و حماسه خونین آن فقط در تاریخ به یادگار ماند. انقلاب حضرت آیه‌الله

کاشانی نیز به گونه تأسف باری در برابر این اصل مسلم بازدارنده، بی تفاوت ماند و ره آورد شوم آن را بلافاصله نگریست. آیه‌الله کاشانی در پیدایش نهضت با: تجربیات دوران مبارزات رهایی بخش شیعیان عراق علیه انگلستان. و تفکرات عمیق دوران تبعید. و همراهی علماء تهران. و با کفن پوشیدن و تحصن روحانیون در حضرت عبدالعظیم (ع). و هماهنگی دانشگاهیان. و بسته شدن بازار تهران. و شهادت طلبی مردم بپا خواسته ایران. و ریخته شدن خون‌های پاک عزیزان موفق شد، و شاه و ثریا فرار کرده بودند، و نهضت ملی شدن صنعت نفت تحقق یافت و رئیس حکومت و وزراء تعیین گردیدند. [صفحه ۱۱۹] اما از اصل، تأسیس قدرت دفاعی متناسب با انقلاب، و ارزش‌های آن غفلت کرد، و به جای پاکسازی و بازپروری ارتش ایران، به آن اعتماد نمود، و به همان شکل و شمایل دوران شاهنشاهی ره‌ایش کرد و نیروهای طرفدار انقلاب را آموزش نداد و نیروی بالقوه توده‌های مردمی را به فعلیت نرساند، نتیجه آن شد که: سپهد زاهدی با چند تانک زنگ زده. و مثنی اراذل و اوباش شعبان بی‌مخ. یک انقلاب و یک حکومت را تنها ظرف چند ساعت از پی در آورند و رسماً سقوط حکومت مصدق را اعلان نمایند. و حرکت چشم‌گیر بازدارنده‌ای مشاهده نگردد!! و همه به انزوا و سکوت کشانده شوند!! همه تحلیل گران تاریخ نهضت‌ها، ژرف‌نگری و واقع‌بینی حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) را با شگفتی مشاهده کردند که در لحظه‌های پیدایش انقلاب، حتی قبل از فرار شاه در فکر ایجاد هسته‌های مقاومت، و پاسداران جان بر کف مؤمن به انقلاب بودند، و پس از پیروزی، ارگانهای مختلف نظامی و دفاعی را پدید آوردند و با قاطعیت و عدالت به پاکسازی و بازسازی ارتش ایران پرداختند و سپس با فرمان بسیج عمومی و تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی، دندان طمع جهان‌خواران غرب و شرق را به سنگ سخت کوبیدند، و تداوم انقلاب را با به صحنه کشاندن بسیجیان عاشق و عابد تضمین فرمودند، و هرگونه تهاجم و تحریک مخالفان انقلاب را در داخل و خارج دفع نمودند (راهش پر رهرو و جان پاکش همواره در حضور حضرت یار باد). [صفحه ۱۲۰]

سیاست نفوذ در نیروهای دفاعی کشورها

می‌پرسند، رسول گرامی اسلام که از این اصل مسلم غفلت نفرمود، و قدرت دفاعی نمونه را در آغازین لحظه‌های پیروزی اسلام تحقق بخشید، چرا پس از پیامبر (ص) آن همه حوادث تلخ پدید آمد؟ و مصیبت‌های فراوانی بر اهل بیت (ع) باریدن گرفت؟ و از قدرت دفاعی مردم خبری نشد؟ و ارتش یکصد هزار نفری اُسامه در کنار مدینه فروپاشید و تحرکی از خود نشان نداد؟ و ارزش‌های اسلامی را بدون دفاع گذاشتند و شمشیرها را غلاف کردند؟ [۴۳]. پاسخ صحیح این پرسش و دیگر سؤالات مربوط به ارزیابی «سیاست نفوذ در نیروهای دفاعی، نظامی» بستگی کامل دارد زیرا استعمارگران و طراحان سیاسی تشنه قدرت نیز از عامل قدرت دفاعی، غفلت و فراموشی ندارند و همواره در نابودی و براندازی آن می‌کوشند. اگر انقلابی، نهضتی، حرکت موفق، از اصل دفاع، غافل ماند با یک حرکت میلتاریستی حساب شده به مقابله و تهاجم روی می‌آورند اما اگر انقلابیون و رهبران نهضت‌ها، ارتش و سپاه و قدرت دفاعی سازمان یافته‌ای را تدارک دیدند و عامل دفاعی را تحقق بخشیدند و به بازپروری ارتش و نظامیان پرداختند، به فکر نفوذ و ضربه و کودتای نظامی و ایجاد تفرقه و جدائی در میان نیروهای نظامی می‌افتند و باده‌ها طرح و برنامه، و [صفحه ۱۲۱] روش‌های استحمار، و نقشه‌های شیطانی، به فروپاشیدن و عقب راندن و نابودی قوای نظامی همت می‌گمارند. در حوادث تلخ پس از رسول خدا (ص) با شیوه دوم با قدرت دفاعی مجاهدان اسلام برخورد نمودند و با سفارشات اکید پیامبر (ص) ابابکر و عمر در لشکر اسامه نماندند و مرتب مدینه را تحت نظر داشتند و از اوامر رسول خدا سرپیچی نمودند [۴۴]. و با طرح‌ها و شیوه‌های شیطانی، ارتش حدود ۱۰۰ هزار نفری اسلام را که در کنار مدینه برای جنگ با رومیان اردو زده بودند پراکندند و تخم نفاق کاشتند و قدرت دفاعی آن را نابود ساختند مانند: ۱- زنده کردن روح ناسیونالیستی در میان مجاهدان (در نتیجه هر کس به طرف قبیله خود رفت). ۲- زنده کردن ارزش‌های جاهلیت (گفتند چرا اسامه بن زید که جوان است باید فرمانده باشد؟) [صفحه ۱۲۴] ۴-

تحریک کردن مجاهدان برای امتیازخواهی (می گفتند سربازان کدام قبیله بیشترند و کدام قبیله کمتر؟). ۴- ایجاد تفرقه و جدائی در میان ارتش اسلامی. ۵- ایجاد شک و تردید (که برای کی و چرا باید بجنگید؟) ۶- تقویت روح بدبینی و ناامیدی. ۷- ایجاد رعب و وحشت در میان گروه‌های کوچکتر. و همه دیدند که، شمشیرها غلاف شد. و هر سربازی به خانه خود خزید. و گروه‌های بزرگتر به قبیله خود ملحق گردیدند و به سکوت و انزوا غنودند. و آنگاه سربازان باند حاکم و کودتاگران سقیفه، در یک تهاجم محکوم، حکومت را به دست گرفته و به مرزهای بی دفاع قرآن و عترت یورش آوردند و هر چه خواستند کردند و امام بحق را منزوی و حرمت و عظمت یگانه دخت پیامبر را شکستند.

تحلیل علل فروپاشی نیروهای دفاعی در سخنان فاطمه

اگر در سخنرانی حضرت فاطمه (علیها السلام) دقت و مطالعه بیشتری بکنیم، سیاست نفوذ و ضربه در قدرت دفاعی اسلام، و علل پراکنده شدن نیروهای دفاعی را به وضوح مشاهده می‌کنیم. در سخنرانی مسجد مدینه فرمودند: **أَيُّهَا بَنِي قَيْلَةَ! «ای پسران قیله»** (قیله مادر بزرگ اوس و خزرج بود). **أَلَوْهَضُّمُ تُرَاثُ أَبِيهِ (ابی؟) «آیا من نسبت به میرا پدر هضم شوم؟»**. **وَأَنْتُمْ بِمَوَإِي مَنِي وَمَشِيعَ «در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید»**. [صفحه ۱۲۵] **وَمَنْتَدَى وَمَجْمَع «و دارای انجمن و اجتماعید»**. **تَلَبُّسُكُمْ الدَّعْوَةُ «صدای دعوت مرا همگان می‌شنوید»**. **وَتَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ «از هر جهت آگاهی از حال من دارید»**. **وَأَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةُ «و دارای نفرات و ذخیره‌اید»**. **وَالْأَدَاءُ وَالْقُوَّةُ «دارای ابزار و قوه‌اید»**. **وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَالْجَنَّةُ «نزد شما اسلحه و زره و سپر هست»**. **تَوَافِكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَّ؟ «صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید؟»**. **وَتَأْتِيَكُمْ الصَّيْرُوحَةُ فَلَا تُعِينُونَ؟ «و ناله فریادخواهی من به گوشتان می‌رسد ولی دستگیری نمی‌کنید و یاری نمی‌نمائید؟»**. **وَأَنْتُمْ مُوصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ «در حالی که شما به شجاعت و جنگاوری معروفید»**. **مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصِّلَاحِ «و به خیر و صلاح معروفید»**. **وَالنَّخِيَةُ الَّتِي انْتَخَيْتُ «شما برگزیدگانی بودید که انتخاب می‌شدید»**. **وَالْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتَبَرْتُ «و انتخاب شوندگانی که برگزیده شدید»**. سپس به سوابق درخشان مجاهدان اسلام اشاره می‌فرماید. **فَاتَلَّيْتُمُ الْعَرَبَ وَتَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَالْتَعَبَ «با عرب پیکار کردید و تحمل رنج و زحمت نمودید»**. **وَنَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ «با ام‌ها به رزم پرداختید»**. **وَكَافَحْتُمُ الْبَهَمَ «با پهلوانان به نبرد برخاستید»**. **لَا نَبْرُحُ أَوْ تَبْرُحُونَ «ما قدم بر نمی‌داشتیم تا شما قدم برمی‌داشتید»**. **نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ «به شما امر می‌کردیم و شما هم اطاعت می‌نمودید»**. [صفحه ۱۲۶] **حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَارِ حَى الْإِسْلَامِ «تا آسای اسلام به گردش افتاد»**. **وَدَرَّ حَلَبُ الْإِيَامِ «پستان روزگار به شیر آمد»**. **وَحَضَعَتْ نَعْرَةُ الشَّرِكِ «و نعره‌های شرک آمیز خاموش شد»**. **وَسَكَتَتْ فَوْزَةُ الْإِفْكِ «و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد»**. **وَحَمِيدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ «و آتش کفر خاموش شد»**. **وَهَيَّأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ «و دعوت و ندای هرج و مرج آرام گرفت»**. **وَأَسَيَّسَتْ نِظَامُ الدِّينِ «و نظام دین کاملاً ردیف شد»**. آنگاه بر سر ساکت‌های منحرف با آن همه سوابق درخشان دفاعی فریاد می‌زند که: **فَأَنَّى حِزُّكُمْ بَعِيدَ الْبَيَانِ؟ «پس چرا بعد از اقرارتان ایمان را، حیران شدید؟»**. **وَأَسِرَّزْتُمْ بَعِيدَ الْإِعْلَانِ؟ «و چسان پس از آن مرحله آشکار، همکاری خود را نهفته کردید؟»**. **وَنَكَصْتُمْ بَعِيدَ الْأَقْدَامِ؟ «و بعد از آن پیشقدمی، عقب نشستید؟»**. **وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟ «و بعد از ایمان شرک آوردید؟»**. **أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرُّسُولِ وَهُمْ يَدْعُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ اتَّخَشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**. «در حالی که قرآن می‌فرماید: آیا نمی‌جنگید با گروهی که عهده شکستند و خواستند رسول خدا را اخراج کنند با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارید در حالی که خدا سزاوارتر است که از او بهراسید، اگر که مؤمنید». و با سخنانی دردآلود به همه آیندگان اعلان می‌دارد که: همه عهد خدا بشکسته بودند علیه ما بهم پیوسته بودند از آنرو پشت درافتادم از پا که دست شوهرم را بسته بودند [صفحه ۱۲۷]

اشاره

- ضرورت توجه به عامل مردمی - ارزیابی مجدد نمونه‌ها - خطر بی‌تفاوتی عامل مردمی از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام) [صفحه ۱۲۹] یکی از عوامل مهم شکست یا پیروزی نهضت‌ها، تداوم با سیر ارتجاعی حرکت‌های تکاملی «مردم و عامل مردمی است» که: انقلاب را گسترش می‌دهند. فراگیر می‌سازند. حافظ و پشتیبان ارزش‌های آن می‌گردند. عامل مردمی، نقش بسیار حیاس و ارزنده‌ای دارد به گونه‌ای که دیگر عوامل یاد شده بدون «عامل مردمی» نمی‌توانند کارساز باشند یعنی: الف- عامل رهبری بدون حمایت مردم نمی‌تواند یک انقلاب را بشمار رساند. ب- عامل شخصیت‌ها نیز، رابط توده‌ها و انقلاب و رهبری می‌باشند که بدون قدرت مردمی، یا سکوت و فرار مردم، نقشی نخواهند داشت. ج- عامل قدرتمند علماء و روحانیت، برای به صحنه کشاندن مردم، و توده‌های میلیونی، و پیوند با رهبری، و ارزش‌های انقلاب، مطرح می‌شوند که بدون قدرت مردمی، کاری از پیش نخواهند برد. [صفحه ۱۳۰] د- قدرت دفاعی و ارتش اسلامی، انقلابی، نیز به قدرت مردمی، و شرکت و دخالت آنها نیازمند است و بدون حمایت توده‌ها دوام نخواهد آورد. ه- و جاذبه مکتب و ایدئولوژی نیز، برای حرکت توده‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، حالا- اگر مردم. مکتب و جاذبه‌های آن را نشناسد یا نپذیرند و یا با دخالت عواملی، آن را ترک گویند همانند دیگر عوامل یاد شده بدون اثر خواهد بود. ممکن است بهترین رهبر سیاسی، دینی، الهی را داشته باشیم و شخصیت‌های مهم و فوق‌العاده همراه با دانشمندان و علماء آگاهی در صحنه سیاسی فعالیت کنند، اما باز هم انقلاب اسلامی موفق نباشد. و یا پس از پیروزی با انزوا و کناره‌گیری مردم به سیر ارتجاعی و شکست انجامد. مگر امام علی (علیه السلام) شب و روز برای تداوم اسلام رسول خدا (ص) تلاش نمی‌کردند؟ و اصحاب و یاران رسول خدا را علیه خط نفاق و شرک پنهان توجیه نمی‌نمودند؟ و جاذبه بی‌نظیر مکتب و ایدئولوژی را مطرح نمی‌کردند؟ پس چرا آن همه تلخی‌ها و بلاها را به جان خریدند؟ و در صفین پیروزی به دست نیاوردند؟ و حکمیت را بر امام تحمیل کردند؟ و رهبر معصوم و الهی خود را تنها گذاشتند؟ که یکجا می‌فرماید. یا [صفحه ۱۳۱] أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالٍ [۴۵]. و در جای دیگر می‌فرماید. قَاتَلَكُمُ اللَّهُ لَقَدْ مَلَكْتُمُ قَلْبِي قِيحًا [۴۶]. با ارزیابی درست می‌نگریم که باید مردم را در صحنه سیاسی نگهداشت و از قدرت مردمی توده‌ها برای پیدایش و تداوم و حفظ انقلاب، بهره جست که روی گردانی مردم از مبارزه و پاسداری ارزش‌ها، یا انزوا و سکوت آنها می‌تواند شکننده و مصیبت‌بار باشد. گرچه ۴ عامل یاد شده (رهبر، مکتب، شخصیت‌ها، روحانیت) می‌توانند آرام آرام، مردم را بیدار کند و آگاهی‌های لازم را بدهند، و دل و جان جامعه را با نور هدایت درمان کنند اما از قدرت و اهمیت «عامل مردمی» حتی یک لحظه نیز نباید غفلت نمایند. در تحلیل حوادث تلخ و مصیبت‌بار زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) نیز عامل مردمی باید به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد اینکه می‌پرسند. چرا اهل بیت و رهبر معصوم را منزوی نمودند؟ چگونه یک امت انقلابی درجا زدند و کنار رفتند؟ چرا مجاهدان همیشه در پیکار اسلام، دیگر از اسلام ولایت دفاع نکردند؟ باید دید چه عواملی، «عامل مردمی» را از کار انداخت؟ و دیگر عوامل حرکت و انقلاب را بی‌اثر گذاشت؟ و چرا مردم دلسرد و روی گردان از تداوم مبارزه گردیدند؟ که در جواب دختر رسول خدا در آغازین لحظه‌های وفات پیامبر (ص) سکوت [صفحه ۱۳۲] کردند؟ و فریادهای مظلومانه آن یگانه بانوی اسلام را نادیده گرفتند و در دفاع از حقوق اهل بیت (ع) سُستی نمودند؟

ضرورت توجه به عامل مردمی

سیاستمدارانی که به زور و روش‌های شیطانی تکیه دارند. و به قدرت‌های بزرگ وابسته‌اند. و با حمایت و قدرت آنها در براندازی یا به دست گرفت حکومتی، قدرتی تلاش می‌کنند. و یا در نظامیان کشوری نفوذ کرده با حرکت میلیتاریستی و زور سر نیزه می‌خواهند بر مردم حکومت کنند. کاری به توده‌ها و عامل مردمی ندارند و اصولاً از آرمان و اهداف تکاملی انسان دوستانه‌ای

برخوردار نمی‌باشند. می‌خواهند حاکم باشند و توده‌ها را با زور و پول و تزویر، تسلیم اهداف شیطانی خود سازند. نه به مردم و سرنوشت جامعه می‌اندیشند. و نه کاری با مردم دارند. و همواره با قدرت مردمی در ستیزند و آینده‌ای جز شکست و رسوائی نخواهند داشت. اما در نهضت‌های الهی، و قیام‌های رهائی‌بخش پیامبران خدا، مردم مورد توجه قرار دارند، و سرنوشت و سعادت مردم اساس بعثت سفراء الهی است. از این رو راه انبیاء و مصلحان متعهد جوامع بشری از راه سیاستمداران خود فروخته و فرصت طلب جداست. [صفحه ۱۳۳] انبیاء الهی و دیگر قیامگران توحیدی، در مردم زیستند و با مردم حرکت کردند و قبل از هرگونه فعالیتی به بیداری و آگاهی مردم همت نمودند و با تلاشهای فراوان و پیگیر، عامل مردمی را بازسازی نموده، به صحنه سیاسی نهضت‌ها کشاندند. و آنگاه در تداوم حرکت توده‌ها با برخورداری از امدادهای الهی و قدرت مردمی و دیگر عوامل ضروری به پیروزی رسیدند و هرگونه تهاجمات دشمنان سوگند خورده را دفع نمودند. حضرت موسی (ع) با مردم بود و در مردم زیست و با آگاه نمودن عامل مردمی، قیام علیه فرعون را سازمان داد و با دست مردم و امدادهای الهی، حکومت شیطانی فرعون را سرنگون و حکومت الهی را استقرار بخشید. و آنگاه که همین مردم به رفاه‌زدگی و تن‌پروری و شهوت‌پرستی روی آوردند و از صحنه سیاسی کنار رفتند، دوباره سقوط کردند. و دیگر انبیاء الهی نیز برای مردم مبعوث شدند و در مردم زندگی کردند و با دست مردم به اصلاح فرد و جامعه برخاستند. رسول گرامی اسلام حدود ۴۰ سال در میان مردم جاهلی زیست و وجدان‌های خفته جاهلی را آرام آرام بیدار کرد و گروه‌های مقاومت و دفاع از محرومین را از مردم به جان آمده، تشکیل داد [۴۷] و در برابر جباران و گردنکشان ایستاد و قدرت مردمی را با آگاهی و ایمان به صحنه سیاسی آورد و اسلام و انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند. عامل مردمی به رسول خدا گرائید و به او ایمان آورد. و همراه او در شتعب ابیطالب آن درّه سوزان و مخوف محاصره شد. [صفحه ۱۳۴] و شاهد گرسنگی‌ها و تشنگی‌ها و مرگ عزیزان گردید. و در جنگ و دفاع، در عملیات‌های گوناگون در ۹۴ حمله شرکت کرد و دست از یاری رسول خدا تا آخرین لحظه‌های حیات برنداشت که ره‌آورد آن پیروزی انقلاب اسلامی و دفع خطرات و تهاجمات دشمن بود. امّا روزی که همین مردم در آتش فتنه‌ها، راه گم کردند. و غبار هوس‌ها چشمشان را تیره و تار نمود. و نیاززدگی و قدرت‌طلبی، بلای اعتراف و تفرقه را به ارمغان آورد. سکوت کردند و دست از یاری اهل بیت برداشتند که فاطمه (علیها السلام) فرمودند: لَيْتَ شِئْعَرِي إِلَى أَيْ سِنَانٍ إِشْتَدُّوا؟ «ای کاش می‌دانستم به چه پناهگاهی تکه زدند؟» وَ عَلَى أَيْ عِمَادٍ اِغْتَمَدُوا؟ «و کدام ستون را پشتیبان خود برگزیدند؟» وَ بَايَةَ عُرْوَةٍ تَمَسْكُوا... وَ بَيْتَ لِظَالِمِينَ بَدَلًا. «و به کدامین ریسمان چنگ زدند... و چه بد انتخابی برای ظالمین مطرح شد». در تداوم خط انبیاء الهی و اسلام، در ارزیابی پیروزی نهضت‌ها و قیام‌های الهی تا عصرمان، شاهدیم که همه جا عامل مردمی نقش کارسازی داشته است و هرگاه قدرت لا یزال الهی در شکل قدرت توده‌های اجتماعی، به صحنه انقلاب کشانده شد پیروزی و سعادت به ارمغان آورد.

ارزیابی مجدد نمونه‌ها

در نهضت تنباکو وقتی مردم به روحانیون پیوستند، و در برابر توپ و رگبارهای ناصرالدین شاهی ایستادند، یک روز (در آن روزگارانی که از وسائل الکترونیک امروز خبری نبود) دست خط و فتوی میرزای شیرازی را در [صفحه ۱۳۵] تهران تا صد هزار نسخه تکثیر نمودند. مردم کیسه‌ها و بسته‌ها توتون و تنباکو را در جوی آب، در باتلاق‌ها می‌ریختند، و یا در جلوی مغازه‌ها به آتش کشیدند، و به انبارهای تنباکوی شرکت‌های انگلیسی یورش بردند و سرانجام ۲۰۰ هزار انگلیسی مزدور را از ایران بیرون کردند. (گرچه متأسفانه همین عالم پر قدرت، آرام آرام سرد شد و مبارزه را تداوم نبخشید و دوباره مصیبت‌ها آغاز گردید). در نهضت آیه‌الله کاشانی. روزی که قدرت مردمی به صحنه آمد، و دانشگاه رنگ خون و شهادت گرفت، و حوزه‌های علمیّه پیا خواستند، و روحانیون مبارز کفن پوشیدند، و گلگون قبا در برابر حکومت شاه ایستادند و همراه با آیه‌الله کاشانی در حضرت عبدالعظیم (ع)

تحصن کردند، و بازار تهران بسته شد، و مردم با یکپارچگی و وحدت، انقلاب را حمایت کردند. به پیروزی رسیدند و شاه و ثریا فرار کردند. و حکومت جدید روی کار آمد. و نفت ایران ملی شد. و آزادیخواهان زمام امور را به دست گرفتند. اگر عامل مردمی را در صحنه نگه می‌داشتند انقلاب به حرکت تکاملی خود ادامه می‌داد. در انقلاب اسلامی ایران نیز «عامل مردمی» و قدرت بی‌نظیر آن قابل بررسی است. اگر تحولات سیاسی ایران از سال ۴۲ تا ۱۳۵۷ را به دقت مورد ارزیابی [صفحه ۱۳۶] قرار دهیم و عدم موفقیت در سال ۴۲ و پیروزی معجزه‌آسای آن رد سال ۵۷ را بررسی کنیم نقش حساس عامل مردمی جایگاه اصلی خود را نشان خواهد داد. در سال ۱۳۴۲ مکتب و ایدئولوژی پرجاذبه تشیع، همراه با رهنمودها و فریادهای افشاگرانه رهبر انقلاب، و همراهی شخصیت‌ها و روحانیون طرفدار انقلاب، مطرح بود. چرا به پیروزی نرسیدیم؟ و رهبر انقلاب تبعید شد؟ و در تبعیدگاه ترکیه اجازه پوشیدن لباس مقدس روحانیت را نداشت؟ و سپس مظلومانه و غریبانه همراه با آیه‌الله آقا مصطفی (رحمة‌الله علیه) در کوچه‌های بغداد به طرف نجف بی‌کس و تنها، سرگردان بودند، و دیناری از پول و وسائل ضروری به همراه نداشتند؟ و چرا تبلیغات و ارشادات شخصیت‌ها و روحانیون در خط امام نتوانست انقلاب را به پیروزی برساند و هر کدام در تبعیدگاه‌ها و زندان‌ها، انواع شکنجه‌ها را تحمیل می‌کردند؟ چه شد که اما در سال ۵۷ عامل رهبری و دیگر عوامل دست اندرکار انقلاب، آنچنان بالنده و سرفراز طلوع کرده، و یک رژیم چندین هزار ساله را سرنگون و نظام جدیدی را استقرار بخشیدند؟ طبیعی است، عدم موفقیت در آغازین قدم‌های انقلاب، و پیروزی آن در واپسین روزهای عمر ننگین طاغوت، هر دو به قدرت مؤثر توده‌ها و عامل ارزشمند مردمی مربوط می‌گردد. در سال ۴۲ همه مردم بیدار نبودند، آگاهی لازم نداشتند، و به صحنه [صفحه ۱۳۷] سیاسی کشانده نشدند. گروهی بی‌خبر. و گروهی با تبلیغات مسموم رژیم، اغفال شده و با ناباوری به اسلام و انقلاب اسلامی می‌نگریستند. و بلای بی‌تفاوتی و سکوت همه را تسلیم حکومت طاغوت کرده بود. چون مردم ایران به انقلاب و ارزش‌های آن رو نکردند، دیدیم که عامل رهبری و مکتب، و دیگر عوامل انقلاب نتوانستند، پیروزی را تحقق بخشند اما در سال ۵۷ مرد و زن، پیر و جوان، حوزه و دانشگاه، شهر و روستا و کارگر و کارمند، قدیمی و متجدد به صحنه آمدند، و حرکت توده‌های خشمگین مردم مسلمان، با شعارهای گرم خداگونه رهبر و روحانیت گره زده شد، و دیگر عوامل انقلاب با حمایت گسترده و مداوم عامل مردمی، پیوند خورد که آنگاه پیروزی نور بر ظلمت، حق بر باطل تحقق یافت.

خطر بی‌تفاوتی عامل مردمی

استعمارگران و دشمنان پیروزی و رهائی انسانها نیز به عظمت و ارزش عامل مردمی آشنا شده و فهمیدند تا مردم را متفرق و پراکنده نسازند، دلسرد و ناامید نکنند، یا تزلزل در ایمانشان وارد نمایند، نمی‌توانند یک انقلاب پیروز را از پای درآورند. از این رو، برای نابودی و مبارزه با نهضت‌ها، به فکر جدا کردن عامل مردمی از انقلاب شدند. و با انواع شایعه‌ها. دروغ‌پردازی‌ها. صحنه‌سازی‌ها. [صفحه ۱۳۸] احزاب سیاسی. مشکلات نظامی، اقتصادی، سعی در ساکت کردن و بی‌تفاوت نمودن مردم نمودند، و همه تحلیل‌گران تاریخ دیدند که: تا عامل مردمی از پیامبران فاصله گرفت پیروزی‌ها رخت بست. و تا مردم در لحظه‌های حساس پس از پیامبر اسلام سکوت کردند و تسلیم توطئه‌ها گشتند، امت اسلامی سیر ارتجاعی گرفت و آن همه از حوادث تلخ بر اهل بیت (ع) وارد آمد. و تا در مبارزات مدرّس شهید و نهضت تنباکو و قیام آیه‌الله کاشانی، مردم به اختلاف و جدائی دامن زدند و کناره گرفتند، استبداد دوباره حاکم شد و انقلاب و رهبران انقلابی کنار زده شدند و استعمارگران با نفسی تازه حمله‌های کاری مجدد را از سر گرفتند. اگر عامل مردمی با امام علی (ع) بود و حادثه تعیین امامت را در ۷۰ روز قبل در حماسه غدیر به یاد می‌آورد و آنگاه با همان روح شهادت‌طلبی و جهاد، از اسلام رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع) دفاع می‌نمود از حوادث ناگوار خبری نبود [۴۸] که فاطمه زهرا (علیهاالسلام) از این بی‌تفاوتی نورس و سکوت مرگ‌آور می‌نالد و سرکوفت می‌زند که: [صفحه ۱۴۱] فَلَمَّا اخْتَارَ

اللَّهُ لَنَبِيٍّ (ص) دَارَ أَنْبِيَائِهِ «تا آنکه خدا برای پیامبرش خانه انبیاء را برگزید». وَ مَأْوَىٰ أَصْفِيَائِهِ «و آرامگاه اصفیاء را». ظَهَرَتْ فَيَكُم حَسِيكَةُ النَّفَاقِ «خار و خاشاک نفاق در شما ظاهر شد». وَ سَيَمَلُ جِلْبَابُ الدِّينِ «جامه دین کهنه شد». وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ «سر دسته گمراهان به سخن درآمد». وَ نَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلَيْنِ «تهیدست گمنامان نابغه شد». وَ هَدَرَ فَيْقُ الْمُبْطِلِينَ «نازپروردگان بی‌عرضه کبکشان به خواندن آمد». فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ «در عرصه‌های خانه‌هایتان به قدم زدن درآمد». وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ «و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد». هَاتِفًا بِكُمْ «ندایتان درداد». فَالْفَاكُم لِمَدْعَوْتِهِ مُسْتَجِيبِينَ «دید که پاسخگوی دعوت او هستید». وَ لِلْغَزَةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ «و برای ملاحظه عزت فربنده او آماده‌اید». ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خُفَافًا «خواست که قیام نمائید و دید که شما راحت و سبک این کار را می‌کنید». وَ أَحْمَشَكُمْ فَالْفَاكُم غَضَابًا «گرم و داغتان کرد و دید که آتشینید». فَوَسَّيْتُمْ غَيْرَ إِلَيْكُمْ «پس داغ و نشان زدید بر غیر شترتان». وَ أَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شَرِّكُمْ «و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید». هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ «در حالی که از عهد و قرار چیزی نگذشته بود». وَالْكَلَمُ رَحِيبٌ «و موضع شکاف زخم هنوز خیلی وسیع بود». وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ «دهن زخم هنوز به هم نیامده بود». [صفحه ۱۴۲] وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ «و پیغمبر هنوز به قبر سپرده نشده بود». إِيْتَدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ «برای عمل خود بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیدیم». أَلَا: فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمْ حَطِيئَةٌ بِالْكَافِرِينَ «ولی به راستی که در فتنه افتادید و راستی که جهنم محیط بر کافران است». فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ! «خیلی دور بود این پیش افتادگی از شما». وَ كَيْفَ بِكُمْ؟ «و چطور اینکار را کردید؟». وَ أَنَّى تَوَفَّكُونَ «به کجا روی می‌آورید». در لحظه‌های آغازین وفات پیامبر (ص)، کودتاگران سقیفه، با پخش شایعات و شعارهای انحرافی، گروهی از مردم را به شک و تردید کشاندند [۴۹]. بعضی را با وعده‌های دروغین بسیج کرده علیه اهل بیت (ع) شوراندند. و برخی را به طغیان و تهاجم واداشتند. و دسته‌ای را با برق شمشیرها مرعوب و منزوی نمودند. و جمعی را اغفال و به انحراف کشاندند تا در ولایت اهل بیت (ع) تردید نمایند. و سران تعدادی از قبائل را به بهانه تقسیم پُست‌های حکومتی تطمیع [صفحه ۱۴۳] نمودند. و مقاومت کنندگان را ترور کردند، به خاک و خون کشیدند. و به خانه علی (ع) یورش آوردند [۵۰] و با رعب و اضطراب و ترس، مردم را به سکوت و انزوا کشاندند. در نتیجه شمشیرهای برهه غلاف شد، و بازوهای تنومند شجاعان سست گردید و فریادهای حق‌طلبانه خاموش شد. و کار بدانجا کشید که، آتش زدن درب خانه علی (ع) را و اهانت به اهل بیت عصمت و طهارت را و کتک خوردن تنها مدافع ولایت حضرت فاطمه (علیها السلام) را از پشت بام‌ها، از روزنه درب منازل، فقط نظاره‌گر بودند، و از روی عجز و زبونی اشک می‌ریختند. دیگر فریادی برنخواست. دستی به طرف شمشیرها نرفت. بُغْضِي نَرَكِيد. [صفحه ۱۴۶] و صدای «لیک یا علی (ع)» و «لیک یا فاطمه (علیها السلام)» در هیچ کجای مدینه بلند نشد. و آه جانسوزی بجز آه سوزان فاطمه (علیها السلام) کس نشنید. پس اسب خلافت در زیر پای کودتاگران رام شد و لباس خلافت، وارونه و مضحک بر اندام غاصبان حکومت پوشانده شد. اینجاست که حضرت زهرا خطاب به کودتاگران مغرور می‌فرماید: فَدُونَكُمْوهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ «پس خلافت را بگیرد ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است». نَقَبَةُ الْخُفِّ «و پای آن تناول کرده و سوراخ است». بَاقِيَةِ الْعَارِ «عار آن باقی است». مُوسُومِيَّةٌ بِغَضَبِ اللَّهِ «و نشان از غضب خدا دارد». وَ شَنَارِ الْآبِيدِ «و ننگ ابدی». مَوْصُولَةٌ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْنَدَةِ «و هر که آن را بگیرد فردا به آتش فروزان خدا که بر قلب‌ها احاطه می‌یابد، خواهد رسید». فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ «آنچه می‌کنید در برابر چشم خداست». وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىٰ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ «به همین زودی آنانکه ستم کردند خواهند دانست که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت». وَ أَنَا إِنَّهُ نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ «و من دختر آنکس هستم که شما را از در پیش بودن عذاب دردناک خبر داد». فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ «پس شما هر چه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم شما منتظر بمانید که ما هم منتظر خواهیم ماند» [۵۱]. [صفحه ۱۴۷]

اشاره

- توجه به دو حرکت متضاد - شناخت طبقات گوناگون جامعه - راه‌های نفوذی دشمن و روش‌های مقابله با آنها [صفحه ۱۴۹]

توجه به دو حرکت متضاد

در بررسی حوادث و تحولات گوناگون تاریخ ملت‌ها، اسلام و سرگذشت نهضت‌ها، واقعیت‌های متضادی را در موضع‌گیری «عامل مردمی» مشاهده می‌کنیم که شگفتی‌آور است. همواره قیام و قعود، حرکت و سکون، پیشروی و عقب‌گرد، فریاد و سکوت در کنار یکدیگر تحقق یافته‌اند که تحلیل‌گران پژوهشگر را به نتیجه‌گیریهای متفاوتی کشانده است. امت‌ها و ملت‌های گذشته را می‌نگریم که روزی در حرکت و قیام، و روزی دیگر در سیر ارتجاعی و انحراف، همه ره‌آورد‌های انقلابشان را از دست داده‌اند و خود در نابودی ارزش‌های به دست آمده کوشیدند. امت رسول‌گرامی را دیدیم که یک روز در اوج پیشرفت و تکامل، و [صفحه ۱۵۰] روز دیگر با سکوت و بی‌تفاوتی در سراشیبی سقوط از همه واقعیت‌ها و تعهدات و مسئولیت‌ها چشم پوشیده‌اند. کوفیان خود به حضرت اباعبدالله (ع) نامه نوشتند و با نماینده اعزامی امام، حضرت مسلم (ع) حدود ۴۰ یا ۵۰ هزار نفر بیعت کردند و پس از درگیری با ابن زیاد، در یک حرکت سریع، به سرپرستی مسلم (ع) مقر استانداری کوفه را در محاصره خویش قرار دادند، که در لحظه‌های سرنوشت‌ساز قیام ناگهان سرد شدند متفرق گردیدند، فرار کردند، بی‌تفاوت شدند که همان شب، پس از نماز عشاء کسی همراه فرمانده قیام نبود و مسلم در تنهایی و غربت در کوچه‌های کوفه سرگردان شد. همکاری و فریادهای مبارزاتی مردم در نهضت مشروطه، ناگهان فرونشسته و در برابر مشتی حرکت میلیتاریستی قزاق ساکت شدند. و پدید آوردند گان نهضت در قیام آیه‌الله کاشانی در یک سیر ارتجاعی همه ارزش‌های به دست آمده را فراموش کردند. و انقلاب و قیام را بدون مدافع و پشتیبان گذاشتند. چرا و چگونه این همه از تحولات گوناگون پدید آمدند؟ چرا عوامل پدید آورنده حرکت‌ها با دست خود حرکت و قیام را متوقف ساختند؟ چرا مجاهدان در راه خدا و رسول‌گرامی اسلام، با دست خود به ویرانی ارزش‌ها کوشیدند؟ آیا پیدایش این قبیل از تحولات متضاد، تصادفی است؟ [صفحه ۱۵۱] آیا بقول جامعه‌شناسان، یک نوع «تحول خودبخود» است؟ و آیا نوعی سیر جبری تاریخ است که قابل انسداد نیست؟ و باید دست روی دست گذاشت و تماشاگر تلخی‌ها و شیرینی‌های زودگذر بود؟ همانگونه که در مقالات گذشته تذکر دادیم از نظر قرآن و روایات اسلامی. همه تحولات متضاد ملت‌ها، و موضع‌گیری‌ها متفاوت و ناگوار امت اسلامی، دارای عوامل گوناگون است. ملت‌ها، ناگهان به گونه‌ای تصادفی متحول نمی‌گردند. و باز هم ناگهانی و تصادفی توقف نمی‌کنند. و به سکوت و انزوا، روی نمی‌آورند: حرکت و انقلاب توده‌ها به انتخاب و حضور فعال ملت‌ها بستگی دارد و آنگاه که قدرت مردمی از صحنه اجتماعی کنار زده می‌شود، در غبار فتنه‌ها و شک و تردیدها، به سکوت و انزوا کشانده شده و همه ره‌آورد‌های به دست آمده‌اش به تاراج می‌رود. باید دید چرا به صحنه سیاسی کشانده شدند؟ و عوامل آن کدام است؟ و چرا از صحنه سیاسی خارج گردیده و ضد ارزش‌های خویش شوریده‌اند؟

شناخت طبقات گوناگون جامعه

تحلیل درست تحولات متضاد تا حدودی به شناخت طبقات گوناگون جامعه مربوط می‌گردد. باید دید دشمنان اسلام و نهضت‌های رهائی‌بخش، چگونه و از چه راه‌هایی نفوذ می‌کنند؟ و مردم را از صحنه سیاسی انقلاب [صفحه ۱۵۲] کنار زده به دلسردی و ناامیدی می‌کشانند و ره‌آورد آن همه از خون‌ها و تلاش‌های ارزنده انقلابی را فراموش می‌کنند. در یک جامعه انقلابی گروه‌های مختلفی می‌توانند وجود داشته باشند. ۱- بی‌تفاوت‌های ساکت (که در هر حکومتی کار خودشان را می‌کنند). ۲- ضد انقلاب منتظر

فرصت. ۳- قدرت طلب‌های قابل خرید و فروش و معامله‌گر (که اکثر جاسوسی‌ها، جوسازی‌ها، جدائی‌ها را با وعده مقام و حکومت انجام می‌دهند). ۴- طرفداران فساد و آلوده‌گی‌ها (این گروه نیز به نوع حکومت کاری ندارند می‌خواهند، فساد و اعتیاد خود را تداوم بخشند و می‌توانند عامل خوبی برای نفوذ قدرت‌ها باشند و انواع مزدوری را به جان بخرند). ۵- طرفداران شیست عنصر و بُزْدل انقلاب (گروهی که تحمل هیچگونه مشکلاتی را ندارند و در دفاع از ارزش‌ها ناتوانند). ۶- طرفداران راستین که در پیدایش و تداوم انقلاب انواع مصیبت‌ها را به جان می‌خرند و فدائیان و ایثارگران صادق ارزش‌های به دست آمده می‌باشند. با ارزیابی در طبقات یاد شده فوق، به درستی مشاهده می‌کنیم که ۵ گروه اجتماعی در هر انقلاب و قیامی ضربه‌پذیر و خطرناکند و تنها یک گروه، بار سنگین نهضت را همواره بر دوش خود خواهد داشت که (و قلیل [صفحه ۱۵۳] من عبادی الشکور) [۵۲]. دشمنان انقلاب و استعمارگران سلطه‌گر با بکارگیری علم روانشناسی، و جامعه‌شناسی، و نظریه‌پردازی سیاستمداران کارگشته، از کانال ضد انقلاب وارد صحنه اجتماعی، سیاسی نهضت‌ها شده و با وعده‌های حکومت و قدرت، قدرت‌طلبان بی‌تقوی را اجیر می‌کنند و با انواع حيله‌ها و نقشه‌های شیطانی. بی‌تفاوت‌ها را به کار گرفته، علیه انقلاب می‌شوراند و زمینه انواع مفاسد و اعتیاد را فراهم کرده تا طرفداران فساد و آلودگی‌ها را جذب نمایند. آنگاه با مونتاژ چند شایعه. و بمباران تبلیغاتی. و تهدیدهای دروغین. طرفداران شیست عنصر و رفاه‌طلب را از سر راه خود برداشته، علیه مواضع انقلاب تحریک می‌کنند. و آرام آرام به پاسداران صادق انقلاب نزدیک می‌گردند تا با انواع تهاجمات، حمله‌های کاری خود را متوجه انقلاب سازند. اینجاست که طرفداران جان بر کف انقلاب اگر نتوانند، یا امکانات یک دفاع مداوم و خونین را نداشته باشند و به آنها کمک‌های اساسی نشود. سرانجام از پای می‌افتند و مرزهای انقلاب بدون دفاع و نیروی نگهدارنده، آماج حملات و یورش‌های دشمنان شرق و غرب می‌گردد و ناآگاهان [صفحه ۱۵۴] اغفال شده با طرح و نقشه و تحریک دشمنان ارزش‌ها، تیشه بر ریشه خویش فرود می‌آورند و ره‌آورد خون هزاران شهید را بر باد می‌دهند. پس پیروزی و تداوم نهضت‌ها. یا شکست و سیر ارتجاعی ملت‌ها به میزان و در صد گروه‌های یاد شده اجتماعی بستگی کامل دارد. اگر طرفداران صادق و ایثارگر انقلاب فراوان باشند، یا با هشیاری لازم، و استقامت و پایداری مداوم، توان پاسخ دادن حملات دشمن را داشته و دیگر طبقات ضربه‌پذیر جامعه را بتوانند همراه سازند، و از تبلیغات مسموم دشمن نگهدارند، تداوم نهضت بیمه خواهد شد. از این رو باید به شیوه‌های از صحنه خارج کردن قدرت مردمی، و یا در صحنه نگهداشتن عامل مردمی توجه کامل گردد. حضرت زهرا (علیها السلام) پس از پیدایش حوادث ناگوار بر امت اسلامی، در طی چندین سخنرانی در مسجد مدینه، و در جمع زنان مهاجرین و انصار، به عوامل پیدایش رویدادهای مصیبت‌بار اشاره می‌فرماید و کمی یاران صادق را در کنار فراوانی دیگر گروه‌های ساکت و بی‌تفاوت و قدرت‌طلب، مورد ارزیابی قرار می‌دهد و راه‌های نفوذ و ضربه‌پذیر شدن یاران رسول خدا را، مورد بررسی قرار داده و شیوه‌های مقابله با آنها را نیز بیان می‌فرماید. *مَعَاشِرَ النَّاسِ: «ای مردمان!»، الْمُسِيرَةُ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ «که برای شنیدن حرف بیهوده شتابانید». [صفحه ۱۵۵] الْمَغْضِيَّةُ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ «و کردار زشت زیان‌آور را نادیده می‌گیرید». أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟ «آیا در قرآن نمی‌اندیشید یا آنکه بر دلها مهر زده شده؟». كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَاءْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ «خیر، بلکه آنچه از اعمال زشت انجام داده‌اید تیرگی بر دل‌های شما زده است». فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ «و گوش‌ها و چشم‌هایتان را فرا گرفته است». وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ «بسیار بد مال‌اندیشی کردید و آیات قرآن را تأویل نمودید». وَ سَاءَ مَا بِهِ أَسْرَتُمْ «و بد راهی به او نشان دادید». وَ شَرَّ مَا مِنْهُ إِعْضَضْتُمْ «و بد معاوضه شر کرده‌اید». لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمَلَهُ ثَقِيلًا «به خدا قسم تحمل این بار برایتان سنگین». وَ غَبَهُ وَبِيلًا «و عاقبت آن برایتان پر از وزر و وبال خواهد بود». إِذَا كَشَفَ لَكُمْ الْغَطَاءَ وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ «و وقتی که پرده برای شما برداشته شود و زین‌های این امر برایتان روشن گردد». وَ بَدَّالَكُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ «و آنچه را که حساب نمی‌کردید بر شما آشکار گردد». وَ خَيْرَ هُنَا لِكُمُ الْمُبْطُلُونَ «آنجاست که به راه باطل، روندگان، زیانکار گردند». [صفحه ۱۵۶]*

راه‌های نفوذی دشمن و روشهای مقابله با آنها

اشاره

دشمنان انقلاب و اسلام پس از شناخت طبقات متفاوت جامعه انقلابی، و شناسائی روحیات گوناگون بی تفاوت‌ها و مزدوران آماده خدمت، و ضربه پذیر بودن دوستان ناآگاه، از راه‌های مختلفی سعی در نفوذ و ضربه زدن به پایه‌های اساسی انقلاب می‌کنند از قبیل:

تطمیع کردن قدرت طلبان

(با پول و وعده حکومت). این روش همواره مورد استفاده دشمنان انقلاب و اسلام بود، در آن آغازین لحظه‌های پس از پیامبر اسلام. گروهی را با وعده‌های مختلف تطمیع کردند و با وعده حکومت و قدرت آنها را در استخدام خود قرار دادند که حتی علیه حضرت زهرا (علیها السلام) در رابطه با فدک شهادت دهند و در دوران خلافت آن سه نفر، مخصوصاً عثمان، سیاست تطمیع را در جلوه‌های گوناگونش تحقق بخشیدند (بخصوص تطمیع با درهم و دینار فراوان به چشم می‌خورد که در تاریخ ثبت شده است). برای مقابله درست با این شیوه. باید افراد تطمیع شده را شناسائی و از سر راه انقلاب برداشت تا نتوانند با سیاست نفوذ و ضربه انقلاب را مورد تهدید قرار دهند [۵۳] که این فرصت در اختیار اهل بیت (ع) قرار نداشت.

شایعه پراکنی

جوسازی‌های لازم برای همراه کردن بی تفاوتها، و گروه فاسدان بی پروا. و تلاش و امیدواری ضد انقلاب. و از میدان خارج کردن طرفداران ناآگاه انقلابیون صادق. [صفحه ۱۵۷] برای خنثی کردن این توطئه همواره باید شایعه‌ها را کشف و افشا نمایند و عوامل شایعه را شناسائی و به مردم معرفی کنند. می‌دانیم که حربه شایعه در کنار زدن و ساکت کردن مردم، و قدرت توده‌ها در مبارزات مرحوم مدرس و انقلاب تنباکو و ملی شد نفت و انقلاب اسلامی ما نقش بسیار حساسی داشته است. در روزگاران پس از رسول خدا (ص) شایعه کردند که فد از اموال عمومی است چرا باید در دست فاطمه (علیها السلام) باشد؟ [۵۴]. و اصلاً رسول خدا به او نداده است؟ و با پخش شایعاتی از این قبیل در انزوای فاطمه (علیها السلام) کوشیدند.

زنده کردن ارزش‌های مادی و جاهلی

زنده کردن روح ناسیونالیستی یک امر جاهلی بود که با تلاش عمر و همفکرانشان دوباره زنده شد عمر در سقیفه برای ساکت کردن مردم گفت: «عرب نمی‌پذیرد که نبوت در یک خاندان، و خلافت در خاندان دیگری باشد هر دو باید در یک خاندان باشد» - الامامۃ والسیاسة ص ۸: ابن قتیبۃ متوفای ۲۷۶ هجری - شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۳۸: ابی‌الحدید متوفای ۶۵۶ هجری و در بیانی دیگر اظهار کردند که: «عرب جز زیر بار قریش نمی‌رود» - حیاة الصحابة ج ۲ ص ۱۱۳ - تاریخ ابن خلدون ج ۲ ص ۶۴ - عیون‌الخبار ج ۱ ص ۲۳۳ - البیان والتبیین ج ۳ ص ۲۹۷ - کنز العمال ج ۳ ص ۲۰ - تاریخ الخلفاء ص ۶۸ - الفائق ج ۱ ص ۱۷۰ عمر در برابر بنی‌هاشم، شیوه دروغین دیگری را مطرح می‌کرد که: «عرب دوست ندارد خلافت و نبوت در یک خاندان باشد» یک دورویی آشکار!!! - الايضاح ص ۷۸: ابن شاذان.

فشارهای اقتصادی

دشمن سعی می‌کند، با زنده کردن ارزش مادی و فشارهای اقتصادی، اهداف و ارزش‌های معنوی انقلاب فراموش شود و مردم برای گرفتن امتیازات اقتصادی، و رسیدن به رفاه و حقوق بیشتر، انقلاب را مورد سؤال قرار دهند. و علیه ارزش‌های آن بشورند. تحصین کنند. کم‌کاری را مطرح سازند. و چرخ‌های اقتصادی کشور را از حرکت بازدارند. [صفحه ۱۵۹] برای مقابله با این شیوه خطرناک باید همواره اهداف و ارزش‌های اصیل انقلاب را تذکر داد و تبلیغ نمود که: چرا قیام کردیم؟ و برای کدام ارزش‌ها هزاران شهید دادیم؟ آیا انقلاب ما یک انقلاب مادی بود؟ آیا برای مادیات و رفاه بیشتر این همه جوانان فدا شدند و ایثار کردند؟ اگر برای ارزش‌های معنوی، الهی برخاسته‌ایم، چرا کمبودها و فشار اقتصادی را به رخ انقلاب می‌کشیم؟ و چرا در تداوم حرکت، نیازدگی و جلوه‌های مادی، ما را از انقلاب جدا نماید؟ بنابراین در برابر زنده کردن ارزش‌های مادی باید، روح شهادت‌طلبی، جهاد و مبارزه، گذشت و ایثارگری را زنده نمود تا با یادآوری ارزش‌های معنوی انقلاب، دشمنان انقلاب مأیوس، و دوستان خود را دلگرم و آرمان‌طلب بسازیم. در تاریخ صدور اسلام می‌بینیم که بسیاری را با وعده‌های مادی اغفال کردند، و با زنده کردن ارزش‌های مادی مردم را برای گرفتن حقوق و مزایا، ساکت نمودند و فدک را در تداوم همین سیاست غصب نمودند [۵۵]. [صفحه ۱۶۶] و به خط انزوا و بی‌تفاوتی کشاندند. تا آنجا که وقتی ابابکر در میان آن همه جمعیت به دختر پیامبر اهانت نمود کسی اعتراض نکرد و تنها ام‌سلمه، خلیفه را سرزنش نمود که: حقوق او را از دیوان بیت‌المال حذف نمودند. تا دیگر امثال او نیز قدرت اعتراض نداشته باشند [۵۶].

تهدید و ارباب

دشمن با تهدید و ارباب، ضد انقلاب را دلگرم و یاران سست عنصر انقلاب را دلسرد می‌سازد تا از حمایت و یاری ارزش‌های انقلابی دست بردارند و صحنه را خالی نمایند می‌بینیم از صدر اسلام تاکنون چقدر از این شیوه شیطانی استفاده کردند و مردم را به خط سرزنش و سکوت کشاندند. برای بی‌اعتبار ساختن تهدید و ارباب باید، روح شهادت‌طلبی و گذشت و ایثار را در دل‌ها زنده نگه داشت و با ترس و زبونی مبارزه نمود، و مردم را به استقامت و پرخاشگری علیه ظلم و ظالم ترغیب کرد تا تهدیدات دشمن بی‌اثر گردد. از این رو فاطمه زهرا (علیها السلام) را می‌نگریم که مردم را به آگاهی و هشیاری و دفاع از حق و اسلام رسول خدا فرامی‌خواند. و سرزنش می‌کند که چرا دست از یاری اسلام برداشتند و ساکت [صفحه ۱۶۷] مانده‌اند. ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ: «أَنْغَاهُ رُوهُ سَوَى أَنْصَارٍ كَرْدَ وَچنین فرمود». «يَا مَعْشَرَ النَّقِيَّةِ! «ای انجمن نخباء و بازرسان!». وَاعْضَادَ الْمِلَّةِ! «ای بازوان ملت!». وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! «ای حافظان اسلام!». مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي؟! «این ضعف و غفلت در مورد حق من از چیست؟». وَالسَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟! «و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟». أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَبِي يَقُولُ: «آیا پدرم رسول خدا (ص) نمی‌فرمود: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ؟» (باید حرمت هر کس در مورد فرزندان او حفظ شود). سِرْعَانَ مَا أَخَذْتُمْ. «چه به سرعت مرتکب این اعمال شدید». وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ. «و چه با عجله این بُز لاغر شد آب از دهان و دماغ او فرو ریخت (مثلی است). وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحْوَلُ» در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست». وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أُطْلِبُ وَأُزَوَّلُ» و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم هست». أَتَقُولُونَ: مَاتَ مُحَمَّدٌ (ص) «آیا می‌گوئید که محمد (ص) مُرد درست است که: [صفحه ۱۶۸] فَخَطَبْتُ جَلِيلُ «این مصیبتی است بزرگ». إِيْتَوْسَعَ وَهْنُهُ «مصیبتی است در نهایت وسعت». وَاسْتِنَهَرَ فَنَقَّه «شکاف آن سرباز و بسی فراخ است». وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ «و درز دوخت شده شکافته شد». وَ أَظْلِمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ «زمین سراسر بر اثر غیاب او تاریک گردید». وَ كُسِفَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ «و ستارگان بی‌فروغ گردیدند». وَ أَكْذَبَتِ الْأُمَالُ «آرزوها به ناامیدی گرائید». وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ «کوهها از جا فرو ریخت». وَ أَضْيَعَ الْحَرِيمُ «حرمت حریم پامال شد». وَ أْزِيلَتِ الْحُزْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ «و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند». فَتِلْكَ وَاللَّهِ

النَّازِلَةُ الْكُبْرَى «پس این مصیبت به خدا بزرگترین پیش آمد بود». وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى «و مصیبت بزرگ بود».

قتل و کشتار، و ترورهای سیاسی

با این شیوه می‌خواند مخالفان انقلاب را هماهنگ و امیدوار نموده، و طرفداران ترسو و بزدل را از صحنه خارج کرده و یاران صادق و مقاوم انقلاب را از میان بردارند، بلافاصله پس از رحلت رسول خدا (ص)، چون ابابکر در یکی از روستاهای اطراف مدینه بود و وجود او را ضروری می‌دانستند، عمر با شمشیر برهنه فریاد زد که پیامبر نمی‌میرد، هر کس [صفحه ۱۶۹] بگوید پیامبر از دنیا رفت گردن او را می‌زنم، و با تهدید مانع انتشار خبر وفات رسول خدا شد تا دوستش از راه برسد [۵۷]. آنگاه که کودتای نظامی را سازمان دادند و ورود و خروج از مدینه را ممنوع اعلان نمودند [۵۸]. آنها را که قصد فرار و خارج شدن از مدینه را داشتند ترور کردند و تبلیغات به راه انداختند که در تاریکی شب دچار جن‌زدگی شده‌اند؟ راستی سعد بن عبادۀ بزرگ قبیله خزرج را، جن در تاریکی شب کشته است؟ یا خالد بن ولید به دستور عمر؟ که با کشته شدن بزرگ و رئیس قبیله از خَزْرَجیان برای ابابکر بیعت بگیرد؟ [۵۹]. چه کسانی به خانه فاطمه و علی (ع) یورش آوردند و فریاد زدند: وَاللَّهِ لَأُحْرِقَنَّ عَلَيْكُمْ أَوْ نُخْرِجَنَّ إِلَى الْبَيْعَةِ؟ (به خدا سوگند که خانه را بر سر شما آتش [صفحه ۱۷۰] می‌زنم یا شما را برای بیعت با ابابکر از خانه خارج می‌سازم) [۶۰]. آیا این فریاد از عمر نبود؟ اینجا دیگر تاریکی شب را نمی‌شود بهانه کرد که جن‌ها دخالت کردند. و سپس به قتل و کشتار مخالفان پرداختند. سرهای مالک بن نویره و فرزندانشان را برای اولین بار در مدینه پس از رسول خدا گردانند تا دیگران عبرت گرفته و تسلیم گردند. و حتی به همسر مالک نیز تجاوز نمودند [۶۱]. بیچاره «فجاءه» را با برچسب، ارتداد، به مصلی مدینه کشانده و زنده زنده در آتش سوزانند. این جنایت هولناک و فجیع ابابکر به قدری رسوا و نفرت‌آمیز بود که ابابکر در لحظه‌های آخر عمرش می‌گفت. (ای کاش این جنایت رسوا را مرتکب نمی‌شدم و بیچاره «فجاءه» را نمی‌سوزاندم) [۶۲]. و با مجموعه ترور و تهاجم، به حریم امن و خانه‌های مردم و اهل بیت، و کشتار و زنده زنده سوزاندن مخالفان می‌خواستند مردم را ساکت و منزوی نمایند [۶۳]. [صفحه ۱۷۴] در برابر این شیوه ننگین دشمن، باید روح دفاع و مقاومت را زنده کرد، و با شهادت‌طلبی و توجه به ارزش‌های معنوی شهید، میدان مبارزه را ترک نمود، و همواره در برابر دشمن ایستاد. همه دیدند که: حضرت زهرا (علیها السلام) در خط مقدم دفاعی، محسنش را تقدیم حمایت از ولایت معصوم کرد و از پای درنیامد. و در تداوم مبارزه، سیلی خورد. و با شلاق خوردن، بازوانش متورم شد، اما مبارزه را تا افشای نقشه‌های دشمن و حمایت صحیح از رهبری تداوم بخشید. در اینجا با سیری کوتاه در شیوه‌های مقابله، این فراز را به پایان می‌بریم. مانند: ۱- زنده نگه داشتن روح جهاد و مبارزه. ۲- زنده نگه داشتن ارزش‌های معنوی انقلاب. ۳- زنده نگه داشتن ارزش‌های اخلاقی. ۴- زنده نگه داشتن روح مقاومت و ایثار. ۵- زنده نگه داشتن روح شهادت‌طلبی. ۶- زنده نگه داشتن روح امیدواری. ۷- شناسائی و کنار زدن مزدوران تطمیع شده. ۸- افشاگری و بیداری. ۹- تداوم تبلیغات و دادن آگاهیهای ضروری. ۱۰- مطرح کردن هشدارهای ضروری. ۱۱- تقویت روح وحدت و برادری. ۱۲- واکنش نشان دادن‌های ضروری. ۱۳- مبارزه با انواع فساد و آلودگی. [صفحه ۱۷۵]

مردم‌شناسی و تحلیل تاریخ

اشاره

- اقسام طرفداران ۱- دوستان ناآگاه ۲- طرفداران ترسو ۳- رفاه‌زدگان بی‌تقوی ۴- تشنگان قدرت و منتظران فرصت ۵- انقلابیون صادق [صفحه ۱۷۷] در این فراز دوست و دشمن را مقایسه نمی‌کنیم. و به همه طبقات و گروه‌های اجتماعی نمی‌نگریم. بلکه از

دوست می‌نالیم. که سعدی می‌فرماید: همه از دست غیر می‌نالند سعدی از خویشتن فریاد می‌خواهیم از ناآگاهی و جهالت و موضع‌گیریهای ناروای دوستان نادان. و دشمنان متظاهر به دوستان، بگوئیم که: چگونه به راحتی سنگرها را تخلیه می‌کنند. و صحنه سیاسی را ترک می‌گویند. و اسلام و انقلاب را بدون دفاع و نگهبان رها می‌سازند. و به خود می‌پردازند. و مجریان توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن می‌گردند. شایعه‌ها را دشمنان انقلاب، طراحي و دوستان نادان پخش می‌نمایند. می‌گویند مسلمانیم و از اسلام دفاع نمی‌کنند. [صفحه ۱۷۸] ادعا می‌کنند انقلاب را قبول دارند و کمکی روا نمی‌دارند. و در روز حادثه. بی‌تفاوت و ساکت می‌گذرند: در نتیجه: علی علیه‌السلام در میان آن همه از مهاجر و انصار و دوستان و یاران رسول خدا، تنها می‌شود و آماج تهمت‌ها و اهانت‌ها می‌گردد و کسی حمایت نمی‌کند و اعتراضی مطرح نمی‌شود. زهرای مرضیه (علیها السلام) در میان امت اسلامی و مدعیان قرآن و کاتبان وحی، کتک می‌خورد و مورد اهانت قرار می‌گیرد. و اول شهید اهل بیت (ع) را تقدیم ولایت و رهبری می‌سازد و خود دومین شهید خط مقدم دفاع از حریم ولایت می‌گردد [۶۴] و کسی اعتراض یا حمایت نمی‌کند. [صفحه ۱۷۹] دوستان و یاران و بیعت‌کنندگان حضرت مسلم، تا محاصره دارالاماره پیش می‌روند اما در میانه راه او را تنها می‌گذارند، به انزوا می‌گیرند، میدان به دشمن می‌سپارند. و یاران و مدعیان طرفداری از ولایت و امامت حضرت اباعبدالله (ع)، وقتی در منزل زباله [۶۵] (بین راه کربلا) متوجه می‌شوند که سَیْفَرِ سَیْفَرِ شهادت است و راهی جز فدا شدن و ایثارگری نیست پراکنده شدند، و فرار کردند. و در ادامه تاریخ می‌نگریم که طرفداران نهضت‌ها و انقلاب‌ها با دست خود علیه ارزش‌های انقلاب بپا خواستند و رهبران انقلاب را تنها گذاشتند و آب به آسیاب دشمنان منتظر فرصت ریختند، چرا؟ چرا انسان علیه خویشتن خویش، طغیان می‌کند؟ چرا در رابطه با سعادت و تکامل خود بی‌تفاوت می‌ماند؟ و با دست خود آتش به خرمن اندوخته‌های خود می‌افکند؟ برای بررسی این قبیل از پرسش‌ها باید به مردم‌شناسی روی آورد و اقسام دوستان و هواداران را مورد ارزیابی قرار داد.

اقسام طرفداران

اشاره

برای تداوم هر انقلابی، ارزیابی «توان» و «قدرت دفاعی» نیروهای طرفدار و مؤمن به انقلاب ضروری است و شناخت ضعف‌ها و ضربه‌پذیری دوستان، امری جدی و مورد توجه می‌باشد، تا نیروهای صادق از مدعیان دروغین بازشناسی گردند، و ادعاهای بی‌اساس متظاهرين به انقلاب و [صفحه ۱۸۰] اسلام، ما را فریب ندهد و حوادث ناگواری ببار نیاید. از این رو اگر اقسام مردم و طرفداران انقلاب و اسلام را به درستی بشناسیم. و با ضعف‌ها و کمبودها مقابله کنیم هرگز غافلگیر نخواهیم شد مانند:

دوستان ناآگاه

دوستانی که آگاهی ندارند و یا توان کسب آگاهی را نداشته‌اند و قدرت ارزیابی درست و تحلیل‌های بمورد را ندارند. اگر به درستی توجیه نگردند. و یا آماج تبلیغات مسموم‌کننده دشمن قرار گیرند، در جا می‌زنند، سکوت می‌کنند، تسلیم می‌شوند. و می‌گویند: چرا فدک باید در دست فاطمه باشد؟ چرا رهبری باید در خاندان رسول خدا باشد؟ مگر افراد کارکشته‌تری وجود ندارند. چرا باید برای تحقق رهنمودهای رسول خدا کشته شویم؟ اگر دیگران حکومت کنند مگر چه خواهد شد؟ این گروه همواره در معرض خطرند و می‌توانند مجریان ناخواسته طرح‌های شیطانی دشمن باشند و شیطان از زبانشان سخن بگوید و با دستشان برنامه‌های شوم دشمن را اجراء نمایند که حضرت زهرا (علیها السلام) می‌فرماید: وَ تَسْتَجِیْبُوْنَ لِهُتَافِ الشَّیْطَانِ الْعَوِيِّ «برای اجابت کردن بانگ شیطان گمراه آماده بودید». وَ اَطْفَاءِ اَنْوَارِ الدِّیْنِ الْجَلِيِّ «و برای خاموش نمودن انوار دین روشن خدا». [صفحه ۱۸۱] وَ

إِخْمَادِ سُبْنِ النَّبِيِّ الصِّفَى «و افسرده کردن و ضعیف نمودن سُبْنِ نبی برگزیده خدا». تُسِرُّونَ حَسَوًا فِی اِرْتِغَاءٍ «به بهانه کف گرفتن، شیر را زیر لب پنهان می‌خورید». وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِی الْحَمْرِ وَالْضَّرَاءِ «و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید». وَ نَضْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزَالِمِدَى «و ما باید شکیبائی کنیم بر صدمه‌هایی از شما مثل خنجر بران». وَ وَخَزِ السَّنَانِ فِی الْحَشَى «و فرو رفتن سنان در میان شکم». وَ أَنْتُمْ -الآن- تَزْعُمُونَ أَنْ لَا اِرْثَ لَنَا «و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست». أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ؟ «آیا حکم جاهلیت را می‌طلبید». وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ؟ «آیا چه حکمی بالاتر و بهتر از حکم خداست».

طرفداران ترسو و سست عنصر

با مطالعه در زندگی بسیاری از یاران رسول خدا و مسلمانان صدر اسلام، هیچگونه شکی باقی نمی‌ماند که آنها زندگی جاهلی را وداع گفتند، اسلام آوردند و به حفظ قرآن پرداختند و در راه اسلام قدم برداشتند. نه می‌شود آنها را متهم به شرک و کفر نمود و نه در اسلامشان تردید داشت. پس چرا ساکت شدند؟ و دست از دفاع کشیدند؟ [صفحه ۱۸۲] و پیمان شکستند؟ و سفارشات رسول خدا را نادیده انگاشتند؟ دلیل ضعف‌ها و جدائی آنان را باید در ترس و زبونی آنها جستجو نمود که در کنار ایمان و اسلامشان. شهادت و شجاعت نداشتند و در برابر کودتای نظامی سران سقیفه، و تهدیدها و تشویق‌هایشان در جا زدند. ترس از جان و مال. ترس از ناموس. ترس از خانه و کاشانه، قدرت و مقام. آنها را به ذلت و خواری کشاند و برای همیشه محکوم تاریخ شدند که حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند: وَ اَبْعَدْتُمْ مِنْهُ هُوَ اَحَقُّ بِالْبُسْطِ وَالْقَبْضِ «و آنکس را که سزاوار به قبض و بسط امور بود از زمامداری دور کرده‌اید». وَ خَلَوْتُمْ بِالِدَّيْعَةِ «إِلَى الدَّيْعَةِ» «با راحت باش خلوت کرده‌اید». وَ نَجَوْتُمْ مِنَ الضَّيْقِ بِالسَّيْعَةِ «و از تنگنای زندگی سخت به فراخنای آن رسیده‌اید». فَمَجَّجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ «در اثر آن آنچه را که حفظ کرده بودید از دهان بیرون افکندید». وَ دَسَّيْعْتُمْ الْمَذَى تَسَوَّعْتُمْ «و آنچه را که فرو برده بودید استفراغ کردید». فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنَى حَمِيدٌ «پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید خدای تعالی بی‌نیاز از همگان و ستوده است». [صفحه ۱۸۳]

رفاه زندگان بی تقوی

گروهی دیگر از مردم گرچه به ظاهر ایمان می‌آوردند و ادعای اسلام دارند و برخی از فرائض و احکام اسلامی را انجام می‌دهند اما اسلام و قرآن برای آنها اصالت ندارد، آنچه که برای آنها مهم است رفاه و آسایش است. می‌خواهند زندگی کنند. در رفاه باشند [۶۶]. امنیت آنها در معرض خطری قرار نگیرد. اگر در مسلمانی و انقلابی بودن به منافعشان می‌رسند طرفدار اسلام و انقلابند. اما اگر روزی حرکت انقلاب و اسلام به سوی دفاع و جهاد، ایثارگری و شهادت‌طلبی سوق داده شود و خطری متوجه آنان گردد، و بنا شود از مال و جان و آسایش خود برای حفظ و نگهداری اسلام و قرآن بهره گیرند در جا زده و به انزوا و سکوت می‌گریند. این دسته از مردم دنیا زده و مال پرستند، و از هر فرصتی برای کسب منافعشان استفاده می‌کنند، اگر زمان و زمانه با آنها یار بود یاور انقلابند، اما در روز حادثه مرد میدان و فدا شدن‌ها و ایثارگری‌ها نیستند و در برابر ضد انقلاب و یورش منافقین و شایعه‌پردازان ساکتند و می‌گویند: [صفحه ۱۸۵] به من چه! من چکار دارم! من می‌خواهم زندگی کنم. در رابطه با روان مضطرب و نفاق گونه‌شان حضرت اباعبدالله (ع) فرمودند: النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِينُ لَعَقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَادَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ [۶۷]. (مردم برده دنیایند و دین بازیکه زبان‌های آنان است پس آنگاه که با سختی‌ها و مشکلات آزمایش گردند دینداران واقعی اندکند). این دسته از مردم به ظاهر مسلمان را می‌نگریم که در روز حادثه‌های سخت به طرف اسلام و رسول خدا

نرفتند و آنگاه که دیدند اسلام دارد نیرومند می‌شود و خطری ندارد در جمع مسلمانان حاضر شدند اما در آغاز جنگ‌های سرنوشت‌ساز یا شرکت نکردند و یا پس از آغاز عملیات و مشاهده خطر مرگ و سختی‌ها فرار کردند و گفتند (به ما چه. و چرا بمانیم و کشته شویم؟) [۶۸]. حضرت زهرا (علیها السلام) در سخنرانی افشاگرانه خود این دسته از مردم را رو در رو در مسجد مدینه افشا می‌کند و نقش امام علی (ع) را در آن روزهای سخت اسلام بیان می‌دارد. ابتداء نعمت وجود پیامبر گرامی اسلام را مطرح، و سپس ره‌آورد آن را تذکر می‌دهد و فداکاری‌های امام علی (ع) را یک یک می‌شمارد و به [صفحه ۱۸۶] ساکت‌های رفاه‌زده و منفعت پرست خطاب می‌کند که: شماها در آن روزگاران سخت حوادث، مثل الآن ساکت و خودپرست و آسایش طلب بودید. هرگاه که آتش فتنه‌ها بالا- می‌گرفت و خطر جنگ همه را تهدید می‌کرد، پیامبر (ص) برادرش امام علی (ع) را در کام خطرات و شعله‌های سوزان حوادث فرومی‌افکند. (وَقَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا). «و این شمشیر علی (ع) بود که همه شعله‌ها و فتنه‌های جنگ و خطرات را نابود می‌ساخت.» (وَيُخِمُّدُ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ) «اما بسیاری از شما تظاهر کنندگان به اسلام، شرکت نمی‌کردید و در ناز و نعمت بودید.» وَأَنْتُمْ فِي رِفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ تَنْكُصُونَ عِنْدَ التَّرَالِ وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ «شما در برابر حوادث و مشکلات در خوشی زندگی می‌کردید، در امن و امان و نعمت‌ها بسر می‌بردید، و منتظر دگرگونی روزگار بودید و گوش به زنگ اخبار، هنگام کارزار عقب‌گرد و در هنگام جنگ فرار می‌کردید).

تشنگان قدرت و منتظران فرصت

برخی دیگر از طرفداران نهضت‌ها قدرت‌طلبند. می‌گویند: اگر حکومت و قدرت ما تأمین شود در صحنه باقی می‌مانیم. [صفحه ۱۸۷] و اگر بناست از حکومت و قدرت محروم شویم، کناره می‌گیریم. سکوت می‌کنیم. و یا مانند طلحه و زبیر با دست خود ارزش‌های انقلاب و اسلام را به آتش می‌کشیم. این گروه لقمه لذیذی برای دشمنان انقلابند، و هر لحظه در معرض وابستگی و سقوط قرار دارند. به ظاهر طرفدارند و ادعای اسلام می‌کنند اما اگر به حکومت رسیدند مانند «ولید بن عبدالملک» با قرآن خداحافظی می‌نمایند. و برای رسیدن به حکومت دست به هر کاری می‌زنند. هوی و هوس. اغراض سیاسی. عطش قدرت‌گرایی. مهلت هرگونه دفاع از اسلام و آرمان توحیدی را از آنها سلب کرده است. کاری ندارند که اهل بیت منزوی شدند. و دختر رسول خدا بین در و دیوار در کنار فرزند شهیدش یاری می‌طلبند [۶۹]. [صفحه ۱۸۸] اگر از آنها کمکی بخواهی می‌گویند. حکومت کدام سامان را می‌بخشی؟ در این گروه عمر سعدها بودند که ادعای اسلام و قرآن و صحابی رسول خدا بودن داشتند اما در برابر استانداری و ولایت مُلک ری، زانو می‌زدند و کمر به قتل فرزندان رسول خدا می‌بستند که: (الملک عقیم). حضرت زهرا (علیها السلام) به مردم ساکت می‌فرماید: چرا سکوت کردید؟ آیامی‌شود باور کرد که در برابر کتاب خدا و آیات روشن آن. راه خدا را نمی‌توانید شناسائی نمایید؟ روشن است که آگاهانه صحنه را خالی گذاشتید و منافع و قدرت‌طلبی خود را اصل قرار داده‌اید. وَكِتَابُ اللَّهِ يَبَيِّنُ أَظْهَرَ كُمْ «در حالی که کتاب خدا در میان دست و پای شماست». أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ «مطالبش هویدا است». وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ «و احکامش درخشان است». وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ «پرچم‌های آن نور چشمان را می‌رباید». وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ «و زواجر و نواهی آن دم‌بدم به چشم می‌آید و درخشان است». وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ «و اوامرش واضح است». وَقَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَأَى ظُهُورُكُمْ «ولی آن را پشت سر انداخته‌اید». أَرَعَيْتُمْ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ «آیا بی‌رغبتی به آن را می‌طلبید». أَمْ بَغْيِهِ تَحْكُمُونَ؟ «یا حاکمی را به غیر او به حکمیت می‌طلبید». بئس لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا «بد بدلی است برای ظالمان حکم مخالف قرآن». [صفحه ۱۸۹] وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ «و هر کس غیر از اسلام دینی را طلب کند از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود». ثُمَّ لَمْ تَلْتَبُوا إِلَى رَيْثِ أَنْ تَسِيَكُنْ نَفَرْتُمْ «سپس آنقدر درنگ نکردید که این دل‌رمیده آرام گیرد». وَتَسِيلَسَ قِيَادَهَا «و کشیدن افسار آن سهل گردد». ثُمَّ أَخَذْتُمْ تَوْرُونَ وَقَلَدْتُمْهَا، وَتَهَيَّيْجُونَ جَمْرَتَهَا «پس آتش گیره‌ها را افروخته‌تر می‌کردید و دامن به آتش می‌زدید تا

آتش را شعله‌ور کنید». با توجه به چهار گروه یاد شده، تحلیل حوادث غمبار پس از رسول خدا، به گونه روشنی ممکن و قابل شناساندن است. اکثر سؤال کنندگان، جامعه رسول خدا (ص) را یک جامعه ایده‌آل بی‌عیب و نقص، و یک مدینه فاضله بهشت گونه می‌پندارند و همه اقشار و مردم آن روزگاران را چون اباذر و سلمان و عمار تصور می‌کنند، و سپس با اینگونه از تصورات می‌پرسند. چرا حوادث ناگوار پدید آمد؟ چگونه می‌شود باور کرد که اصحاب و یاران رسول خدا (ص) بر سر اهل بیت او آتش و شمشیر ببارند؟ و حرمت حرم را پاسدار نباشند؟ چهار گروه نامبرده در تمام قبائل و اقشار مدینه از یک اکثریت قابل توجهی برخوردار بودند که با سکوت و انزوا و سازش آنان، طرفداران انگشت‌شمار اسلام ناب محمدی (ص) و یاران صادق و اندک پیامبر گرامی نتوانستند، حرکت مؤثری را آغاز نمایند. [صفحه ۱۹۰] و در برابر سیل تهاجمات و یورش‌های نظامی و سیاسی مقاومت کنند. با توجه به این واقعیت‌هاست که حضرت زهرا (علیها السلام) فریاد می‌زند و از سکوت و بی‌تفاوتی اصحاب رسول خدا شکوه‌ها دارد که: (و تستجیون لهتاف الشیطان الغوی) و بنابر فرموده حضرت اباعبدالله (ع) «أَلَا- إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزُمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ (آگاه باشید که این گروه مسلمان‌ها به اطاعت از شیطان تن در دادند و پیروی و بندگی خدا را ترک گفته‌اند) [۷۰]. و امام صادق (ع) به این حقیقت تلخ (سیر ارتجاعی مردم مدینه) اشاره می‌فرماید که: «إِذْ تَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ (ص) إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٌ، الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ، وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ، وَ سَلْمَانَ فَارِسِيٍّ، ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَ لَحَقُوا بَعْدَ. «پس از وفات رسول خدا مردم از دین و اسلام دست کشیدند و راه ارتداد و ارتجاع را در پیش گرفتند به جز ۳ نفر، مقداد و اباذر و سلمان، تا آنکه مردم بعدها اندک اندک بیدار شدند و به سوی اهل بیت (ع) بازگشتند» [۷۱].

انقلابیون صادق و آرمان طلب

انقلابیون جان بر کف و ایثارگر انقلاب، آرمان طلب و فداکارند. قرآن و اسلام را می‌خواهند. برای این گروه خدا و اسلام و قرآن اصالت دارد. [صفحه ۱۹۱] زندگی و آسایش. جان و مال. دنیا و حکومت دنیا، موضوعیت ندارند. اینها طلای سیرخند. هر چه در آتش و مشکلات و سختی‌ها قرار گیرند، ایمان و عشق آنها بیشتر می‌شود. شکسته نمی‌شوند. سختی و خستگی نمی‌فهمند. با هر گونه مشکلی مقابله می‌کنند. و برای هر مصیبتی آماده‌اند. در گرما گرم جنگ خدا را و شهادت در راه خدا را آرزو می‌کنند. مانند امام علی (ع) به دشمن پشت نمی‌کنند. واژه «فرار» و «گریز» را یاد ندارند. و تمام زخم‌ها را بر سینه و پیش رو دارند. و تا آخرین نفس دست از پرچم اسلام بر نمی‌دارند. پدید آورندگان انقلابند و عامل اصلی تداوم آن. خط شکن مقاومتند و افشاکننده منافق. اما باید پرسید که تعدادشان چقدر است؟ و در هر نهضتی چه مقدار یافت می‌شوند؟ و چقدر باید همه امکانات و عوامل را بکار گرفت تا اینگونه از اُسوه‌های تقوی و مبارزه را تربیت نمود؟ [صفحه ۱۹۲] راستی اگر این گروه فراوان بودند؟ و در صحنه سیاسی حضور داشتند؟ می‌گذاشتند: دختر پیامبر شلاق بخورد. و حق مسلم او غصب گردد؟ با سیری در تاریخ نهضت‌ها، و بررسی علل پیروزی و شکست آنها، به این واقعیت می‌رسیم که پیروزی انقلاب‌های بشری یا الهی، به ایثارگری و شهادت‌طلبی و آرمان‌خواهی این گروه مربوط می‌شود و شکست نهضت‌ها نیز به کمی نفرت و شهادت یا کنار زدن همین دسته از یاوران آگاه، ارتباط پیدا می‌کند و هزاران افسوس که همواره تعدادشان اندک است. که فرمودند: «إِذْ تَدَّ النَّاسُ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٌ» [۷۲]. و این گل‌های سرخ همیشه معطر بوستان تاریخ، و الگوهای همیشه استوار بشریت، در هر خانواده‌ای و قوم و قبیله‌ای جوانه نمی‌زنند، غالباً از طبقات محروم و مستضعف جوامع بشری می‌درخشند و از نفوذ و قدرت و سرمایه زورمندان و قدرت‌طلبان و رفاه‌زدگان، بی‌بهره‌اند. در زمین گمنام و در آسمانها معروفند. اگر نگاه کوتاهی به حوادث پس از پیامبر (ص) بیافکنیم می‌بینیم که این گروه: یا برده آزاد شده‌اند «چون بلال». و یا کارگر ساده‌اند «مانند مقداد و سلمان». در مقابل، صاحبان زور و زر، که اگر برخیزند قبیله ۱۰ یا ۱۵ هزار نفری آنان برمی‌خیزند و باغ و املاک و سرمایه‌های کلان دارند، بر ضد [صفحه ۱۹۳] خط رسول خدا و عترت و امامت برخاستند

[۷۳]. و همه امکانات خود را در اغفال و انحراف امت اسلامی بکار گرفتند. دیگر با بال‌های شکسته. مگر می‌شود پرواز کرد؟ [۷۴]

[صفحه ۱۹۴] و با کمی یاران و نفرات. مگر ممکن است مقاومت نمود؟ اینجا بود که عترت رسول خدا (ص) حفظ اسلام و قرآن را بر جان خویش مقدم داشتند و همه مصیبت‌ها را به جان خریدند که حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: «وَيَلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ» از این پس وای بر صبحی که در آن خورشید طلوع می‌کند. «مَاتَ الْعَمْدُ وَ هَنَ الْعُضْدُ» پناه من از دنیا رفت و بازویم سست شد. «شَكَوَايَ إِلَى أَبِي» شکایت من فقط با پدرم خواهد بود. «وَعَدَوَايَ إِلَى رَبِّي» و فقط از خدای تعالی یاری می‌طلبم. «اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ قُوَّةً وَ حَوْلًا» پروردگارا! حول و قوه تو از همگان فزونتر است. [صفحه ۱۹۵] «وَ أَحَدٌ بِأَسْوَ تَنْكِيلًا» و سخت‌ترین عذاب کنندگان و عقوبت کنندگانی. «آنگاه امیر مؤمنان (ع) فرمود: لَا وَئِلَ عَلَيْكَ» شایسته تو نیست که وای بر من بگوئی. «الْوَيْلُ لِمَنْ يَكُنْ» بلکه وای بر دشمنی که بر تو ستم نمود. «نَهْنَهِيَ عَنْ وَجْدِكَ يَا بَنَّةَ الصِّفْوَةِ» ای دختر برگزیده خدا خویشتن را از اندوه و غضب مانع شو. «وَبَقِيَّةُ الثَّبُوءِ» و ای باقیمانده نبوت. «فَمَا وَئَيْتُ عَنْ دِينِي» من در دینم هرگز سست نشده‌ام. «وَلَا أَخْطَأْتُ مَقْصُورِي» و از آنچه در حد توانائی من است مضایقه نمی‌نمایم. «وَمَا أَعَدَّ لَكَ خَيْرٌ مِمَّا قَطَعَ عَنْكَ» و در مقابل آنچه از تو قطع کرده‌اند بهتر آن را برایت آماده فرموده است. «فَاحْتَسِبِي اللَّهَ» پس برای خدا صبر کن (به خدا واگذار). «فَقَالَتْ. حَسْبِيَ اللَّهُ وَ أَمْسَيْتُ» فاطمه زهرا هم فرمود: خدا مرا کافی است (به خدا واگذارم) آنگاه ساکت شد. [صفحه ۱۹۷]

شک و تردید اجتماعی

اشاره

- ضرورت روح امیدواری - عوامل شک و تردید - افشاگری‌های حضرت زهرا (علیها السلام) [صفحه ۱۹۹] انسان امیدوار و مصمم، حرکت خود را از نقطه‌ای آغاز و تا رسیدن به هدف ادامه می‌دهد، تزلزل و اضطراب توقف و سکون در او راه ندارد. اما اگر شک کرد و دچار تردید و دودلی شد یا او را به شک و تردید کشانند. سرگردان می‌شود. توقف و یا عقب‌گرد می‌نماید. و یا راه خود را با اضطراب و تشویش ادامه می‌دهد و هر لحظه ممکن است خطری متوجه او شده به انحراف کشانده شود. یک جامعه انقلابی و امت راه یافته نیز چنین است، اگر حرکت اجتماعی ملت‌ها، با امید و ایده‌آل‌های ارزنده‌ای آغاز گردد، و موانعی پیش نیاید، سعادت فرد و جامعه تضمین خواهد شد. و آنگاه که راهزنان آلوده، و استعمارگران سلطه‌گر، جامعه‌ای را، حرکت اجتماعی امتی را، به تزلزل بکشانند. و شک تردید در دلها حکومت کند. [صفحه ۲۰۰] و مردم در تداوم انقلاب. دچار تردید شوند. و یا در حقانیت آن شک کنند. آرام آرام صحنه را خالی و انقلاب را بدون مدافعان دلسوز می‌گذارند و این خطر سیاسی، اجتماعی، همواره وجود خواهد داشت.

ضرورت روح امیدواری

امیدواری به فرد و جامعه اطمینان می‌بخشد. آرامش خاطر می‌دهد. و موتور محرک جامعه به شمار می‌آید. انسانها. بلکه همه موجودات هستی در نظام آفرینش، و تداوم دهندگان یک نهضت موفق، با نعمت امید و روح امیدواری زنده‌اند، و مشکلات را در آرزوی اهداف ارزنده تکاملی تحمل می‌نمایند و با انواع بلاها و مصیبت‌ها از حرکت و تلاش باز نمی‌ایستند. اگر فردی، جامعه‌ای امیدوار باشد، مقاومت می‌کند و تا آخرین قطره خون مبارزه را ادامه می‌دهد و تلخی‌ها را شیرین و سختی‌ها را به جان می‌خرد. از این رو پیامبران الهی و رهبران معصوم (ع) مردم را یا با وعده‌های قرآن. در رابطه با نعمت‌ها و ارزش‌های اخروی دلشاد می‌کردند. و قانونمندی نظام و پیروزی‌های دنیا را با دخالت امدادهای الهی تذکر می‌دادند. که با توجه به وعده‌های بحق پیک وحی، به انجام

وظیفه الهی، اجتماعی، انسانی خویش موفق گردند. و می‌بینیم که اَمّت اسلامی با کمی امکانات و نفرت. [صفحه ۲۰۱] با آموزش‌های حکیمانه و مدبرانه رسول خدا (ص). با ایمان و روح امیدواری و استقامت. و توجه به مقامات و درجات اخروی. به تمام مشکلات سیاسی، نظامی، اقتصادی غلبه کردند و انواع تهاجمات را از احزاب هم‌پیمان گرفته تا قبائل پر جمعیت آن روز، دفع نمودند که حضرت زهرا (علیها السلام) به پیروزی این دوران اشاره می‌فرماید: فَبَلَغَ بِالرَّسَالَةِ، صَادِعًا بِالْإِذَارَةِ «رسالت خود را رسانید و سر آغاز نبوت را به انداز آغاز کرد». مَائِلًا عَلَى مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ «راه خود را از پرتگاه مشرکان گردانید». صَارِبًا تَبَجُّهُمْ، أَخَذًا بِأَكْطَامِهِمْ «شمشیر بر فرق آنان نواخت گلوگاه آنان را گرفته و فشرد». دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ «و با زبان حکمت و موعظه حسنه آنان را به راه خدا دعوت کرد». يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ «بتها را درهم می‌شکست». وَ يَنْكُتُ الْهَامَ «سر سروران را منکوب می‌کرد». حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَلَّوْا الدَّبِيرَ «تا جمعشان منهزم شده، از میدان گریختند». حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُيُجِهِ «تا صبح صادق از زیر پرده شب بدر آمد». وَ أَشْفَرَ الْحَقَّ عَنْ مَخْضِهِ «و چهره حق از نقاب بیرون آمد و حق خالص جلوه گر شد». وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ «زمامدار دین به نطق درآمد». وَ خُرِسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ «عربده‌های شیاطین خاموش شد و آنان لال [صفحه ۲۰۲] شدند». وَ طَاحَ وَ شَيْطَ النَّفَاقِ «خار نفاق از راه برداشته شد». وَ انْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ «گره‌های کفر و شقاق از هم گشوده شده». وَ فَهَّتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ «و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد». فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ «در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند». وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ «و شما بر کناره پرتگاهی از آتش بودید». مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ «و مانند جرعه‌ای آب بودید (که به سادگی شما را می‌توانستند بنوشند) و آنقدر ضعیف بودید که هر کس طمع به چیزی داشت به سراغتان می‌آمد. وَ قُبِسَتْ الْعُجَالِ «و آتش زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌شد و نمی‌توانست جائی را روشن و گرم کند». وَ مَوَّطِی الْأَقْدَامِ «و لگد کوب شده روندگان و قدم‌ها». تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَفْتَاتُونَ الْقَدَمَ وَالْوَرَقَ «آب جاده‌ها را می‌آشامیدید، از پوست حیوانات و برگ درختان غذا می‌گرفتید». أَذْلَهُ خَاسِئِينَ «ذلیل شده و در کارها درمانده بودید». تَخَافُونَ أَنْ يَنْخَطِّكُمْ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ «می‌ترسیدید که مردمان اطرافتان شما را بربایند». فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ (ص) «تا خدای تعالی به دست محمد (ص) شما را نجاتتان داد». بَعْدَ اللَّتْيَا وَالَّتِي «بعد از چنین و چنان (بعد از حوادث زیادی که بر سر حضرت محمد (ص) آمد). [صفحه ۲۰۳] بَعْدَ أَنْ مَنَى بِهِمُ الرَّجَالِ «بعد از آنکه بلاهائی از دست مردمان کشید». وَ دُوبَانَ الْعَرَبِ «و از گرگ‌های عرب». وَ مَرَدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ «و از سرکشان اهل کتاب». كُلُّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ «هرگاه که آتش جنگ برافروختند خدا خاموشش فرمود». و در تداوم نهضت‌های اسلامی می‌نگریم که مردم با روح امیدواری به پیروزی اسلام و تحقق احکام دین نائل آمدند. و با امید به شهادت و مقامات اخروی در نهضت تنباکو، در برابر یورش نظامیان شاه ایستادند. و با اطمینان و جاذبه ایمان، نهضت ملی شدن نفت را تحقق بخشیدند. و با دست خالی در انقلاب اسلامی ایران در برابر شرق و غرب و انواع تهاجمات درونی و بیرونی، پنهان و آشکار، مقاومت نمودند.

عوامل شک و تردید

با بررسی نمونه‌های فراوان خطرات شک و تردید، به این نتیجه می‌رسیم که هرگاه جامعه‌ای، ملّتی شک کرد و دُودل شد، به انزوا و سکوت گرائید و همه ارزش‌های فراهم آمده سالها تلاش و مبارزه را از دست داد. و در حوادث تلخ و ناگوار پس از رسول خدا (ص) می‌بینیم که افراد سرشناس، اَمّت اسلامی را دچار شک و تردید نمودند. مردم را به مرز ناامیدی کشاندند. و در رابطه با حقایق عترت، و رهبری امام علی (ع) ایجاد شک و تردید کردند. [صفحه ۲۰۴] و با جوسازی‌ها و صحنه‌سازیهای فراوان، اهل بیت (ع) را به زیر سؤال بردند. و با انواع شایعات. تخم یأس و نفاق در دلها پاشیدند. و راه‌های انحرافی در برابر راه و رسم رسول خدا (ص) نشان دادند. وقتی مردم به مرز شک و تردید، یأس و ناامیدی کشانده شدند، دیگر در مسائل حیاتی جامعه دخالت نکردند، و

انقلاب را تداوم ندادند و انواع بدبختی‌ها دامنگیر امت اسلامی شد. در اینجا به برخی از عوامل شک و تردید و یأس و ناامیدی فرد و جامعه اشاره می‌کنیم. اول- پخش شایعات دوم- طرح سؤالات دروغین (می‌گفتند آیا اهل بیت معصومند؟ آیا خلافت و حکومت ارثی است؟ چرا نباید شورائی باشد؟ آیا فقط علی (ع) حق است؟) سوم- جعل حدیث با نام و یاد رسول خدا، احادیث دروغین، به رخ مردم می‌کشیدند که پیامبر فرمود (ما انبیاء ارث نمی‌گذاریم) [۷۵]. باید پرسید: اگر احادیث رسول خدا معتبر است پس چرا در رابطه با ولایت و رهبری امام علی (ع) احادیث پیامبر (ص) را نادیده گرفتند؟ چهارم- طرح تفسیرهای دروغین از قرآن و اسلام. پنجم- به زیر سؤال بردن لیاقت امام علی (ع) برای رهبری (گفتند علی (ع) جوان است، هستند کسانی که از او سیاستمدارتر باشند). [صفحه ۲۰۶] ششم- ترساندن از فتنه‌ها و تهدید کردن مردم (اگر با ابابکر بیعت نکنید فتنه‌ها پیاپی می‌شود و اسلام در خطر است). هفتم- جوسازی‌های شیطانی با دروغپردازی و تهدید و ارباب [۷۶]. هشتم- قدرت‌طلبی و انحراف افراد سرشناس مدینه که در انحراف افکار عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. نهم- سکوت و تطمیع و انزواگرایی جمعی از اصحاب رسول خدا (ص). دهم- ظاهر شدن خط نفاق چهره‌های سرشناسی که دلهای بسیاری از اقشار مردم را جذب کرده بودند و به عنوان نفوذی‌های فرصت‌طلب عمل می‌کردند. یازدهم- توقف و درجا زدن و خستگی یاران همراه. دوازدهم- کثرت و فراوانی مخالفانی که با همه اختلافات در نفی امام علی (ع) هم دست شده بودند. [صفحه ۲۰۸]

افشاگری‌های حضرت زهرا

اشاره

حضرت فاطمه (علیها السلام) در برابر عوامل شک و تردید ساکت نمی‌ماند و به افشاگری می‌پردازد ابتداء به انحراف و سیر ارتجاعی امت اسلامی اشاره می‌فرماید: فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ (ص) دَارَ أَنْبِيَائِهِ «تا آنکه خدا برای پیامبرش خانه انبیاء را برگزید». و می‌آوی آصِفِیَّائِهِ «و آرامگاه اصفیاء را». ظَهَرَتْ فِیْكُمْ حَسِیْکَةُ النِّفَاقِ «خار و خاشاک نفاق در شما ظاهر شد». و سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّینِ «جامه دین کهنه شد». وَ نَطَقَ کَاظِمُ الْغَاوِیْنَ «سر دسته گمراهان به سخن درآمد». و سپس به شتاب‌زدگی باطل اشاره می‌کنند. وَالْجُرُحُ لَمَّا یَنْدَمِلُ «دهن زخم هنوز به هم نیامده بود». وَالرَّسُولُ لَمَّا یَقْبِرُ «و پیغمبر هنوز به قبر سپرده نشده بود». اِبتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ «برای عمل خود بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیدیم». أَلَا: فِی الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِینَ «ولی به راستی که در فتنه افتادید و راستی که جهنم محیط بر کافران است». فَهَیْهَاتَ مِنْكُمْ! «خیلی دور بود این پیش افتادگی از شما».

افشای سیاست جعل حدیث

و در برابر جعل حدیث و ادعای غیر واقعی ابابکر و پخش شایعات آنها فرمودند: یَا بَنَ أَبِی قُحَافَةَ! «ای پسر ابی قحافه!». [صفحه ۲۰۹] أَفِیْ کِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاکَ وَ لَا ارِثُ أَبِی؟ «آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟!». لَقَدْ جِئْتَ شَیْئاً فَرِیّاً «عجب امر تازه و زشتی آورده‌ای». أَفَعَلِیْ عَمْدٍ تَرِکْتُمْ کِتَابَ اللَّهِ وَ تَبَدُّتُمُوهُ وَ رَأَیَ ظُهُورُکُمْ «آیا دانسته و به عمد کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید». اِذْ یَقُولُ: «آیا قرآن نمی‌گویید». وَ وَرِثَ سُلَیْمَانُ دَاوُدَ «سلیمان از داود ارث برد». وَ قَالَ- فِیْمَا اقْتَضَ مِنْ خَبَرِ زَکَرِیَّا- اِذْ قَالَ: «و در آیه دیگر آنجا که خبر زکریا را بازگو می‌کند». فَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً یَرِثْنِی وَ یَرِثْ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ «زکریا عرض کرد: پروردگارا مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و آل یعقوب ارث برد». وَ قَالَ: «و فرموده:» وَ اُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِی کِتَابِ اللَّهِ «خویشاوندان رحمی اولی به یکدیگرند». وَ قَالَ: «و فرموده:» یُوصِیْکُمُ اللَّهُ فِی أَوْلَادِکُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ لَلْأُنْثِیْنِ «خدای تعالی به شما درباره اولاد وصیت می‌فرماید که برای پسر دو برابر بهره دختر است». وَ قَالَ: «و می‌فرماید:» اِنْ

تَرَكَ خَيْرًا لِّلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ «یعنی هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده است اینکه وصیت کنید برای والدین و نزدیکان، حکمی است حق برای متقین». وَ زَعَمْتُمْ أَنَّ لَكُمْ لِحَظَةً لِّي وَلَا أَرْتُمْ مِنْ أَبِي؟ «و شما گمان می‌برید که مرا [صفحه ۲۱۰] بهره‌ای نیست و سهمی از ارث پدرم ندارم؟». أَفَحَصَّيْكُمْ اللَّهُ بِأَيِّهِ أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي؟ «آیا خدا شما را مخصوص آیه‌ای فرمود که پدرم را از آن بیرون کرده؟». أَمْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ «آیا آنکه می‌گوئید اهل دو کیش از یکدیگر ارث نمی‌برند؟». أَوَلَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ «و یا من و پدرم را اهل یک کیش نمی‌دانید؟». أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصْيَةِ وَصِ الْقُرْآنِ وَ عَمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ «و یا شما به خصوص و عموم قرآن از پدر و عموزاده من داناترید؟». فَدُونَكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ «اینک این تو و این شتر. شتری مهارزده و رحل نهاده شده برگیر و ببر». تَلَقَّاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ «با تو در روز رستاخیز و حشر ملاقات خواهد کرد». فَنِعْمَ الْحَكَمُ اللَّهُ «چه نیکو داوری است خدا». وَالزَّعِيمُ مُحَيَّدٌ (ص) «و نیکو دادخواهی است محمد (ص)». وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةِ «و چه خوش وعده گاهی است قیامت». وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَحْشُرُ الْمُبْطِلُونَ «در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند». وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَتَذَمُّونَ «و آن وقت دیگر ندامت و پشیمانی شما را سودی نرساند». وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُّسْتَقَرٌّ، فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يُحْلِلْ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ «و برای هر خبری قرار گاهی است پس خواهید دانست که عذاب خواری افزا بر سر چه کسی فرود خواهد آمد و عذاب همیشگی بر چه کسی حلول خواهد [صفحه ۲۱۱] نمود».

هشدار به تشنگان قدرت

سپس به قدرت‌طلبانی که برای رسیدن به حکومت، امت اسلامی را اغفال کردند و به سکوت و انزوا کشاندند هشدار می‌دهد که: فَدُونَكُمْوَمَا فَاحْتَقَبُوهَا ذَبْرَةَ الظَّهْرِ «پس خلافت را بگیرید ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است» [۷۷]. نَقِيبَةُ الْخُفِّ «و پای آن تاول کرده و سوراخ است». بَاقِيَةُ الْعَارِ «عار آن باقی است». مَوْسُومِيَّةٌ بَعْضُ اللَّهِ «و نشان از غضب خدا دارد». وَ شَنَارِ الْآبِيدِ «و ننگ ابدی». مَوْصُولُهُ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْآفِتَةِ «و هر که آن را بگیرد فردا به آتش فروزان خدا که بر قلب‌ها احاطه می‌یابد، خواهد رسید». [صفحه ۲۱۴] فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ «آنچه می‌کنید در برابر چشم خداست». وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ «به همین زودی آنان که ستم کردند خواهند دانست که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت». وَ أَنَا إِنَّهُ نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ عَذَابٍ شَدِيدٍ «و من دختر آنکس هستم که شما را از در پیش بودن عذاب دردناک خبر داد». فَأَعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ «پس شما هر چه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم و شما منتظر بمانید که ما هم منتظر خواهیم ماند».

استدلال‌های محکم در برابر ادعای دروغین خلیفه

سران سقیفه برای نفوذ در مردم از سیاست «مذهب علیه مذهب» استفاده نموده و با نام حدیث و روایت در برابر دختر رسول خدا صف‌آرایی کردند، و به اسم طرفداری از اسلام، به انزوای اسلام رسول خدا کوشیدند، و مردم را به شک و تردید کشانده، اهل بیت و عترت رسول خدا را تنها گذاشتند. اینجاست که دختر رسول خدا به افشاگری پرداخته با استدلال‌های قوی از قرآن کریم، مدعیان شعار (حسبنا کتاب الله) را محکوم و بکلی قدرت پاسخگوئی را از آنها سلب فرمود و در برابر پخش شایعات حکومت کودتائی سران سقیفه فرمود: فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: «فرمود»: سَبِّحَانَ اللَّهِ! «سبحان الله!». مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ كِتَابِ اللَّهِ، صَادِفًا «پیامبر اکرم از کتاب خدا رویگردان نبود». وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا «و مخالف احکام قرآن کریم نمی‌فرمود». [صفحه ۲۱۵] بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ آثَرَهُ «پیوسته او پیرو قرآن بود». وَ يَقْفُو سُورَهُ «و در قفا و پشت سوره‌های آن راه می‌پیمود. (هرگز از قرآن تخطی نمی‌نمود). أَفَتَجْمَعُونَ إِلَى الْغَدْرِ إِعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ؟ «آیا می‌خواهید علاوه بر غدر و مکر چیزی هم به زور به او ببندید؟». وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بُعِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ «این کار بعد از وفات شبیه است به آن دامها که برای هلاک او در زمان حیاتش گسترده شد». هذا

کِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا «اینک این کتاب خدا بین من و شما حکم عادل»، وَ نَاطِقًا فَضِيلًا «و ناطق قطعی به حق و باطل است که». يَقُولُ: «می‌گوید:» يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ «زکریا از خدا خواست به من فرزندی عنایت فرما که از من و آل یعقوب ارث برد». وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ «و باز فرماید: سلیمان از داود ارث برد». فَبَيَّنَ (عَزَّ وَ جَلَّ) فِيمَا وَزَعَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَقْسَاطِ «خداوند متعال بیان روشن در آنچه از سهمیه‌ها قرار داده». وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ «و از فریضه‌ها و سهمیه میراث». وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكْرَانِ وَالْإِنَاثِ «و آن بهره‌هایی که از برای مردان و زنان مقرر فرموده به قدری توضیحات کافی داده». مَا أَزَاخَ عَلَ الْمُبْطِلِينَ «که بهانه‌های اهل باطل را بر طرف نموده». وَ أزالَ التَّنْظِي وَالشَّجَهَاتِ فِي الْغَايِبِينَ «و مجال گمان و شبهه برای احدی تا قیامت باقی نگذاشته است». [صفحه ۲۱۶] كَلَّا، بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً، فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ. «نه چنین است بلکه (کلام خود را با آیه قرآن به انجام می‌رسانند، یعقوبی که مصیبت زده است و یوسفش را از دست داده گوید) گرگ او را نخورده ولی هواها و ساخته‌های نفسانی شما برای شما راهی پیش پایتان نهاده پس مرا صبر باید صبری جمیل، و خدا بر آنچه اظهار می‌کنید یاور ماست». - افشای سیاست تفسیرهای دروغین از قرآن و اسلام پس از افشای قدرت‌طلبان و محکوم کردن مدعیان و احادیث دروغین، سیاست تفسیرهای دروغین از قرآن و اسلام را مورد ارزیابی قرار داده و از عاقبت دردناک آن هشدار می‌دهد. آنگاه حضرت صدیقه به سوی مردم توجه کرده و فرمود: مَعَاشِرَ النَّاسِ! «ای مردمان!». الْمُسْرِعَةُ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ «که برای شنیدن حرف بیهوده شتابانید». الْمُغْضِيَةُ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ «و کردار زشت زیان‌آور را نادیده می‌گیرید». أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟ «آیا در قرآن نمی‌اندیشید یا آنکه بر دلها مهر زده شده؟». كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَصَاتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ «خیر، بلکه آنچه از اعمال زشت انجام داده‌اید تیرگی بر دل‌های شما زده است». فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ «و گوش‌ها و چشم‌هایتان را فراگرفته است». وَ لَبِئْسَ مَا تَأُولُتُمْ «بسیار بد مال‌اندیشی کردید و آیات قرآن را تأویل نمودید». [صفحه ۲۱۷] وَ سَاءَ مَا بِهِ اشْرَأْتُمْ «و بد راهی به او نشان دادید». وَ شَرَّ مَا مَنَّهُ اعْتَصَمْتُمْ «و بد معاوضه شر کرده‌اید». لَتَجِدَنَّ وَاللَّهُ مَحْمِلَهُ ثَقِيلًا «به خدا قسم تحمل این بار برایتان سنگین». «وَ غَبَهُ وَبَيَّلًا» «و عاقبت آن برایتان پر از وزر و وبال خواهد بود». «إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغُطَاءُ وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ» «و وقتی که پرده برای شما برداشته شود و زین‌های این امر برایتان روشن گردد». وَ يَدُ الْكُفْمِ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ «و آنچه را که حساب نمی‌کردید بر شما آشکار گردد». وَ خَسِرَ هُنَا لِكِ الْمُبْطِلُونَ «آنجاست که به راه باطل روندگان، زیانکار گردند [۷۸]. [صفحه ۲۱۹]

انتقام و کینه توزی‌های خط نفاق

اشاره

- دوستان و دشمنان انقلاب - روانشناسی مردم جاهلی - پیدایش فرصت‌ها [صفحه ۲۲۱]

دوستان و دشمنان انقلاب و اسلام

انقلاب یعنی تغییر و دگرگونی، حرکت و جهش به سوی اهداف تکاملی، زیر و رو شدن ارزش‌ها، دگرگونی معیارها! و انجام اصلاحات ضروری و حیاتی در فرد و جامعه، از این رو در هر نهضت و انقلابی با: - انجام اصلاحات ضروری. - مبارزه با تبعیض و نابرابری. - مجازات ستمگران و فاسدان. - اصلاح و سازندگی بدکاران. - اجرای عدالت اجتماعی. - محاکمه و مجازات جنایتکاران. - بازجویی و کنترل سرمایه‌داران. - بیرون کردن و طرد عوامل فساد. - اعدام «مفسدین فی الارض» و متجاوزین به جان و مال و ناموس مردم. [صفحه ۲۲۲] - مبارزه با ارزش‌های جاهلی و طاغوتی. - جلوگیری از آزادیهای کاذب و بی‌بند و باریها. دوستان و دشمنان فراوانی برای انقلاب و رهبران اصیل نهضت‌ها پدید خواهند آمد و تداوم حرکت انقلاب را تهدید خواهند کرد،

با پیشرفت روزافزون انقلاب اسلامی، دوستان و طرفداران صادق، هر روز دلگرم و امیدوار می‌گردند، و مشکلات و سختی‌ها را بجان می‌خرند. ولی در دشمنان، آتش نفاق و حسادت و کینه‌توزیها، شعله‌ور می‌گردد و در فکر نقشه‌های شیطانی و پنهانی، روزگار می‌گذرانند. هرگاه بتوانند، ضربه وارد می‌کنند، رو در روی انقلاب می‌ایستند، تحریک می‌کنند تضعیف می‌نمایند. یا با برخورد غیر مستقیم، دست از کارشکنی‌ها برنمی‌دارند، با اعتصاب، کم‌کاری، مخالفت، جوسازی، پخش شایعات، جنگ روانی در نابودی نهضت می‌کوشند و اگر مزدوری اَبَرقدرتی، یا کشوری را بپذیرند. امکانات لازم شورشگری‌ها، کودتاها را در اختیارشان می‌گذارند و به خیانت و پیمان‌شکنی رضایت می‌دهند. و اگر امکانات یاد شده را نداشته باشند در برابر رشد و حرکت تکاملی نهضت، باز هم ناامید نمی‌شوند. روزشماری می‌کنند تا انتقام بگیرند، ضربه‌ها را به خیال شیطانی خود جبران کنند. دشمنان نهضت، کاری به حق و باطل ندارند، برای آنها فرق نمی‌کند که طاغوت حکومت کند یا پیامبر (ص)، چون مادی و بی‌تفاوت و رفاه‌زده می‌باشند، با معیارهای مادی، اقتصادی همه چیز را می‌خواهند تحلیل نمایند. نظامی را می‌پذیرند که آزاد باشند و هر چه می‌خواهند انجام دهند، [صفحه ۲۲۳] و تمام دزدی‌ها و رابطه‌بازیها و رشوه‌خواری‌ها و مفاسد اخلاقی آنان، برقرار باشد. پس از انقلاب، چون محدود شدند ناراحتند. و چون منافعشان در خطر جدی قرار گرفته است انواع عقده‌ها و کینه‌ها را به دل می‌گیرند، دشمنان منتظر فرصت انقلاب: - آتش‌های زیر خاکسترند. - آب زیر کاهند. - مخالفین بالقوه نهضتند. گرچه ظاهراً مطرح نیستند، به چشم نمی‌آیند، و گاهی همراهی و هم‌نوائی نیز دارند، امّا از آنها نباید غفلت کرد، و زمینه رشدشان را فراهم نمود. در برابر انواع مخالفت‌ها و دشمنان شکست خورده، اگر انقلاب هر روز به حرکت تکاملی خود تداوم بخشد، دندان طمع فرصت‌طلبان کنده خواهد شد. امّا اگر تضعیف گردد، دچار مشکلات جدی شود. امیدوار می‌شوند. به صحنه می‌آیند. خود را عرصه می‌دارند. و با هر روش و امکانات لازمی ضربه می‌زنند تا انتقام بگیرند. پیامبر گرامی اسلام در این رابطه هشدار دادند: اِنِّی لَا اُخَافُ عَلٰی اُمَّتِیْ مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِکًا، اَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللّٰهُ بِاِيْمَانِهِ، وَ اَمَّا الْمُشْرِکُ فَيَقْمَعُهُ اللّٰهُ بِشُرِّکِهِ، وَلَکِنِّیْ اُخَافُ عَلَیْکُمْ کُلَّ [صفحه ۲۲۴] مُنَافِقِ الْجَنَانِ عَالِمِ اللّٰسَانِ یَقُولُ مَا تَغْرِفُونَ وَ یَفْعَلُ مَا تُنْکِرُونَ. (من بر امت اسلام از مؤمن و مشرک نمی‌ترسم، چرا که مؤمن ایمانش او را باز می‌دارد، و مشرک را خداوند به وسیله شرکش نابود می‌سازد، لکن از خطر منافق بر امت خویش می‌هراسم، آنها که در دل نفاق پنهان دارند و در زبان، دانا و گویایند، سخنانی می‌گویند دل‌پسند ولی اعمالی دارند زشت و ناپسند) [۷۹]. و امام علی (ع) در رابطه با دشمنان کینه‌جوی منافق فرمودند: وَ اَحْذَرُکُمْ اَهْلَ التَّفَاقِ فَإِنَّهُمْ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ، وَ الزَّالُونَ الْمُزِلُّونَ، یَتَلَوْنَ اَلْوَانَ، وَ یَفْتَنُونَ اِفْتِنَانًا وَ یَعْمِدُونُکُمْ بِکُلِّ عِمَادٍ وَ یَرْضِیْوُنَکُمْ بِکُلِّ مِرْصَادٍ. (شما را از منافقان برحذر می‌دارم، زیرا آنها گمراه و گمراه‌کننده‌اند، خطاکار و عامل انحراف و خطاکاری دیگرانند، به رنگهای گوناگون بیرون می‌آیند و به قیافه‌ها و زبان‌های متفاوت خودنمایی می‌کنند، از هر وسیله‌ای برای فریفتن و درهم شکستن شما استفاده می‌کنند و در هر کمینگاهی منتظر ضربه زدن شما نشسته‌اند) [۸۰].

روانشناسی مردم جاهلی

در تحلیل سیر ارتجاعی مردم پس از رسول خدا (ص)، و زنده شدن دوباره ارزش‌های جاهلی، و مطرح شدن ظلم‌ها و ستمکاری‌ها، و انزوا و سکوت و ناامیدی مردم، شناخت روحیات مردم و روانشناسی اجتماعی تظاهر کنندگان به اسلام ضروری است. باید دید چه کسانی در انقلاب اسلامی ضربه خورده‌اند؟ [صفحه ۲۲۵] و حکومت و قدرت‌طلبی کدام جناح سیاسی به خطر افتاد؟ و علل و عوامل حسادت‌ها، کینه‌توزی‌ها، انتقام‌جوئی‌ها، کدامند؟ پس از ظهور اسلام و شکست دشمنان دین، و استقرار حکومت قرآن، حوادث مهمی در جامعه آن روز عربستان تحقّق یافته است: حکومت مستبدانه سران بنی‌امیه از بین رفت. یهودیان منتظر فرصت، شکست خورده، تار و مار شدند. برده‌داران بزرگ منافعشان در خطر جدی قرار گرفت. زمین‌های زمیخواران، مصادره و تقسیم

گردید. شجاعان و زورمندان عرب در برابر شجاعت و ایثارگری امام علی (ع) مغلوب گردیدند، به خاک افتادند. که خود فرمود: *أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّغَرِ بَكْلًا لِكُلِّ الْعَرَبِ، وَكَسَرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونٍ رَبِيعَةً وَ مَضَرَ* «من در دوران نوجوانی بزرگان و شجاعات عرب را به خاک افکندم و شاخه‌های بلند درخت قبیله «رَبِيعَة» و «مَضَرَ» را در هم شکستم» [۸۱]. و در نامه‌ای به معاویه نوشتند: *وَقَدْ دَعَوْتُ إِلَى الْحَرْبِ... فَأَنَا أَبُو حَسَنِ قَاتِلُ جَدِّكَ وَأَخِيكَ وَ خَالِكَ شَدْخًا يَوْمَ بَدْرٍ وَ ذَلِكَ السَّيْفُ مَعِي، وَ بِذَلِكَ الْقَلْبُ أَلْقَى عَدُوِّي* [۸۲]. (در نامه‌ات مرا به جنگ دعوت کرده‌ای... من ابوالحسن درهم کوبنده جد و برادر و دایی تو در روز جنگ بدر می‌باشم، و همان شمشیر با من است و با همان قلب پرتوان با دشمن روبرو می‌گردم). [صفحه ۲۲۶] - سران قبائل ظالم و مستبد، ذلیل و خوار شدند. - خدایان دروغین آنان با دست علی (ع) شکسته و نابود گردیدند. - فاسدان و هرزه‌گردها. شلاق خوردند. - قاتلان و متجاوزان به حریم جان و مال و ناموس مردم، اعدام شدند. - در نتیجه، زمینه‌های عقده‌ها، حسادت‌ها، کینه‌توزی‌ها فراهم شد. - آنها که منافعشان در خطر قرار گرفت. - آنها که زمین‌های بزرگشان تقسیم شد. - خید خوردها و مجازات شدگان باند فساد و فحشاء. - محروم ماندگان از رفاه و آسایش و لذت‌جویی‌ها. - خانواده‌های کشته شدگان در جنگ. - وابستگان و نزدیکان اعدامی‌ها. (مانند عثمان که عموی واجب‌القتل او را از خانه‌اش بیرون کشیده و اعدام کردند). - قدرت‌طلبانی که بر قبیله خود حاکمیت طاغوتی داشتند و هم‌اکنون دستشان کوتاه شد. اینها و دیگر گروه‌های ناراضی و ضد انقلاب، منتظر فرست بودند تا انتقام بگیرند، و با بی‌صبری برای وفات رسول خدا دقیقه شماری می‌کردند با اینکه تلاش فراوان کردند تا عقده‌های دل را نگشایند اما با مطرح شدن دوباره علی (ع) و حکومت اهل بیت (ع)، نتوانستند تحمل نمایند و در حضور پیامبر (ص) تهاجم را آغاز کردند که: «احتیاجی به قلم و دوات و نوشتن وصیت‌نامه مجدد نیست». [صفحه ۲۲۷] و شعار دادند «حَشْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» [۸۳]. هنوز جنازه پیامبر (ص) بر زمین مانده بود که با شتابزدگی، سقیفه آنچنانی را با رأی تعداد اندکی از طرفداران، سازماندهی کردند، و سپس با کودتای نظامی، همه عقده‌ها را گشودند. [صفحه ۲۲۸] آتش زدن خانه علی (ع) و فاطمه (علیها السلام)، نوعی عقده‌زدائی، انتقام‌گیری، و سیلی زدن حضرت زهرا (علیها السلام) نوعی محک سیاسی بود که می‌خواستند عکس‌العمل آن را بدانند. دستی که از حکومت مستبدانه بر قبیله‌اش. با ظهور اسلام و رهنمودهای پدر فاطمه (علیها السلام) کوتاه شد و منافعش سالها در خطر بود، هم‌اکنون سیلی بر صورت یگانه دخت پیامبر می‌نوازد و همه عقده‌ها را یکجا و رسوا تخلیه می‌کند. انتقام‌جویی و عقده‌زدائی را در همه حوادث پس از پیامبر می‌توان دید از یورش ابوسفیان تا فرمان تهاجم ابوبکر (به خانه علی (ع)). از شیبخون خالد تا آتش زدن درب خانه فاطمه (علیها السلام). از شمشیر منافق نفوذی تا توطئه یهودیان خیبر. از جگر به دندان گرفتن هنده در اُحد، تا تیرباران جنازه امام مجتبی به فرمان عائشه. از اولین سیلی عمر، تا قتل و غارت کربلا. از آغازین اهانت اهل سقیفه، تا آخرین اسارت‌ها. همه جا دست پنهان انتقام شیطانی به چشم می‌خورد. آنها که علی (ع) را نمی‌خواستند و برای علی (ع) رأی نمی‌دادند. از اجرای قانون و شدت عدالت او گریزان بودند. از ویژگی‌ها و سلحشوری‌های علوی بیمناک و هراسان بودند. از فضائل معنوی آن حضرت حسادت‌ها و در دل نهفته داشتند. از پیشروی و مقاومت و شجاعت و دشمن ستیزی امام، عقده‌ها در دل نهفته، و بغض‌ها در گلو پنهان داشتند که در روز عاشورا در جواب امام [صفحه ۲۲۹] حسین (ع) که پرسید «ما چه گناهی مرکب شدیم که ریختن خون ما را واجب می‌شمارید». پاسخ دادند: *بُغْضًا لِأَيِّكَ* (به خاطر کینه‌هائی که از پدرت علی (ع) در دل داریم). حضرت زهرا (علیها السلام) در تحلیل حوادث ناگوار پس از رسول خدا (ص) و ارزیابی انواع تهاجمات و یورش‌ها به زیان امام علی (ع)، را کینه‌توزی‌ها و انتقام گرفتن و فرصت‌طلبی دشمنان اسلام در جمع زنان مهاجر و انصار مطرح می‌فرمایند [۸۴]. *وَمَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ؟ نَقَمُوا مِنْهُ وَاللَّهِ نَكِيرَ سَيِّفِهِ، وَقَلَمَ مَبَالِغَتِهِ بِحَتْفِهِ، وَشِدَّةَ وَطْأَتِهِ وَنَكَالَ وَقَعْتِهِ وَتَنْمُرَهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.* (چه باعث شد که با کینه‌توزی از علی (علیه السلام) انتقام بگیرند؟ آری او را سرزنش کردند چون شمشیر علی در راه خدا، خویش و بیگانه و شجاع و ترسو نمی‌شناخت، و چون علی (ع) نسبت به مرگ بی‌اعتنا بود و نمی‌ترسید. [صفحه ۲۳۱] چون با دشمنان اسلام سخت مبارزه می‌کرد و فقط در راه

خدا غضبناک می‌شد و این صفات منافقان رفاه‌زده را خوش نمی‌آید [۸۵]. و در مسجد، رو در روی، کینه‌توزان منافق فرمود. ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثٍ أَنْ تَشْكُنَ نَفَرْتُهُا «سپس آنقدر درنگ نکردید که این دل‌رمیده آرام گیرد». وَ يَسْلَسُ قِيَادُهَا «و کشیدن افسار آن سهل گردد». ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَقَدْتَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمَرَتَهَا «پس آتش گیره‌ها را افروخته‌تر می‌کردید و دامن به آتش می‌زدید تا آتش را شعله‌ور کنید». وَ تَشَجِّبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ «برای اجابت کردن بانگ شیطان گمراه آماده بودید». وَ أَطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ «و برای خاموش نمودن انوار دین روشن خدا». وَ إِحْمَادِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ «و افسرده کردن و ضعیف نمودن سُننِ نبی برگزیده خدا». تَسْتُرُونَ حَسَوًّا فِي ارْتِغَاءٍ «به بهانه کف گرفتن، شیر را زیر لب پنهان می‌خورید». وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ «و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته‌اید» [۸۶].

پیدایش فرصتهای مناسب برای خط نفاق

منافقان شکست خورده، و مشرکین تسلیم شده، و آنان که در ظهور اسلام و تداوم حکومت قرآن ناراضی و ناراحت بودند، چاره‌ای جز سکوت [صفحه ۲۳۲] و نقشه‌های پنهانی نداشتند، به خود جرأت برخورد مستقیم را نمی‌دادند و در برابر پیروزی‌های روزافزون اسلام به خط یأس و ناامیدی کشانده شده و اُفق آینده را تاریک می‌پنداشتند. اما روزی که: به بهانه اسلام ابابکر: انواع تهاجمات مطرح شد. و به نام دفاع از خلیفه رسول خدا! به حرمت حریم پیامبر (ص) تاختند. و با نام استقرار نظم و قانون در مدینه، بر بازوی حضرت زهرا (علیها السلام) شلاق نواختند [۸۷]. عناصر ضد انقلاب امیدوار شدند. به صحنه آمدند. کمک کردند. از پشت خنجر زدند. آب به آسیاب کودتاگران ریختند و گفتند: [صفحه ۲۳۴] «علی نباشد، هر کس می‌خواهد حکومت کند». «اهل بیت (ع) مطرح نشوند ما با هر باند و حکومتی کنار خواهیم آمد». مخالفان ضربه دیده، به تنهایی نمی‌توانستند علیه اسلام و مسلمین برخیزند. امکانات لازم را برای انتقام‌گیری نداشتند. جرأت و جسارت ضربه زدن را در خود نمی‌دیدند. از نیروهای مدافع اسلام هراسان بودند. اما روزی که شعله‌های آتش درب خانه علی (ع) را دیدند. و سرهای بریده مالک را. و صورت کبود شده فاطمه را. و کشتار و غارت دوباره را. و انزوای پاسداران و مدافعان اسلام و قرآن را. و یورش کودتاگران و اجتماع منافقان نفوذی را. دلگرم شدند دست به شمشیر بردند، و انتقام دیرینه را گرفتند و هر چه خواستند کردند [۸۸]. [صفحه ۲۳۵] اینجا است که امام علی (ع) در برابر سختی‌ها و انتقام‌جویی‌های خونین قریش به خدا شکوه می‌کنند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْدِیْکَ عَلٰی قُرَیْشٍ وَ مَنْ اَعَانَهُمْ، فَانَّهُمْ قَدْ قَطَعُوا رَحِمِیْ، وَ اُكْفَوْا اِنَائِیْ، وَ اَجْمَعُوا عَلٰی مُنَازَعَتِیْ حَقًّا کُنْتُ اَوَّلٰی بِهٖ. (بار خداوند! من در برابر قریش و همدستان آنان، از تو استمداد می‌جویم و شکایت می‌کنم، آنها پیوند خویشاوندی مرا قطع کردند و پیمان‌ه حَقَم را واژگونه ساختند و همگی برای مبارزه با من در مورد حَقِّی که به آن سزاوارترم، اجتماع کردند) [۸۹]. اینجا است که شاعر دلسوخته می‌گوید: منافقین که با هم عهد نفاق بستند وقت دفاع اسلام در خانه‌ها نشستند دل از خدا بریدند فرق علی شکستند شیرازه جهان را با قتل او گسستند

پاورقی

[۱] مانند ابن ابی‌الحدید و عبدالفتاح عبدالمقصود و محمد عبده. [۲] [۳]. **historisme**] کتاب اصول کمونیزم ص ۱۹ نوشته انگلیس. و ماتریالیسم دیالیک تیک ص ۹ و ۱۹ و ۲۵ نوشته دکتر ارانی. و. منتخبات آثار مارکس ج ۱ ص ۲۶۹. و. کتاب سرمایه ص ۵۵۰ نوشته مارکس. [۴] سوره انسان آیه ۳. [۵] سوره نساء آیه ۷۸. [۶] خطبه حضرت زهرا در مسجد مدینه که در منابع زیر آمده است. ۱. کتاب الشافی ص ۲۳۱، تألیف سید مرتضی، متوفای ۴۳۶ هجری ۲. کتاب طرائف ص ۲۶۳، تألیف سید بن طاووس، متوفای ۶۶۴ هجری ۳. کتاب معانی الاخبار ص ۳۵۴، تألیف شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هجری ۴. کتاب سقیفه، تألیف جوهری، متوفای ۳۹۳ هجری ۵. کتاب شرح ابی‌الحدید ج ۱۶ ص ۲۳۶، تألیف ابن ابی‌الحدید، متوفای ۶۵۶ هجری ۶. کتاب کشف الغمّه ج ۱

ص ۴۹۲، تألیف اربلی، متوفای ۶۸۹ هجری ۷. مروج الذهب ج ۲ ص ۳۱۱، تألیف مسعودی، متوفای ۳۴۶ هجری ۸. کتاب احتجاج ج ۱ ص ۱۴۷، تألیف طبرسی، متوفای ۵۸۸ هجری ۹. کتاب بلاغات النساء ص ۱۹، تألیف ابن ابی طاهر مروزی، متوفای ۲۸۰ هجری ۱۰. کتاب مناقب، تألیف ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ هجری ۱۱. کتاب بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۵۸، تألیف علامه مجلس، متوفای ۱۱۱۰ هجری ۱۲. بحار الانوار ج ۸ ص ۱۱۴، تألیف علامه مجلس، متوفای ۱۱۱۰ هجری ۱۳. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶ ص ۲۳۴، متوفای ۶۶۵ هجری ۱۴. دلائل الامامة ص ۴۰ و ۴۱، طبری، متوفای ۴۰۰ هجری ۱۵. لسان العرب ماده «لم»، ابن منظور ۱۶. اهل البيت (ع) ص ۱۵۷، استاد توفیق أبو علم ۱۷. اعلام النساء ج ۴ ص ۱۱۶، عمر رضا کحاله ۱۸. النص والاجتهاد ص ۱۰۶ و ۱۰۷، سید شرف الدین ۱۹. الدرّة البيضاء ص ۱، محمد تقی الرضوی ۲۰. المراجعات ص ۱۰۳، سید شرف الدین ۲۱. نهایه ابن اثیر (در ترجمه لغت لّمه)، ابن اثیر جزری، متوفای ۶۳۰ هجری ۲۲. کتاب الفدک، جوهری، متوفای ۳۹۳ هجری ۲۳. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، متوفای ۴۸۴ هجری ۲۴. تذکره الخواص، سبط بن الجوزی، متوفای ۶۵۴ هجری ۲۵. کتاب لثالی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ هجری ۲۶. مختصر تنزیه الشریعه، علی بن محمد بن العراق ۲۷. فائق اللغة (در ماده لّمه و هنبشه) زمخشری ۲۸. الفاظ الکتابه (قسمتی از خطبه)، عبدالرحمن بن عیسی شافعی ۲۹. تاریخ الکامل (قسمتی از خطبه)، ابن اثیر، متوفای ۶۰۶ هجری ۳۰. لمعه البيضاء ۳۱. تاریخ یعقوبی (قسمتی از خطبه)، احمد بن ابی یعقوب، متوفای ۲۹۲ هجری ۳۲. کتاب أمالی، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هجری ۳۳. علل الشرایع، باب ۱۸۲، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هجری ۳۴. من لا یحضره الفقیه (باب معرفت کبائر)، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هجری ۳۵. کتاب مجالس، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هجری ۳۶. مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، متوفای ۳۵۶ هجری ۳۷. تلخیص الشافی ج ۳ ص ۱۳۹، شیخ طوسی ۳۸. مقتل خوارزمی ص ۷۷ ۳۹. کشف الغمه ج ۲ ص ۴۰، مرحوم اربلی ۴۰. کشف المحجّه ص ۱۲۴، سید بن طاووس خطبه ناتمام زهرا کرد کار شمشیر خون فشان علی (ع) خواست نفرین کند که زهرا را داد مولی قسم به جان علی (ع) «مجاهدی». [۷] حدیث اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ الثَّقَلِیْنِ کِتَابَ اللّٰهِ وَ عَثَرْتِی. ۱. صحیح ترمذی ج ۵ ص ۳۲۸ و ج ۱۳ ص ۱۹۹: محمد بن عیسی ترمذی متوفای ۲۷۹ هجری ۲. نظم درر السمطین ص ۲۳۲: زرنندی حنفی ۳. ینابیع الموده ص ۳۳ و ۴۵: فندوزی حنفی ۴. کنز العمال ص ۱۵۳ ج ۵۱. تفسیر ابن کثیر ج ۴ ص ۱۱۳: اسماعیل بن عمر متوفای ۷۷۴ هجری ۶. مصابیح السنّه ج ۱ ص ۲۰۶ و ج ۲ ص ۲۷۹. جامع الاصول ج ۱ ص ۱۸۷. ابن اثیر متوفای ۶۰۶ هجری ۸. المعجم الکبیر ص ۱۳۷. طبرانی متوفای ۳۶۰ هجری ۹. الفتح الکبیر ج ۱ ص ۵۰۳ و ج ۳ ص ۳۸۵. ۱۰. عبقات الانوار ج ۱ ص ۹۴ و ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۵۱ و ۱۸۲. ۱۱. احقاق الحق ج ۱۲۹. ارجح المطالب ص ۳۳۶. ۱۳. رفع اللبس والشبهات ص ۱۱ و ۱۵: ادیسی ۱۴. درّ المنثور سیوطی ج ۴ ص ۷ و ۳۰۶: متوفای ۹۱۱ هجری ۱۵. ذخائر العقبی ص ۱۶: محب الدین طبری متوفای ۶۹۴ هجری ۱۶. الصواعق المحرقة ص ۱۴۷ و ۲۲۶: ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری ۱۷. اسد الغابه ج ۲ ص ۱۲. ابن اثیر شافعی متوفای ۶۳۰ هجری ۱۸. تفسیر الخازن ج ۱ ص ۱۹۴. الجمع بنی الصحاح (نسخه خطی) ۲۰. علم الکتاب ص ۲۶۴. سید خواجه حنفی ۲۱. مشکاة المصابیح ج ۳ ص ۲۵۸ ۲۲. تیسیر الوصول ج ۱ ص ۱۶: ابن الدبیع ۲۳. مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۲: هیثمی متوفای ۸۰۷ هجری ۲۴. جامع الصغیر سیوطی ج ۱ ص ۳۵۳: متوفای ۹۱۱ هجری ۲۵. مفتاح النجا ص ۹ (نسخه خطی) ۲۶. مناقب علی بن ابیطالب ص ۲۳۴ و ۲۸۱. ابن المغازلی ۲۷. فرائد السمطین ج ۲ ص ۱۴۳. حموی متوفای ۷۲۲ هجری ۲۸. مقتل الحسین خوارزمی ج ۱ ص ۱۰۴: متوفای ۹۹۳ هجری ۲۹. الطبقات الکبری ج ۲ ص ۱۹۴: ابن سعد متوفای ۲۳۰ هجری ۳۰. خصائص امیر المؤمنین ص ۲۱ نسائی شافعی متوفای ۳۰۳ هجری ۳۱. الغدیر ج ۱ ص ۳۰: علامه امینی ۳۲. مسند احمد بن حنبل ج ۵ ص ۱۲۲ و ۱۸۲: متوفای ۲۴۱ هجری [۸] سوره مائده آیه ۳. همه مورخان شیعه و اهل سنت اعتراف کردند که این آیه پس از اعلام ولایت حضرت علی (ع) در روز غدیر نازل گردید مانند: ۱. تاریخ دمشق ج ۲ ص ۷۵ و ۵۷۷. ابن عساکر شافعی متوفای ۵۷۱ هجری ۲. شواهد التنزیل حکانی حنفی ج ۱ ص ۱۵۷: متوفای ۵۰۴ هجری ۳. مناقب ابن مغازلی شافعی ص ۱۹۴. تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۹۰: خطیب بغدادی متوفای ۴۸۴ هجری ۵. تفسیر الدر المنثور ج ۲ ص ۲۵۹. سیوطی متوفای ۹۱۱

هجری ۶. الاتقان سیوطی شافعی ج ۱ ص ۳۱ و ۵۲ متوفای ۹۱۱ هجری ۷. مناقب خوارزمی حنفی ص ۸۰ متوفای ۹۹۳ هجری ۸. تذکره الخواص ص ۳۰ و ۱۸. ابن الجوزی حنفی متوفای ۶۵۴ هجری ۹. تفسیر ابن کثیر شافعی ج ۲ ص ۱۴ متوفای ۷۷۴ هجری ۱۰. مقتل الحسین خوارزمی حنفی ج ۱ ص ۴۷ متوفای ۹۹۳ هجری ۱۱. ینایع الموده قندوزی حنفی ص ۱۱۵ و ۱۲. فرائد السمطین ج ۱ ص ۷۲ و ۷۴ و ۳۱۵: حموینی متوفای ۷۲۲ هجری ۱۳. تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۳۵: متوفای ۲۹۲ هجری ۱۴. الغدیر ج ۱ ص ۲۳۰ و ۱۵. کتاب الولاية ابن جریر طبری: متوفای ۳۱۰ هجری ۱۶. تاریخ ابن کثیر شافعی ج ۵ ص ۲۱۰ متوفای ۷۷۴ هجری ۱۷. المناقب ص ۱۰۶. عبدالله شافعی ۱۸. ارجح المطالب ص ۵۶۸. عبدالله حنفی ۱۹. روح المعانی ج ۶ ص ۵۵. آلوسی ۲۰. البدایه والنهایه ج ۵ ص ۲۱۳ و ج ۷ ص ۳۴۹ ابن کثیر شافعی متوفای ۷۷۴ هجری ۲۱. الكشف والبيان ثعلبی متوفای ۲۹۱ هجری ۲۲. برای آگاهی با اسناد و مدارک شیعه به بحارالانوار ج ۳۷ باب ۵۲ مراجعه شود. [۹] ۱. صحیح بخاری ج ۲ ص ۲۲ و ج ۴ ص ۸۵ و ۱۲۱. ۲. صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۴ و ج ۵ ص ۷۵ و ج ۱۱ ص ۳۸۹. ۳. مسند احمد ج ۱ ص ۳۲۵ و ج ۳ ص ۴۴۳. ۴. الطبقات الكبرى ج ۵ ص ۲۴۴. ۵. الايضاح ص ۱۸۶. ۶. تاریخ ابن عساکر ج ۶ ص ۴۵۱. ۷. سیره حلبی ج ۳ ص ۳۸۱. [۱۰] همه مورخین اعتراف کردند که حدیث جعلی یاد شده تنها با شهادت عمر و عائشه، مطرح و سندیت پیدا کرد ۱. سیره الائمه ص ۱۳۰. ۲. کنزالفوائد ص ۳۶۱. ۳. کف الغمه ج ۱ ص ۴۷۸ [۱۱] آیه ۵۹ سوره نساء [۱۲] تاریخ ابن عساکر ۷/ ۳۰. و. الاصابه ۲/ ۲۰۹ الاشتقاق ص ۱۴۹. و. سیره ابن هشام ج ۴ ص ۵۴. و. تاریخ الردة ص ۴۷ الفتوح ج ۱ ص ۲۳. و. المصنف ج ۵ ص ۲۱۲. و. الايضاح ص ۷۳-۷۲. [۱۳] فرازهایی از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در جمع زنان مهاجر و انصار و بقیه فرازها از خطبه مسجد مدینه است. [۱۴] ابابکر در میان همه مسلمانان حاضر در مسجد به فاطمه زهرا (علیها السلام) اهانت کرد و کسی به جز ام سلمه اعتراض نکرد - شرح نهج البلاغه ج ۱۶ ص ۲۱۵: ابن ابی الحدید متوفای ۶۵۶ هجری - دلائل الامامة ص ۳۸: طبری متوفای ۴۰۰ هجری - در النظیم. یوسف بن حاتم. [۱۵] تاریخ طبری ج ۱/ ۲۳۳. و کفایه الخصام ص ۵۰۸. و. عقد الفرید ج ۴. و. مجمع النورین ص ۸۱. و. اعلام النساء ج ۳. [۱۶] رهنمودهای یاد شده به عنوان (راه حل ها) قسمت هایی از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجد مدینه می باشد. [۱۷] الغدیر ج ۸ ص ۲۷۸. [۱۸] تعداد حجاج حاضر در غدیر خم را گوناگون نقل کرده اند مانند: - گفتند ۹۰۰۰ / نفر - نوشتند ۱۱۴ / نفر - تعداد ۱۲۰ / ۱۰۰۰ نفر و ۱۲۴ / ۱۰۰۰ نفر نیز ثبت کرده اند - تذکره الخواص. ابن جوزی حنفی ص ۳۰ متوفای ۶۵۴ هجری - سیره حلبی ج ۳ ص ۲۵۷. - سیره نبویه. زین دحلان. الغدیر ج ۱ ص ۹. [۱۹] ابتداء تهدید به آتش زدن منزل امام (ع) کردند و سپس درب خانه را به آتش کشیدند - عقد الفرید ج ۵ ص ۱۲: ابن عبدربه متوفای ۳۲۸ هجری - انساب الاشراف ص ۵۸۶: بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری - تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۸۱۸: طبری متوفای ۳۱۰ هجری. [۲۰] نقشه های استعمار در راه مبارزه با اسلام. ترجمه آقای هشترودی (در شکست انقلاب الجزایر، فلسطین و ... از سیاست نفوذ استفاده شد). [۲۱] کفایه الأثر ص ۱۹۳ - الامامة والسیاسة ص ۱۲ ابن قتیبه متوفای ۲۷۶ هجری - الغدیر ج ۷ ص ۷۵. - الاستیعاب. ابن عبدالبر متوفای ۳۳۸ هجری - ارشاد شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری - کشف المحجّة. ابن طاووس متوفای ۶۶۴ هجری. [۲۲] بسیاری از سیره نویسان در رابطه با حماسه غدیر خم نقل کردند که همراه با ده ها هزار زائرین بیت الله عمر و ابابکر جلو آمدند و دست علی (ع) را گرفتند و بیعت کردند و گفتند: بَخَّ لَكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ، لَقَدْ أَضْيَحَّتْ مُوَلَايَ وَ مُوَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤَمَّةٍ «درود بر تو درود بر تو یا ابا الحسن، صبح کردی در حالی که امام من و هر مرد و زن مسلمان با ایمانی» ۱. تاریخ دمشق ج ۲ ص ۵۴۸ و ۵۵۰: ابن عساکر شافعی متوفای ۵۷۱ هجری ۲. المناقب. خوارزمی ص ۹۴: خوارزمی متوفای ۹۹۳ هجری ۳. مسند احمد ج ۴ ص ۲۸۱: احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هجری ۴. الفصول المهمة ص ۲۴: شیخ حر عاملی متوفای ۱۱۰۴ هجری ۵. الحاوی للفتاوی ج ۱ ص ۱۲۲: سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ هجری ۶. ذخائر العقبی ص ۶۷: طبری متوفای ۶۹۴ هجری ۷. فضائل الخمسة ج ۱ ص ۳۵۰: آیه الله فیروز آبادی ۸. فضائل الصحابة مخطوط: احمد بن شعیب نسائی متوفای ۳۰۳ هجری ۹. تاریخ الاسلام ج ۲ ص ۱۹۷: ذهبی متوفای ۷۴۸ هجری ۱۰. علم الکتاب. ص ۱۶۱: خواجه حنفی: ۱۱.

در السمطین زرنندی ص ۱۲۱۰۹. ینابیع المودّة ص ۳۰ و ۳۱ و ۲۴۹: قندوزی حنفی متوفای ۱۲۷ هجری ۱۳. تفسیر فخر رازی ج ۳ ص ۶۳ و ج ۱۲ ص ۵۰: رازی متوفای ۳۱۹ هجری ۱۴. تذکره الخواص ص ۲۹: ابن الجوزی متوفای ۶۵۴ هجری ۱۵. مشکاة المصابیح ج ۳ ص ۲۴۶: ۱۶. عبات الانوار ج ۱ ص ۲۸۵: سید جزائری ۱۷. فرائد السمطین ج ۱ ص ۷۷ باب ۱۳: حموی متوفای ۷۲۳ هجری ۱۸. الغدیر ج ۱ ص ۲۷۲: علامه امینی ۱۹. الریاض النضره ج ۲ ص ۱۶۹: طبری متوفای ۶۹۴ هجری ۲۰. کفایه الطالب ص ۲۸: ۲۱. مناقب ابن الجوزی: ابن الجوزی متوفای ۷۵۱ هجری ۲۲. البدایه والنهایه ج ۵ ص ۲۱۲: ابن کثیر متوفای ۷۷۴ هجری ۲۳. کتاب الخطط ص ۲۲۳: مقریزی: ۲۴. بدیع المعانی ص ۷۵: ۲۵. کنز العمال ج ۶ ص ۳۹۷: متقی هندی ۲۶. وفاء الوفاء ج ۲ ص ۱۷۳: علی بن احمد سمهودی متوفای ۹۱۱ هجری ۲۷. مناقب ابن المغازلی ص ۱۸ و ۲۴: مغازلی شافعی متوفای ۴۸۳ هجری ۲۸. تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۹۰: خطیب بغدادی متوفای ۴۸۴ هجری ۲۹. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۵۸: حسکانی حنفی متوفای ۵۰۴ هجری ۳۰. سّر العالمین ص ۲۱: غزالی متوفای ۵۰۵ هجری ۳۱. احقاق الحق ج ۶ ص ۲۵۶: قاضی نورالله شوشتری متوفای ۱۰۱۹ هجری ۳۲. الصواعق المحرقة ص ۴۲/۲۶: ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری ۳۳. فیض الغدیر ج ۶ ص ۲۱۸: حاج شیخ عباس قمی ۳۴. شرح المواهب ج ۷ ص ۱۳: زرقانی مالکی ۳۵. فتوحات الاسلامیه ج ۲ ص ۳۰۶ [۲۳] ۱. علوم الحدیث و مصطلحه ص ۱۲ ۲. فجر الاسلام ص ۲۲۱ [۲۴] ابابکر دستور می‌دهد جهت حفظ سلامت قرآن، احادیث جمع‌آوری شده را بسوزانند و کسی حق نقل حدیث از پیامبر ندارد - علوم الحدیث و مصطلحه ص ۳۰-۲۱ - طبقات الحفاظ ج ۱ ص ۵ - فجر الاسلام ص ۲۰۹ - مقدمه مرآت العقول ج ۱ ص ۳۰ - تذکره الحفاظ ج ۱ ص ۳۲ عُمر نیز سفارش اُکید می‌کند که برای مردم حدیث نخوانید و برخی از اصحاب رسول خدا (ص) مثل عبدالله بن حذیفه و عبدالله بن مسعود را برای نقل حدیث به مدینه احضار کرده پس از سرزنش زندانی می‌نماید. - صحیح بخاری ج ۱ ص ۳۹ - تذکره الحفاظ ج ۱ ص ۲ - فجر الاسلام ص ۲۱۰ - طبقات الحفاظ ج ۱ ص ۵ - طبقات ابن سعد ج ۳ ص ۲۰۶ - طبقات ابن سعد ج ۳ ص ۲۰۶ - مقدمه مرآت العقول ج ۱ ص ۳۰ - فتح الباری. ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری - تنویر الحوالک سیوطی ص ۴ متوفای ۹۱۱ هجری و عثمان نیز در تداوم سیاست آن دو تن در سخنرانی خود رسماً اعلام می‌دارد که: هیچکس حق ندارد حدیثی را در عهد ابابکر و عمر شنیده نشده روایت کند. - مقدمه مرآت العقول ج ۱ ص ۳۲ و این ممنوعیت تا حکومت عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت آنگاه با تلاش فراوان او، دانشمندان اقدام به تهیه و تدوین احادیث نبوی نمودند. - فجر الاسلام ص ۲۲۱ - علوم الحدیث و مصطلحه ص ۳۷ [۲۵] قسمتهائی از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در جمع زنان مهاجر و انصار که مدارک و اسناد آن به شرح زیر می‌باشد. ۱. کتاب معانی الاخبار تالیف شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هجری ۲. کتاب احتجاج ج ۱ ص ۱۰۸ تالیف شیخ طبرسی متوفای ۵۸۸ هجری ۳. کتاب امالی ج ۱ ص ۳۸۴ تالیف شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ هجری ۴. کتاب دلائل الامامه ص ۳۹ تالیف محب‌الدین طبری متوفای ۴۶۰ هجری ۵. کتاب بلاغات النساء ص ۳۲ تالیف ابن ابی‌طاهر متوفای ۲۸۰ هجری ۶. کتاب کشف الغمّه ج ۲ ص ۱۴۷ تالیف اربلی متوفای ۶۸۹ هجری ۷. کتاب شرح نهج البلاغه ج ۱۶ ص ۲۳۳ تالیف ابن ابی‌الحدید متوفای ۶۵۶ هجری ۸. کتاب أعلام النساء ج ۴ ص ۱۲۳ تالیف رضا کحّاله ۹. کتاب بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۶۱ تالیف علامه مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هجری ۱۰. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۸۵: مرحوم مجلسی ۱۱. کتاب السقیفه. احمد بن عبدالعزیز جوهری متوفای ۳۹۳ هجری ۱۲. کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۲۳۹: بحرانی اصفهانی ۱۳. احقاق الحق ج ۱۰ ص ۳۰۶: قاضی نورالله شوشتری متوفای ۱۰۱۹ هجری. [۲۶] قسمتهائی از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در جمع زنان مهاجر و انصار. [۲۷] قسمتهائی از خطبه حضرت زهرا در مسجد مدینه. [۲۸] سیاست تطمیع با پول و تقسیم قدرت ۱. ابابکر و عمر برای اینکه بنی‌هاشم را ساکت کنند به سراغ عباس عموی امام علی (ع) رفتند و به او پیشنهاد شرکت در خلافت نمودند که پذیرفت. ۲. وقتی ابابکر خلافت را به دست گرفت، پول‌های فراوانی در میان مهاجر و انصار تقسیم کردند که زنی از انصار نپذیرفت و گفت: آیا می‌خواهید در امر دین، به من رشوه دهید؟ - شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۳۰۱ - کتاب الجمل ص ۲۳۳ - عقد الفرید ج ۳ ص ۱۷۵ - الاصابه ج ۱ ص ۱۷۶ - کتاب

الصفین ص ۸۵ - حیات الصحابه ج ۱ ص ۳۴۲۰. اسید بن حضیر، از قبیله اوس، چون در بیعت با ابابکر از دیگران جلو افتاد، نیازهای او را برطرف ساختند و حتی پس از مرگ، تمام دیون او را عُمَر پرداخت کرد - الفائق فی غریب الحدیث ج ۱ ص ۱۰۸. [۲۹] کنز الفوائد کراجکی ص ۳۶۱. و. کشف الغمّه ج ۱ ص ۴۷۸. و. سیره الائمه (ع) ص ۱۳۰. [۳۰] ابابکر لقب «سیف الله» شمشیر خدا را به خالد بن ولید داده و هر چه از خونریزی‌ها و فساد او شکایت می‌کردند اعتنائی نمی‌کرد. کتاب الاشتقاق ص ۱۴۹. و. الفتوح ج ۱ ص ۱۴۹. و. تاریخ الردّه ص ۴۷. و. تاریخ الکامل ج ۲ ص ۳۸۹. [۳۱] سوره حشر ۲. [۳۲] فرازهای یاد شده از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجد مدینه می‌باشد. [۳۳] فرازهای یاد شده از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجد مدینه می‌باشد. [۳۴] آیه ۱۲۲ توبه و لَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ [۳۵] مغازی واقدی ج ۱ ص ۳۵۴. [۳۶] المغازی واقدی ج ۱ ص ۳۴۵ و ۳۵۸. و. سیره ابن هشام ج ۲ ص ۱۶۹. و. طبقات ابن سعد ج ۲/۳۹. و. فروغ ابدیت ج ۲ ص ۸۱ تا ۸۹. [۳۷] بحار الانوار کتاب العلم ج ۱ و ۲. و. محبّه البیضاء ج ۱ کتاب العلم، و. اصول کافی ج ۱ کتاب العلم. [۳۸] معاویه خودش در سخنرانی‌ها به امام علی (ع) دشنام می‌داد - عقد الفرید ج ۴ ص ۳۶۶ و ج ۲ ص ۳۰۱ متوفای ۳۲۸ هجری - شرح نهج البلاغه ابی‌الحدید ج ۱ ص ۳۵۶. و. ج ۳ ص ۲۵۸ و ج ۱۳ ص ۲۲۰ به فرمانداران و کارگزاران و عالم نماهای درباری نیز امر می‌کرد که به علی (ع) ناسزا بگویند. - صحیح مسلم ج ۲ ص ۳۶۰: مسلم بن حجاج متوفای ۲۶۱ هجری - صحیح ترمذی ج ۵ ص ۳۰۱ حدیث ۳۸۰۸ محمد بن عیسی متوفای ۲۷۹ هجری - المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۰۹ - تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱ ص ۲۰۶ و ۲۷۱ (ترجمه الامام علی (ع)) متوفای ۵۷۱ هجری - خصائص نسائی شافعی ص ۴۸ و ۸۱: متوفای ۳۰۳ هجری - نظم درر السمطین ص ۱۰۷. زرندی حنفی - کفایه الطالب. ص ۸۴ و ۸۶. کنجی شافعی - المناقب خوارزمی ص ۵۹: متوفای ۹۹۳ هجری - اسد الغابه. ابن اثیر ج ۱ ص ۳۱۴ و ج ۴ ص ۲۵ متوفای ۶۳۰ هجری. - الاصابه ج ۲ ص ۵۰۹. ابن جر العسقلانی شافعی متوفای ۸۵۲ هجری. - الغدیر ج ۱ ص ۲۵۷. و. ج ۳ ص ۲۰۰. و. ج ۱۰ ص ۲۶۴ - عقد الفرید ج ۴ ص ۲۹. و. ج ۲ ص ۱۴۴ متوفای ۳۲۸ هجری - وقعه صفین. نصر بن مزاحم ص ۹۲ و ۸۹: متوفای ۲۰۲ هجری - شرح نهج البلاغه ابی‌الحدید ج ۱ ص ۲۵۶ و ۳۶۱. و. ج ۳ ص ۱۰۰ و ج ۴ ص ۷۲ - تذکره الخواص ص ۶۳. ابن الجوزی حنفی متوفای ۶۵۴ هجری - تاریخ طبری ج ۵ ص ۱۶۷ و ۱۶۸: طبری متوفای ۳۱۰ هجری - الکامل ابن اثیر ج ۳ ص ۴۱۳: متوفای ۶۰۶ هجری - مستدرک حاکم ج ۱ ص ۳۸۵. و. ج ۲ ص ۳۵۸ متوفای ۲۵۸ هجری - تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۹۰ متوفای ۹۱۱ هجری. [۳۹] در تهاجم سران سقیفه، همه تسلیم و منزوی گردیده و با ابابکر بیعت نمودند تنها امام علی (ع) بود که هرگز بیعت نکرد و در برابر تهدیدات ابابکر و عمر دوام آورد ۱. صحیح بخاری: محمد بن اسماعیل متوفای ۲۵۶ هجری ۲. کتاب المغازی ج ۵ ص ۸۲ و ۱۷۷. و. ج ۳ ص ۵۵: واقدی ۲۰۷ هجری ۳. صحیح مسلم ج ۵ ص ۱۵۲ (باب الجهاد والسير) و ج ۲ ص ۸۱: متوفای ۲۶۱ هجری ۴. الامامه والسیاسة ج ۱ ص ۱۱. ۱۳: ابن قتیبه متوفای ۲۷۶ هجری ۵. مروج الذهب ج ۲ ص ۳۰۲: مسعودی متوفای ۳۴۶ هجری ۶. تاریخ طبری ج ۳ ص ۲۰۸: طبری متوفای ۳۱۰ هجری ۷. الکامل فی التاریخ ج ۲ ص ۳۲۷ و ۳۳۱: ابن اثیر متوفای ۶۰۶ هجری ۸. کفایه الطالب. کنجی شافعی ص ۳۷۰. ۹. شرح نهج البلاغه. ابی‌الحدید ج ۲ ص ۱۸ و ۱۰. الصواعق المحرقة ص ۱۳: ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری ۱۱. عبدالله بن سباء ص ۱۱۲: [۴۰] سیر ارتجاعی سیر ارتجاعی در امت اسلامی یک واقعت تلخ غیر قابل انکار است منافقین و نفوذی‌های منتظر فرصت حتی در سالهای آخر عمر رسول خدا (ص) دست به تحرکات گوناگونی زدند تا جائی که مدینه تهدید می‌شد از این رو در حادثه جنگ تبوک، پیامبر (ص) علی (علیه السلام) را در مدینه جانشین خود قرار دادند تا هرگونه تحرک دشمن را سرکوب نماید. پیامبر (ص) خود این خطر بزرگ را مطرح و با هشدارهای لازم مردم را در صحنه سیاسی نگه داشتند فرمود: لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ «پس از من کافر نگردید که بعضی از شما گردن بعضی دیگر را بزنند» - صحیح بخاری ج ۹ ص ۶۳ - طبقات الکبری ج ۲ ص ۱۸۴ - مسند احمد ج ۴ ص ۷۶ و ۳۴۹ - کشف الأستار ج ۲ ص ۱۰۱ - البیان والتبیین ج ۳ ص ۲۳ - وفاء الوفاء ص

۸۸۵ - مسند احمد ج ۲ ص ۳۰۰، ۴۰۸ - مسند احمد ج ۳ ص ۱۸ و ۲۸ پس از رحلت رسول خدا (ص) نیز شاهد بودیم که بسیاری دست از اسلام ولایت و رهبری اهل بیت (ع) کشیدند و پیمان روز غدیر را شکستند و راه ارتجاعی و «ارتداد» پیمودند - اختصاص ص ۸۴ شیخ مفید - سفینه البحار ج ۱ ص ۵۱۷ و در تحلیل علل ارتداد و روی گردانی مردم، حضرت زید فرزند امام سجاد (علیه السلام) فرمودند وَاللَّهِ لَوْ تَمَكَّنَ الْقَوْمُ أَنْ طَلَبُوا الْمُلْكَ بَغَيْرِ التَّعَلُّقِ بِأَسْمِ رَسُولِهِ، كَانُوا قَدْ عَدَلُوا عَنْ بُتُوتِهِ «سوگند به خدا، اگر برای آن قوم، امکان داشت که بدون تعلّق و وابستگی به رسالت پیامبر (ص) خلافت را تصاحب نمایند، از نبوت آن حضرت دست می کشیدند و انکار می کردند» - بیت الاحزان (ترجمه) ص ۹۳: شیخ عباس قمی [۴۱] قسمت هائی از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در جمع زنان مهاجرین و انصار. [۴۲] معجم المفهرس نهج البلاغه نامه ۴۴/۵۴. [۴۳] پیامبر اکرم (ص) برای سرکوبی دشمنان و رومیان منتظر فرصت، سپاه عظیمی را به فرماندهی اسامه بن زید، فراهم آورد و همه را به همکاری و بسیج نیروها و شرکت در لشکر اسامه دعوت می فرمود که با تحریکات و سرپیچی تشنگان قدرت و عوامل نفوذی، ارتش فراهم آمد به جای پیش روی و تهاجم به دشمن، فروپاشید سیره ابن هشام ج ۲/۶۴۲. و النص والاجتهاد ص ۱۲. طبقات ابن سعد ج ۲/۱۲۰ و ۱۹۰. [۴۴] پس از آن همه اوامر مکرر رسول خدا (ص) که فرمود. «لشکر اسامه بن زید را ترک نکنید» برخی تخلف فرمان نموده و ارتش اسامه را ترک گفتند و ابابکر و عمر و عثمان به بهانه های مختلف از شرکت امتناع ورزیدند و در فکر حکومت بودند در صورتی که رسول گرامی اسلام به متخلفین لعنت کرده بود. ۱. ارشاد ج ۱ باب دوم: شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری ۲. اثبات الوصیه ص ۲۲۵: مسعودی متوفای ۳۴۶ هجری ۳. الطبقات ج ۴/۱۳۶: ابن سعد متوفای ۲۳۰ هجری ۴. التهذیب ج ۲/۳۹۱ ج ۳/۲۱۵: ابن عساکر شافعی متوفای ۵۷۱ هجری ۵. کنز العمال ج ۵/۳۱۲: متقی هندی ۶. تاریخ یعقوبی ج ۲/۹۳: احمد بن ابی یعقوب متوفای ۲۹۲ هجری ۷. شرح ابی الحدید ج ۲/۲۱: ابن ابی الحدید متوفای ۶۵۶ هجری ۸. حیاة محمّد (ص) ص ۴۶۷ محمد حسنین هیکل ۹. دلائل الصدق ج ۳ ص ۵: ۱۰. ملل و نحل (ابتدای کتاب چهارم): شهرستانی ۱۱. تاریخ طبری ج ۲ ص ۴۲۹ و ۴۶۲: طبری متوفای ۳۱۰ هجری ۱۲. انساب الاشراف ج ۲ ص ۳۸۴: بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری ۱۳. مروج الذهب ج ۲ ص ۳۰۱: مسعودی متوفای ۳۴۶ هجری ۱۴. نهج السعادة ج ۵ ص ۲۸۵: علامه محمودی ۱۵. طبقات الکبری ج ۴ ص ۶۶: ابن سعد متوفای ۲۳۰ هجری ۱۶. بحار الأنوار ج ۳۸ ص ۱۷۳: مرحوم مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هجری ۱۷. کامل ج ۲ ص ۳۳۵: ابن اثیر متوفای ۶۰۶ هجری نامه ابوبکر به اسامه و پاسخ آن اسامه بن زید از جانب رسول خدا (ص) فرمانده لشکر شده بود تا به سرزمین شام حرکت کنند و جلو تجاوز دشمن را بگیرند، و پیامبر (ص) فرموده بود هر کس از فرمان اسامه تخلف کند مجرم است نامه ابوبکر به اسامه، چنین است: از ابوبکر خلیفه رسول خدا (ص) به اسامه بن زید اما بعد: مسلمانان به من پناه آوردند، و مرا برای سرپرستی امر خلافت، انتخاب کردند و مرا رئیس خود بعد از رسول خدا (ص) نمودند (نامه طولانی است تا آنجا که می گوید) وقتی نامه من به تو رسید و آن را خواندی، تو نیز مانند مسلمانان بیا و با من بیعت کن و به عمر بن خطاب اجازه بده که از تحت فرماندهی تو تخلف کند (و نزد من باشد) زیرا من از او بی نیاز نیستم، بلکه به او نیاز دارم و سپس به سوی همان جبهه که رسول خدا (ص) تو را به جانب آن حرکت داده است برو. وقتی که نامه به اسامه رسید و آن را خواند، پاسخ آن را چنین نوشت: «از اسامه بن زید، بنده آزاد شده رسول خدا (ص) به ابوبکر بن ابی قحافه، امّا بعد: نامهات به من رسید، ولی آغاز آن با آخر آن متناقض بود، در آغاز نامه نوشته ای که من خلیفه رسول خدا (ص) هستم سپس چنین ادعا کرده ای که مسلمانان در اطراف تو اجتماع کرده و تو را امیر خود نموده اند، اگر چنین باشد، لازم بود که آنها در مسجد با تو بیعت کنند، نه در سقیفه بنی ساعده؟! وانگهی از من تقاضا کرده ای که به عمر به خطاب اجازه تخلف از سپاه را بدهم به خاطر اینکه به او نیاز داری، ولی بدان که او پیش خود، بی آنکه من به او اجازه بدهم تخلف کرد، و برای من روا نیست که به هیچ کس اجازه تخلف بدهم زیرا رسول خدا (ص) فرمان بسیج و حرکت تحت فرماندهی مرا داده است، و در این جهت فرقی بین تو و عمر نیست که هر دو تخلف کرده اید، و تخلف از فرمان رسول خدا (ص) بعد از رحلتش با تخلف در حال

حیاتش فرقی ندارد، و هر دو یکسانند، و تو می‌دانی که رسول خدا (ص) به تو و عمر فرمان داد که تحت فرماندهی من به سوی جبهه حرکت کنیم، و رأی و فرمان رسول خدا (ص) درباره شما از رأی خود شما در مورد خودتان، بهتر و مقدمتر است، موضع‌گیری شما بر پیامبر (ص) مخفی نبود، آن حضرت مرا سرپرست شما کرد، ولی شما را سرپرست من نکرد، و مخالفت با پیامبر (ص) نفاق و دورویی است...» [۴۵] خطبه ۱۳/۲۷ نهج البلاغه المعجم المفهرس. [۴۶] خطبه ۱۴/۲۷ نهج البلاغه المعجم المفهرس.

[۴۷] پیمان خَلْفُ الْفُضُول [۴۸] بی‌تفاوتی و عذر تراشی‌ها امام علی (ع) و فاطمه زهرا (علیها السلام) برای اتمام حجت و تداوم مبارزه منفی بر ضدّ کودتاگران، اصحاب رسول خدا (ص) و یاران مدّعی را فراخواندند، به یاری طلبیدند، دعوت به مبارزه کردند اما فایده‌ای نداشت و با عذر تراشی‌های بیهوده از مسئولیت الهی سر باز زدند مانند: ۱. بعضی گفتند، چه باید کرد ابابکر زودتر از شما آغاز کرد، ما هم با او بیعت کردیم، دیگر نمی‌شود کاری از پیش برد - اعلام النساء ج ۳ ص ۱۲۰۴ - احقاق الحق ج ۱۰ ص ۲۹۵ - الامامة والسياسة ج ۱ ص ۱۲: ابن قتیبه متوفای ۲۷۶ هجری - احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۴۷: طبرسی متوفای ۵۸۸ هجری - خصال ج ۱ ص ۱۷۳: شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری ۲. شب‌ها به خانه‌های مهاجر و انصار رفتند، آنها را فراخواندند، و پاسخ مثبت ندادند - الامامة والسياسة ص ۱۲ و ۲۰: ابن قتیبه متوفای ۲۷۶ هجری - اعیان الشیعة ج ۱ ص ۳۱۰: علامه امینی ۳. برخی دیگر گفتند. از ظهور فتنه‌ها ترسیدیم و فوراً برای برقراری نظم با ابابکر بیعت کردیم - مروج الذهب ج ۲ ص ۳۰۱: مسعودی متوفای ۳۴۶ هجری ۴. و گروهی گفتند. اگر علی (ع) هم زودتر می‌آمد با او بیعت می‌کردیم، حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند علی (ع) در کنار جسد پیامبر، مشغول مراسم تدفین بود، آیا می‌توانست پیامبر را ترک کند؟ - الامامة والسياسة ص ۱۲: ابن قتیبه متوفای ۲۷۶ هجری - بیت‌الاحزان ص ۹۲: شیخ عباس قمی - کفایه الاثر ص ۱۹۳: امام علی (ع) فرمودند: أَفَكُنْتُ أَدْعُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فِي بَيْتِهِ؟ لَمْ أَدْفِنَهُ وَ أَخْرَجُ أَنْزِعُ النَّاسَ سِلْطَانَهُ؟ (آیا می‌توانستم جنازه رسول خدا (ص) را در خانه‌اش رها کنم و مراسم تدفین را نادیده گرفته به میان مردم بروم و در حکومت و خلافت به منازعه پردازم؟) - رجوع کنید به مدارک بالا- حضرت زهرا (علیها السلام) در برابر عذر تراشی‌های رسوا فرمود و هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ لِأَحَدٍ عُدْرًا؟ (آیا پدرم پیامبر اسلام (ص) پس از حماسه غدیر که علی (ع) را به امامت منصوب فرمود برای کسی عذری باقی گذاشته است؟) - خصال ج ۱ ص ۱۷۳: شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری و مردم مدینه پس از آنکه کودتاگران حکومت را گرفتند و آب‌ها از آسیاب فرو ریخت به عنوان عذرخواهی به یگانه یادگار پیامبر (ص) گفتند: «ما غافل گیر شدیم، ابابکر پیشدستی کرد اگر علی (ع) بما تذکر می‌داد به او روی می‌آوریم» حضرت زهرا (علیها السلام) در یک افشاگری ضروری فرمود إِلَيْكُمْ عَنِّي فَلَا عُدْرَ بَعْدَ تَعْذِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ «به دنبال کارتان بروید، دیگر پس از اینگونه عذر تراشی‌های دروغین عذری پذیرفته نمی‌شود و پس از این کوتاهی و بی‌تفاوتی امری وجود نخواهد داشت» - احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۴۷-۱۴۹: متوفای ۵۸۸ هجری [۴۹] تحریک مردم ابابکر برای تحریک کردن مردم گفت. «فدک پس از رسول خدا (ص) مال عموم مردم است» تا فاطمه (علیها السلام) را در برابر مردم قرار داده که نه تنها کسی بر مظلومیت فاطمه (علیها السلام) اعتراض نکند بلکه علیه او بشورند و برای منافع مادی، تصمیم ابابکر را بپذیرند - فتوح البلدان ص ۴۴: بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری. [۵۰]

ابابکر فرمان هجوم به خانه حضرت زهرا (علیها السلام) را صادر کرد (به عمر گفت با جماعتی به خانه فاطمه (علیها السلام) بروید تا همگان برای بیعت بیایند، اگر علی (ع) سرباز زد با او بجنگ) ۱. عقد الفرید ج ۲ ص ۲۵۰: ابن عبدربه متوفای ۳۲۸ هجری ۲. تاریخ ابی‌الفداء ج ۱ ص ۱۵۶: ۳. اعلام النساء ج ۳ ص ۲۰۷ - اسناد و مدارک هجوم به خانه حضرت زهرا (علیها السلام) و آتش زدن آن به شرح زیر می‌باشد ۱. عقد الفرید ج ۲ ص ۱۷۶ و ج ۴ ص ۲۶۸: ابن عبدربه ۲. الغدیر ج ۷ ص ۷۷: علامه امینی ۳. تاریخ ابی‌الفداء ج ۱ ص ۱۵۶ ۴. اعلام النساء ج ۳ ص ۷ و ۱۲: عمر رضا کخالة ۵. مروج الذهب ج ۱ ص ۴۱۵: مسعودی متوفای ۳۴۶ هجری ۶. الامامة والسياسة ج ۱ ص ۱۸: دینوری متوفای ۲۸۲ هجری ۷. کتاب سلیم بن قیس ص ۸۹ و ۲۴۹: متوفای ۹۰ هجری ۸. تاریخ طبری ج ۲ ص ۶۱۹. و ج ۳ ص ۲۰۲: طبری متوفای ۳۱۰ هجری ۹. شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۱۳۰: ابن ابی‌الحدید و ج ۶ ص ۴۸. ۱۰.

تلخیص الشافعی ص ۴۱۵: خواجه طوسی متوفای ۴۶۰ هجری ۱۱. کتاب شافی ص ۲۴۰: سید مرتضی متوفای ۴۳۶ هجری ۱۲. کتاب طرائف ص ۶۴: ۱۳. اثبات الوصیة ص ۲۶۲/۱۰۰: مسعودی متوفای ۳۴۶ هجری ۱۴. بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۹۷. مرحوم مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هجری ۱۵. تاریخ طبری ج ۳ ص ۱۹۸: طبری متوفای ۳۱۰ هجری ۱۶. تاریخ طبری ج ۲ ص ۴۴۳: ۱۷. بحارالانوار ج ۲۸ ص ۲۰۴ و ۳۳۸: مرحوم مجلسی ۱۸. شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۳۴: ابن ابی‌الحدید متوفای ۶۵۶ هجری ۱۹. ارشاد القلوب: دیلمی متوفای ۷۷۱ هجری ۲۰. عقد الفرید ج ۵ ص ۱۲: ابن عبدربه متوفای ۳۲۸ هجری ۲۱. بلاغات النساء ج ۴ ص ۱۴: ابن ابی‌طاهر مروزی متوفای ۲۸۰ هجری ۲۲. انساب الأشراف ج ۱ ص ۵۸۶ و ج ۳ ص ۲۸۲: بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری ۲۳. بیت‌الاحزان ص ۹۷: شیخ عباس قمی ۲۴. ریاحین الشریعة ج ۱ ص ۲۸۱: ۲۵. روضة المناظر: محمد بن شحنة ۲۶. وافی بالوفیات: صلاح‌الدین صفدی ۲۷. تاریخ دمشق: ابن عساکر متوفای ۵۷۱ هجری ۲۸. جمع الجوامع: سیوطی متوفای ۹۱۱ هجری ۲۹. کتاب غرر: ابن حبیبر ۳۰. ازالة الخفا: دهلوی ۳۱. الاستیعاب: ابن عبدالبر متوفای ۳۳۸ هجری ۳۲. الأموال: ابوعبیده متوفای ۲۲۲۵ هجری ۳۳. مرآة الزمان: سبط بن الجوزی متوفای ۶۵۴ هجری ۳۴. حبیب السیر: غیاث‌الدین شافعی ۳۵. تجارب الأمم: ابن مسکویه متوفای ۴۲۱ هجری ۳۶. خصال ص ۱۷۱: شیخ صدوق متوفای ۳۸۰ هجری ۳۷. تاریخ کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۲۳۷: ابن اثیر متوفای ۶۰۶ هجری ۳۸. میزان الاعتدال ج ۲ ص ۲۱۵: ذهبی متوفای ۷۴۸ هجری ۳۹. کنز العمال ج ۵ ص ۳۸۱: متقی هندی ۴۰. الملل والنحل ج ۱ ص ۵۷: شهرستانی ۴۱. دلائل الامامة ص ۴۵: طبری متوفای ۴۰۰ هجری ۴۲. کتاب عبدالله بن سبا ج ۱ ص ۱۰۸: ۴۳. تاریخ ابن شحنة ص ۱۶۴. [۵۱] تاریخ طبری ج ۱ ص ۲۳۳. و کفایة الخصام ص ۵۰۸. [۵۲] سوره سباء ۱۳. [۵۳] کاری که ملت انقلابی ایران در رابطه با بنی‌صدر و قطب‌زاده انجام داد [۵۴] ابابکر در جواب حضرت زهرا (علیها السلام) برای تحریک کردن مردم گفت! ما درآمد فدک را صرف سپاه اسلام برای جهاد با دشمنان نمودیم که: يُقَاتِلُ بِهِ الْمُشْرِكُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ [۵۵] محاصره اقتصادی سران سقیفه و کودتاگران حاکم برای منزوی کردن امام علی (ع) و پراکنده نمودن مردم به این نتیجه رسیدند که اهل بیت (ع) را در یک محاصره اقتصادی قرار دهند، عمر گفت: «اگر فدک را از فاطمه (علیها السلام) بگیریم و دست علی (ع) خالی باشد مردم به او روی نمی‌آورند» (قال عمر یا ابابکر. فامنع عن علي و أهل بيته الخمس والفيء و فدكا، فان شيعته اذا علموا ذلك تركوا عليا و أقبلوا اليك رغبة في الدنيا) بحارالانوار ج ۸ ص ۱۰۴ - صحيح بخاری ج ۳ ص ۳۸ - طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۸۶ - مسند احمد ج ۱ ص ۴ تا ۱۴ - مسند احمد ج ۲ ص ۳۵۳ - تاریخ طبری ج ۶ ص ۲۸۵ - صحيح مسلم ج ۲ ص ۷۲ و ج ۳ ص ۱۵۳ - بحارالانوار ج ۸ ص ۱۰۴ - با اینکه ابوبکر سوگند که خورده بود در تقسیم بیت‌المال طبق روش پیامبر (ص) عمل کند اما حقوق مسلم اهل بیت (ع) و فاطمه (علیها السلام) را نپرداخت. - نهج الحق ص ۳۶۱ - الجمع بين الصحيحين. حمیدی - شرح ابی‌الحدید ج ۱۲ ص ۵۳ «همه نوشتند که در طول پیروزیهای گذشته رسول گرامی اسلام زمین‌ها و باغات فراوانی را به مهاجرین و انصار بخشیده است» پس از نزول آیه و آتِ ذَالْقُرْبَى حَقَّهُ اسراء آیه ۲۶ رسول گرامی اسلام (ص) حضرت زهرا (علیها السلام) را به حضور طلبید و فدک را به او بخشید ۱. حق یقین ص ۱۹۱. مجلسی ۲. تفسیر فرات ص ۱۱۸: فرات الکوفی متوفای ۳۰۰ هجری ۳. تفسیر نورالثقلین ج ۳ ص ۱۵۳: عروسی حویزی ۴. کشف الغمة ص ۱۴۳: اربلی متوفای ۶۸۹ هجری ۵. تفسیر علی بن ابراهیم ص ۳۸۰: متوفای ۳۰۷ هجری ۶. تفسیر مجمع البیان: طبرسی متوفای ۵۴۸ هجری ۷. اصول کافی: مرحوم کلینی متوفای ۳۲۸ هجری ۸. امالی صدوق مجلس ۷۹ حدیث ۵: صدوق متوفای ۳۸۰ هجری ۹. تفسیر درالمنثور ج ۴ ص ۱۷۷. سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ هجری ۱۰. ینابیع المودة ص ۱۱۹: قندوزی متوفای ۱۲۷ هجری ۱۱. شواهد التنزیل ج ۴۴۳: حسانانی حنفی متوفای ۵۰۴ هجری ۱۲. شرح نهج البلاغه ج ۱۶ ص ۲۶۸: ابن ابی‌الحدید متوفای ۶۵۶ هجری ۱۳. مجمع الزوائد ج ۷ ص ۴۹: هیشمی متوفای ۸۰۷ هجری ۱۴. میزان الاعتدال ج ۲ ص ۲۲۸: ذهبی متوفای ۷۴۸ هجری ۱۵. کنز العمال ج ۲ ص ۱۵۸: متقی هندی ۱۶. دلائل الصدق ج ۸ ص ۳۸: ۱۷. معارج النبوة ج ۱ ص ۲۲۷. در این قسمت توجه به برخی از واقعیت‌ها ضرورت دارد: - اول: اعترافات بسیاری از تاریخ‌نویسان شیعه و اهل سنت پیرامون غصب فدک که توسط

ابابکر انجام گرفت ۱. لسان العرب ابن المنظور ۲. مصباح المنیر الفیومی ۳. مجمع البحرین الطریحی ۴. فتوح البلدان ص ۴۶ بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری ۵. معجم البلدان مادّه (فدک) و ۴۶ یاقوت الحموی ۶. تاریخ طبری ج ۳ ص ۱۴ طبری متوفای ۳۱۰ هجری ۷. الکامل فی التاریخ ج ۳ ص ۲۲۱ ابن الاثیر متوفای ۶۰۶ هجری ۸. شرح ابی‌الحدید ج ۱۶ ص ۲۱۰ و ۲۶۸. ابی‌الحدید متوفای ۶۵۶ هجری ۹. الدر المنثور ج ۵ ص ۲۷۳: سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ هجری ۱۰. الصواعق المحرقة ص ۲۱: ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری ۱۱. تفسیر الکبیر ج ۲۹ ص ۲۸۴. فخر الرازی متوفای ۳۱۹ هجری ۱۲. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۴۰. الحسکانی متوفی ۵۰۴ هجری ۱۳. منتخب کنز العمال. ۱۴. مسند أحمد ج ۱ ص ۲۲۸ و ۱۳: احمد بن حنبل متوفی ۲۴۱ هجری ۱۵. ملل و نحل ج ۱ ص ۲۳. الشهرستانی ۱۶. مقدمه (فدک) ص ۷۶. العلّامه القزوینی ۱۷. سیره حلبی ج ۳ ص ۳۶۲. حلبی شافعی متوفای ۱۰۴۴ هجری ۱۸. المواقف ص ۴۰۲. ۱۹. کشف الغمّه ج ۱ ص ۴۷۶: إربلی متوفای ۶۸۹ هجری ۲۰. سعد السعود ص ۱۰۱-۱۰۲: ۲۱. الاحتجاج ج ۱ ص ۱۱۹-۱۲۳: الطبرسی متوفای ۵۸۸ هجری ۲۲. اختصاص ص ۱۸۳-۱۸۴. شیخ مفید (ره) متوفای ۴۱۳ هجری ۲۳. النصّ والاجتهاد ص ۱۰۰-۱۱۹. سید شرف‌الدین ۲۴. کنز الفوائد ص ۳۶۱-۳۶۲. الکراجکی متوفای ۴۴۹ هجری ۲۵. دلائل الصدق ج ۳ ص ۶۶-۷۱. ۲۶. شرح ابی‌الحدید ج ۱۶ ص ۲۸۶ و ج ۱۴ ص ۱۹۰ ۲۷. الطرائف ص ۲۴۸-۲۵۱ ۲۸. تلخیص الشافی ج ۳ ص ۱۲۲-۱۲۴. شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ هجری (ع) ص ۵۶۰. احمد رحمانی همدانی ۳۰. الرسائل الشعر. شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ هجری ۳۱. تلخیص الشافی ج ۲ ص ۱۵۷. شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ هجری ۳۲. رسائل جاحظ ص ۳۰۰: جاحظ متوفای ۲۵۵ هجری ۳۳. الغدیر ج ۷ ص ۲۲۹. علّامه امینی ۳۴. بحار الانوار ج ۸ ص ۱۱۶. مرحوم مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هجری ۳۵. صحیح البخاری ج ۵ ص ۱۷۷. محمد بن اسماعیل متوفای ۲۵۶ هجری ۳۶. سنن ابوداود (باب صفایا رسول‌الله (ص)). متوفای ۲۷۵ هجری - دوم. غضب فدک آنچنان رسوائی به بار آورد که عمر آن را به فرزندان فاطمه (علیها السلام) برگرداند ۱-۳۷. صحیح بخاری (کتاب الجهاد والسير) ج ۵ ص ۱۰۳: محمد بن اسماعیل متوفای ۲۵۶ هجری ۲-۳۸. صحی مسلم (کتاب الجهاد والسير) ص ۱۱: مسلم بن حجاج متوفای ۲۶۱ هجری ۳-۳۹. سنن بیهقی ج ۶ ص ۳۴۳: یاقوت حموی ۴-۴۰. معجم البلدان ج ۶ ص ۳۴۳: یاقوت حموی ۵-۴۱. تفسیر ابن کثیر ج ۴ ص ۳۳۵: ابن کثیر شافعی متوفای ۷۷۴ هجری ۶-۴۲. تاریخ ابن کثیر ج ۵ ص ۲۸۸: متوفای ۷۷۴ هجری ۷-۴۳. تاج العروس ج ۷ ص ۱۶۶: سوم- عثمان مقداری را پس داد و بقیه را تیول مروان بن حکم نمود فتح البلدان ج ۱ چهارم- معاویه ثلث فدک را پس داد و بقیه را تیول مروان بن حکم نمود پنجم- عمر بن عبدالعزیز فدک را تماماً به فرزندان فاطمه (علیها السلام) برگرداند ششم- یزید بن عبدالملک فدک را غضب و در دست بنی مروان قرار داد هفتم- ابوالعباس سفاح برگرداند هشتم- ابوجعفر المنصور غضب کرد نهم- مهدی بن منصور برگرداند دهم- موسی بن مهدی و برادرانش فدک را غضب کردند یازدهم- مأمون در سنه ۲۱۰ به فرزندان فاطمه (علیها السلام) برگرداند که دعبل در این رابطه نیکو سرود که: أَصْبَحَ وَجْهَ الزَّمانِ قد ضحکاً بَرْدَ مأمونِ هاشمٍ فَدَکاً دیوان دعبل ص ۲۴۷ دوازدهم- در زمان خلافت متوکل علی الله فدک را غضب کردند سند شماره ۳ تا ۱۲ در کتب زیر آمده ۱. فتوح البلدان ص ۳۹-۴۱ ج ۱: بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری ۲. تاریخ یعقوبی ج ۳/ ۴۸: احمد بن ابی‌یعقوب متوفای ۲۹۲ هجری ۳. عقد الفرید ج ۲/ ۳۲۳: ابن عبدربه متوفای ۳۲۸ هجری ۴. معجم البلدان ج ۶ ص ۳۴۴: ۵. تاریخ ابن کثیر ج ۹ ص ۲۰۰: ابن کثیر شافعی متوفای ۷۷۴ هجری ۶. شرح ابن ابی‌الحدید ج ۴ ص ۱۰۳: متوفای ۶۵۶ هجری ۷. تاریخ الخلفاء ص ۱۵۴: سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ هجری ۸. جمهره رسائل العرب ج ۳ ص ۵۱۰: ۹. أعلام النساء ج ۳ ص ۱۲۱۱: ۱۰. تاریخ ابوالفداء ج ۱ ص ۱۶۸: ۱۱. المعارف ص ۱۲۸۴. سنن بیهقی ج ۶ ص ۳۰۱: بیهقی متوفای ۴۵۸ هجری ۱۳. عقد الفرید ج ۵ ص ۳۳: ابن عبدربه متوفای ۳۲۸ هجری ۱۴. الغدیر ج ۸ ص ۲۳۶: علّامه امینی - سیزدهم. عُمر سند نوشته شده ابابکر را از دست فاطمه (علیها السلام) گرفت و پاره کرد ۱. اصول کافی (باب الفیء والانفال) حدیث ۵: ۲. عیون الاخبار ص ۲۳۳: ۳. تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۸۷: ۴. کشف الغمّه ج ۲ ص ۱۰۲: ۵. طرائف ص ۲۴۸: ۶. بحار الانوار ج ۸ ص ۱۰۷: ۷. احتجاج ج ۱ ص ۱۱۹: ۸. کشف الغمّه ج ۱ ص

۴۷۶. ۹. شرح ابی‌الحدید ج ۱۶ ص ۲۷۴. ۱۰. سیره حلبی ج ۳ ص ۳۶۲. ۱۱. اختصاص شیخ مفید ۱۲. بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۳۳۰۲. الشافی ص ۴۰۸. سید مرتضی ۱۴. تلخیص الشافی ج ۳ ص ۱۲۵. [۵۶] چون ام‌سلمه در مسجد از فاطمه (علیها السلام) دفاع نمود، و از مقام و ارزش دخت پیامبر صحبت کرد حدود یک سال حقوق او را از بیت‌المال حذف کردند و نپرداختند ۱. دلائل الامامة ص ۲۹: طبری متوفای ۴۰۰ هجری ۲. درالنظیم: یوسف بن حاتم ۳. بیت‌الاحزان ص ۲۴۹: شیخ عباس قمی ۴. وفاء الصدیقه ص ۹۳: مرحوم مقرّم. [۵۷] عمر مانع پخش خبر وفات رسول خدا (ص) شد تا رفیق او ابابکر خود را به مدینه برساند، وقتی ابابکر از راه رسید و گفت. پیامبر خدا هم می‌میرد، ساکت شد!!! ۱. تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۸۱۵. ۲. تاریخ ابن کثیر ج ۵ ص ۳۳۴۲. ترجمه تاریخ یعقوبی ج ۱ ص ۴۵۱۱. تاریخ طبری ج ۲ ص ۴۴۲. ۵. طبقات ج ۲ ص ۲۶۶. ۶. الفائق ج ۱ ص ۴۰۸. ۷. شرح نهج‌البلاغه ج ۲ ص ۴۲. ۸. تاریخ طبری ج ۱ ص ۲۳۳ (رهلی). [۵۸] پس از کودتای نظامی، ورود و خروج از مدینه را ممنوع کردند عمر به بهانه اینکه گفت. می‌ترسم اصحاب رسول خدا (ص) در میان مردم پراکنده شوند و موجبات گمراهی مردم را فراهم نمایند ورود و خروج از مدینه را ممنوع اعلام کرد. شرح نهج‌البلاغه ج ۴ ص ۴۵۷. تاریخ خطیب بغدادی ج ۷ ص ۴۵۳ [۵۹] الامام علی (ع) ج ۱ ص ۲۶۸. [۶۰] تاریخ طبری ج ۱/۲۳۳ کفایه‌الخصام ص ۵۰۸. و. عقدالفرد ج ۴. و. مجمع‌النورین ص ۸۱. و. اعلام‌النساء ج ۳. [۶۱] تاریخ ابن عساکر ۷/۳۰. و. الاصابه ۲/۲۰۹. [۶۲] خصال ص ۱۷۱. و. تاریخ طبری ج ۲/۶۱۹. و. میزان‌الاعتدال ج ۲/۲۱۵. و. تجارب الأمم ابن مسکویه. [۶۳] ابابکر و عمر برای آرام کردن مردم ناچار شدند دست به کشتار مردم و اصحاب رسول خدا بزنند و بسیاری را در این رابطه به شهادت رساندند به نمونه‌ها توجه کنید ۱. حباب بن منذر، مجاهد بدری را با آن همه فضل و بزرگواری کشتند و مخفیانه جنازه او را دفن نمودند زیرا شمشیر کشید و ابابکر را تهدید کرد که چرا خلافت را غصب کردی؟ ۲. سعد بن عبادۀ بزرگ قبیله خزرج که عمر را تهدید کرد، شبانه در تاریکی کشتند و اعلان نمودند که جن او را با تیر زد و همه شنیده بودند که عمر می‌گفت سعد را بکشید، سعد را بکشید، خدا او را بکشد - شرح ابی‌الحدید ج ۲ ص ۸۲۶. نهایت‌الأرب ج ۴ ص ۳۵ - قاموس الرجال ج ۴ ص ۳۳۲۸. خالد بن ولید (افسر مهاجم مشکین دیروز) را برای قتل بزرگ صحابی پیامبر (ص) مالک بن نویره اعزام کردند در بین راه بین لشکر اعزامی اختلاف افتاد اما خالد به پیش تاخت، با اینکه قبیله مالک شهادت دادند، اذان گفتند، نماز می‌خواندند خالد از بهانه‌جوئی دست برداشت و سرانجام مالک را کشت و به همسر او تجاوز کرد این جنایت بزرگ بین اصحاب ابابکر و عمر اختلاف ایجاد نمود ابابکر از خالد دفاع کرد ولی عمر نیز با او به مخالفت پرداخت که به زشتی و رسوائی تجاوز به همسر مالک، اعتراف داشت. ۱. نهایت‌الأرب ج ۴ ص ۲۷۲. البدء والتاریخ ج ۵ ص ۱۶۰. ۳. الغدير ج ۱ ص ۱۷۹. ۴. شرح ابی‌الحدید ج ۱ ص ۱۷۹. ۵. تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۴۱۰. ۶. اسد‌الغابه ج ۴ ص ۷۲۵۹. تاریخ ابن اثیر ج ۳ ص ۱۴۹. ۸. تاریخ ابن عساکر ج ۵ ص ۱۰۵. ۹. بیت‌الاحزان (ترجمه) ص ۱۲۸. شیخ عباس قمی ۱۰. سیره ابن هشام ج ۴ ص ۵۴. ۱۱. تاریخ الردۀ ص ۴۷ و آنگاه که مالک بن نویره (قبل از شهادت) به اعتراض پیا خواست و ابابکر را تهدید نمود که چرا خلافت اسلامی را غصب کردی، عمر و خالد و قنفلد او را به شدت کتک زدند و زیر دست و پا لگدکوب نمودند که بدن خونین او را از مسجد بیرون بردند ۴. مقداد آن صحابی بزرگ رسول خدا را پس از اعتراض، کتک زدند و اعتراض سلمان فارسی با خشونت عمر سرکوب شد که با دخالت امام علی (ع) دست از سر سلمان برداشتند - بیت‌الاحزان (ترجمه) ص ۱۲۳. ۵. و برخی از قبائل و شخصیت‌های مخالف را با بهانه «ارتداد» از میان برداشتند و به کشتار دسته جمعی آنان تن دردادند. - تاریخ الردۀ ص ۱۰ - فرق‌الشیعه نوبختی ص ۷ مانند: الف. قبیله حارثه بن سراقه که گفتند ما پس از پیامبر (ص) فقط از اهل بیت آن حضرت اطاعت می‌کنیم «نه ابابکر و یارانش» - الفتوح ج ۱ ص ۵۸ - تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۲۸. ب. قیس بن عاصم و قبیله او که زکات جمع‌آوری شده را به ابابکر نپرداخت و بین فقراء قبیله تقسیم کرد این عمل قیس به حساب «ارتداد» و جنایت بزرگ آمد - مجمع‌الأمثال ج ۲ ص ۶۵ - الدرّة الفاخره ص ۳۲۴ در رابطه با سرکوبی و کشتار مخالفان به بهانه «ارتداد»، می‌توانید از منابع گوناگونی استفاده کنید مانند: - الفتوح ج ۱ ص ۷۲ و ۵۸ و

۶۱: ابن أعثم اکوفی متوفای ۴۱۳ هجری - تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۲۸: احمد بن ابی یعقوب متوفای ۲۹۲ هجری - الصدیق الاکبر ص ۹۶: حسنین هیکل - حیاة الحیوان ص ۴۹: الدمیری متوفای ۸۰۸ هجری - المصنف ج ۶ ص ۵۱ و ۵۴ و ج ۱۰ ص ۱۷۲: عبدالرزاق - جامع بیان العلم ج ۲ ص ۱۲۹ - طبقات الکبری ج ۷ ص ۱۰۱: ابن سعد متوفای ۲۳۰ هجری - مجمع الأمثال ج ۲ ص ۶۵: میدانی متوفای ۵۱۸ هجری - الدرّة الفاخرة ص ۳۲۴ - البدایة والنّایة ج ۶ ص ۳۱۱: ابن کثیر متوفای ۷۷۴ هجری - فرق الشیعة ص ۷: نوبختی - تاریخ الردّة ص ۳: - تاریخ العرب و الاسلام ص ۷۱: دکتر رکاز سهیل - بدایة المجتهد ج ۱ ص ۲۵۰: ابن رُشد - تاریخ سیاسی اسلام ج ۱ ص ۲۱۶: دکتر حسن ابراهیم حسن - التاریخ الاسلامی ج ۱ ص ۲۸۱: شبلی - عبقریه الصّدیق ص ۱۲۴: عقّاد - الفائق فی غریب الحدیث ج ۲ ص ۲۷۵: زمخشری متوفای ۵۳۸ هجری - سیره ابن هشام ج ۴ ص ۵۴: ابن هشام متوفای ۲۱۳ هجری. [۶۴] شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) امام کاظم (ع) فرمود انّ فاطمة (علیها السلام) صِدِّيقَةُ شَهِيدَةٍ ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۴۵۸ (باب مولد الزهراء): کلینی متوفای ۳۲۸ هجری ۲. تلخیص الشافی ص ۴۱۵: شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ هجری ۳. ملل و نحل ص ۸۳ و ج ۱ ص ۵۷ شهرستانی ۴. احتجاج ص ۱۳۷ طبرسی متوفای ۵۸۸ هجری ۵. بحارالانوار ج ۴۳ ص ۶: کتاب سلیم بن قیس ص ۲۴۹: متوفای ۹۰ هجری ۷. دلائل الامامة ص ۴۵ طبری متوفای ۴۰۰ هجری ۸. لسان المیزان ج ۱ ص ۲۶۸: ۹. صحیح بخاری ج ۴ ص ۹۶: محمد بن اسماعیل متوفای ۲۵۶ هجری ۱۰. أنساب الأشراف ج ۱ ص ۵۸۶. بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری ۱۱. عقدالفرید ج ۵ ص ۱۳: ابن عبدربه متوفای ۳۲۸ هجری ۱۲. الوافی بالوفیات ج ۵ ص ۳۴۷: صلاح الدین صفدی ۱۳. بیت الاحزان ص ۱۶۰ شیخ عبّاس قمی ۱۴. ملتقى البحرين ص ۸۱: ۱۵. الجنّة العاصمة ص ۲۵۱ [۶۵] طبق نقل شهید مطهری (رحمة الله علیه). [۶۶] بسیاری از مورّخین اهل سنتّ اعتراف کردند که ابابکر و عمر و عثمان و تعدادی از همراهان آنها در جنگ اُحد و خیبر فرار کردند و دست از مقاومت کشیدند و بجز علی (ع) و تعدادی اندک از یاران پیامبر (ص) کسی باقی نماند ۱. طبقات ج ۳ ص ۱۵۵: ابن سعد متوفای ۲۳۰ هجری ۲. السیره النبویّة ج ۳ ص ۵۸: ابن کثیر شافعی متوفای ۷۷۴ هجری ۳. تاریخ الخمیس ج ۱ ص ۴۳۱: ۴. البدایة والنّهائة ج ۴ ص ۲۹: ابن کثیر شافعی ۷۷۴ هجری ۵. کنز العمال ج ۱۰ ص ۲۶۸ و ۲۶۹: ۶. حیاة الصحابة ج ۱ ص ۲۷۲: ۷. دلائل الصدق ج ۲ ص ۳۵۹: ۸. مستدرک الحاکم ج ۳ ص ۲۷: متوفای ۲۵۸ هجری ۹. مجمع الزوائد ج ۶ ص ۱۱۲: هیشمی ۸۰۷ هجری ۱۰. لباب الاداب ص ۱۷۹ ۱۱. حیاة محمّد (ص) ص ۲۶۵ ۱۲. ارشاد ص ۵۰: شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری ۱۳. بحارالانوار ج ۲۰ ص ۸۴: مرحوم مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هجری ۱۴. تفسیر فخر رازی ج ۹ ص ۶۷: فخر رازی متوفای ۳۱۹ هجری ۱۵. الدرّ المنثور ج ۲ ص ۸۰: سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ هجری ۱۶. شرح نهج البلاغه ج ۱۵ ص ۲۴: ابن ابی الحدید متوفای ۶۵۶ هجری ۱۷. المغازی واقدی ج ۲ ص ۶۰۹ (و مَن فَرَّ عُمَرُ و عثمان): واقدی متوفای ۲۴۹ هجری ۱۸. تفسیر القمّی ج ۱ ص ۱۱۴ و ۱۱۵: علی بن ابراهیم متوفای ۳۰۷ هجری ۱۹. تاریخ طبری ج ۲ ص ۲۰۳: طبری متوفای ۳۱۰ هجری ۲۰. تاریخ الکامل ج ۲ ص ۱۵۸: ابن اثیر متوفای ۶۰۶ هجری ۲۱. السیره الحلبیة ج ۲ ص ۲۲۷: حلبی شافعی متوفای ۱۰۴۴ هجری حضرت زهرا (علیها السلام) به این واقیعت اشاره فرمود که «آن روزها آنگاه که امام علی (ع) در کام شعله‌ها و حوادث مصیبت بار فرومی‌رفت و با خون و آرزوی شهادت صف‌های گردنکشان عرب را می‌شکست شماها در رفاه و آسایش به سر می‌بردید و آنتم فی رفاهیت من العیش». [۶۷] تاریخ طبری ج ۴ ص ۳۱. و ج ۷ ص ۳۰۰. و. مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۵. و. تحف العقول ص ۱۷۴. و. مثير الأحران ص ۲۲. و. ابن عساکر ص ۲۱۴. و. لهوف (زندگانی امام حسین (ع)) ص ۶۹. [۶۸] (در جنگ احد ابابکر و عمر و عثمان فرار کردند) سیره ابن هشام ج ۲ ص ۱۰۹. و. شرح ابی الحدید ج ۱۵/۲۳ تاریخ طبری ج ۲ ص ۶۶. [۶۹] تشنگان قدرت جنازه پیامبر (ص) را تنها گذاشتند همه مورخان به این واقیعت تلخ اشاره کردند که سران سقیفه و همراهان کودتاگران، جنازه رسول خدا را ترک کرده در یک جنگ قدرت، به همدیگر هجوم می‌آوردند، در سقیفه جمع شده بودند و در مراسم دفن و کفن رسول خدا شرکت نکردند - کفایة الأثر ص ۱۹۳ - الامامة والسیاسة ص ۱۲: ابن قتیه متوفای ۲۷۶ هجری. [۷۰] کامل ابن اثیر ج ۴ ص ۲۰. [۷۱] کافی، روضه کافی ص ۳۵۶. و. رجال کشی ص ۵. و

بحارالانوار ج ۸ ص ۷۲۵. [۷۲] اختصاص شیخ مفید ص ۱۲۷ و ۹. و احتجاج طبرسی. و قرب الاسناد ص ۲۵. [۷۳] قبیلہ «أسلم»، پس از تطمیع بزرگان‌شان چنان در کوچه‌های مدینه جمع شدند که کوچه‌های مدینه گنجایش آنها را نداشت. تاریخ طبری. و نهایتاً الأرب ج ۴ ص ۳۵. [۷۴] تنهائی رهبر معصوم ابوہیثم نقل می‌کند پس از آنکه امام علی (ع) را با آن وضع دردآلود به مسجد کشاندند و حرکت حریم ولایت را پاس نداشتند امام (ع) از مسجد خارج شد و در سر راه حدود ۳۰ عدد گوسفند مشاهده کرده فرمودند وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا يَنْصَحُونِي لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلِرَسُولِهِ بِعَدَدِ هَذِهِ الشَّيْءِ لَأَذِلْتُ ابْنَ آكَلَةِ الدَّبَانِ عَنْ مُلْكِهِ «به خدا سوگند اگر به اندازه این گوسفندان، مردانی خیرخواه خدا و پیامبر (ص) می‌داشتیم ابابکر را از حکومت خلع می‌کردم» - روضه کافی ص ۳۲ - بیت‌الاحزان (ترجمه) ص ۱۲۵. - تروری که ناکام ماند ابابکر و عمر در تداوم سیاست‌ها و سرکوبی مخالفان در رابطه با نفوذ اجتماعی امام علی (ع) به این نتیجه رسیدند که امام را ترور نمایند تا دیگر کسی جرئت مخالفت نداشته باشد و این مأموریت شوم را به خالد بن ولید (فرمانده نیروهای ویژه مشرکین در جنگ اُحد) واگذار نمودند که به هنگام سلام دادن در نماز، آن هنگام که ابابکر می‌گوید (اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ)، خالد امام را ترور نماید اما ابابکر در نماز دچار تردید شد که خالد نتواند مأموریت را به درستی انجام داده و کشته شود و ماجرای رسوای دیگری پدید آید از این رو قبل از سلام نماز گفت یا خَالِدُ لَا تَفْعَلْ مَا أَمَرْتُكَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ (ای خالد، آنچه را که به تو فرمان داده‌ایم اجراء نکن) امام علی (ع) خالد را پس از نماز در دستان و بازوان قدرتمند خود فشردند به گونه‌ای که از درد، فریاد می‌کشید و با خواهش و درخواست عمومی بزرگوارش او را آزاد فرمود حال آیا نماز ابابکر درست بود یا باطل؟ آیا می‌شود فرمان ترور مسلمانی را صادر کرد و سپس به نماز جماعت ایستاد؟ و آیا در نماز می‌شود فرمان صادر شده را نقض کرد؟ جای خود دارد ۱. احتجاج طبرسی ص ۴۹: ۲. علل الشرایع ج ۱ ص ۱۸۲. [۷۵] تنها عُمَر و عایشه شهادت دادند و گفتند ما از پیامبر (ص) شنیدیم که فرمود: لَا تُورَثُ دِرْهَمًا وَلَا دِينَارًا (من درهم و دیناری ارث نمی‌گذارم) در رابطه با این شهادت ناروا حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: هَذَا أَوَّلُ شَهَادَةٍ زُورٍ شَهِدْتُ بِهَا فِي الْإِسْلَامِ «این نخستین گواهی باطل در اسلام است که آن دو نفر مطرح کرده‌اند» ۱. بیت‌الاحزان ص ۲۱۱: ۲. سیرة الأئمة (ع) ص ۱۳۰ (عمر و عبدالرحمن بن عوف و عائشه شهادت دادند) ۳. کشف الغمّة ج ۱ ص ۴۷۸: إبرلی متوفای ۶۸۹ هجری ۴. کنزالفوائد کراجکی ص ۳۶۱: کراجکی متوفای ۴۴۹ هجری ۵. فتوح البلدان ج ۱ ص ۳۶: بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری ۶. انساب الاشراف ص ۵۱۹: بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری پس از به خلافت رسیدن عثمان، عائشه ادّعی ارث از خلیفه نمود، پاسخ شنید که ابابکر و عمر سرمایه‌هایی بدون حساب، از طرف خودشان به شما می‌دادند که بر من واجب نیست، عائشه گفت، ارث مرا که از پیامبر (ص) به جای مانده است، تحویل دهید، عثمان با تعجب پرسید: کدام ارث؟! مگر تو و عمر شهادت ندادید که پیامبران ارث نمی‌گذارند؟! پس بر اساس گواهی شما، ارثی از پیامبر (ص) به شما نخواهد رسید، همانگونه که فاطمه (علیها السلام) را محروم کردید اینجا بود که عائشه با سخنان اهانت‌آمیزی در میان مسجد مدینه، عثمان را تهدید کرد - تاریخ طبری - بیت‌الاحزان (ترجمه) ص ۲۰۹ و ۲۱۰. [۷۶] برای رسیدن به حکومت و قدرت، هر کاری را که توانستند. انجام دادند، و انواع ظلم و ستم‌ها را تحقق بخشیدند، رسوائی اعمال ناپسند سران سقیفه آنچنان غم‌انگیز و دردآلود بود که ناچار شدند خود به زشتی آنها اعتراف نمایند اندوه و پشیمانی ابابکر در لحظه‌های پایانی زندگی، از اعمال نادرست گذشته گویای همین واقعیت است که گفت: وَدَدْتُ أَنْ لَمْ أَبْعَثْ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى مَالِكِ بْنِ نُوَيْرَةَ وَدَدْتُ أَنِّي لَمْ أَكْشِفْ بَيْتَ فَاطِمَةَ (علیها السلام) و ان كان أغلق على حرب و وددتُ أني لم أحرقُ الفُجَاءَةَ (ای کاش خالد را برای قتل مالک بن نویره نفرستاده بودم، ای کاش فرمان هجوم به خانه فاطمه (علیها السلام) را صادر نکرده بودم، و ای کاش بیچاره فُجَاءَةَ «ایاس بن عبدالله» را زنده زنده نسوزانده بودم) بیچاره فُجَاءَةُ در حالی که فریاد می‌زد (ما کُفَرْتُ إِنِّي لِمُؤْمِنٌ) در مُصَلَّى مدینه زنده زنده در آتش سوختند ۱. خصال ص ۱۷۱: شیخ صدوق متوفای ۳۸۰ هجری ۲. مروج الذهب ج ۲ ص ۳۰۱: مسعودی متوفای ۳۴۶ هجری ۳. تجارب الأمم. ابن مسکویه متوفای ۴۲۱ هجری ۴. کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۲۳۷: ابن اثیر متوفای ۶۰۶

هجری ۵. تاریخ طبری ج ۲ ص ۶۱۹. و. ج ۳ / ۴۳۰: طبری متوفای ۳۱۰ هجری ۶. میزان الاعتدال ج ۲ ص ۲۱۵: ذهبی متوفای ۷۴۸ هجری ۷. ریاحین الشریعه ج ۱ ص ۲۹۱: ۸. لسان المیزان ج ۴ ص ۱۸۹. ۹. کتاب الأموال ص ۱۹۳: ابو عبیده متوفای ۲۲۵ هجری ۱۰. الامامة والسیاسة ج ۱ ص ۱۸: ابن قتیبہ متوفای ۲۷۶ هجری ۱۱. شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۳۰ و ج ۲ ص ۲۰: ابی الحدید ۶۵۶ هجری ۱۲. کتاب عبدالله بن سبا ج ۱ ص ۱۰۶ ۱۳. عقد الفرید ج ۴ ص ۲۶۸ و ج ۲ ص ۲۵۴: ابن عبد ربّه متوفای ۳۲۸ هجری ۱۴. کنز العمال ج ۳ ص ۱۳۵. ۱۵. تاریخ ذهبی ج ۱ ص ۳۸۸: ذهبی متوفای ۷۴۸ هجری ۱۶. مرآة الزمان: ابن الجوزی متوفای ۶۵۴ هجری ۱۷. تاریخ دمشق (شرح حال ابابکر): ابن عساکر متوفای ۵۷۱ هجری. [۷۷] گروه اندکی در سقیفه جمع شده بودند اکثر مسلمانان و بسیاری از اصحاب و یاران رسول خدا (ص) در سقیفه حضور نداشتند و تنها گروهی اندک توطئه حساب شده‌ای را سازمان دادند - تاریخ طبری ج ۴ ص ۴۴۷ - امام علی (ع) خطاب به ابابکر فرمود: فَإِنْ كُنْتَ بِالشُّورَى مَلَكَتْ أُمُورُهُمْ - فَكَيْفَ بِهَا وَالْمُشِيرُونَ غَيِّبُ (اگر تو ادعا می کنی که با رأی شوری مردم خلافت را به دست گرفتی، این چه شورائی است که طرف‌های مشورت و اکثر مردم مدینه غائب بودند؟) حکمت ۱۹۰ نهج البلاغه - خصائص الأئمة ص ۸۵: شریف رضی متوفای ۴۰۶ هجری - کتاب التعجب ص ۱۳: کراچکی متوفای ۴۴۹ هجری - کتاب السقیفه: جوهری متوفای ۳۹۳ هجری - تاریخ طبری ج ۶ ص ۲۶۳: طبری ص ۳۱۰ هجری - بحار الانوار ج ۸ ص ۱۷۷: مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هجری همه مورخان این اعتراف را ثبت کرده‌اند که بسیاری از یاران ابابکر و خود عمر اعتراف کرده‌اند که خلافت ابابکر یک امر ناگهانی و حساب نشده بود و استدلال می کردند که «از پیدایش فتنه‌ها می ترسیدیم بناچار خلافت ابابکر را بدون معیارهای تعیین رهبری پذیرفته‌ایم» این واقعیت آنقدر روشن بود و مورد اعتراض، که ابابکر نیز اعتراف به ناگهانی بودن خلافت خود کرده بود ۱. انساب الأشراف ج ۵ ص ۵۹۰. ۲. مسند احمد ج ۱ ص ۵۵. ۳. التمهید ص ۱۹۶. ۴. المصنف ج ۵ ص ۴۴۵. ۵. صحیح بخاری ج ۸ ص ۲۶ و ۲۱۰. ۶. السیره النبویه ج ۴ ص ۲۲۶. ۷. النهایه ج ۳ ص ۴۶۶. ۸. تاریخ طبری ج ۳ ص ۲۰۵. ۹. کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۳۲۷. ۱۰. تاج العروس ج ۱ ص ۵۶۸. ۱۱. لسان العرب ج ۲ ص ۳۷۱. ۱۲. تاریخ الخلفاء ص ۱۳۶۷. ۱۳. شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۵۰. ۱۴. ابی الحدید ۱۴. الصواعق المحرقة ص ۲۱. ۱۵. طبقات ابن سعد ج ۳ ص ۳۴۴. ۱۶. الفائق ج ۳ ص ۲۳۰. ۱۷. سیره حلبی ج ۳ ص ۳۶۰ و ۳۶۳. ۱۸. تیسیر الوصول ج ۲ ص ۴۲ و ۴۴. ۱۹. ریاض النضره ج ۱ ص ۱۶۱. ۲۰. تاریخ ابن کثیر ج ۵ ص ۲۴۶. ۲۱. الملل والنحل ج ۱ ص ۲۴ با توجه به این رویداد تلخ و رسواست که امام علی (علیه السلام) در بحث و گفتگو با مخالفان فرمود لَمْ تَكُنْ يَتَّبِعُكُمْ إِلَّا بِيَافِئَتِهِ (بیعت شما مردم با من بی مطالعه و ناگهانی نبوده است) «نهج البلاغه المعجم المفهرس خطبه ۱۳۶ / ۱» ۱. المعیار والموازنه ص ۱۰۵. اسکافی متوفای ۲۴۰ هجری ۲. نهج السعادة ج ۱ ص ۱۹۷. ۳. کتاب إرشاد ص ۱۴۲. ۴. کتاب نهایه ج ۳ ص ۴۶۷. ۵. شرح ابی الحدید ج ۸ ص ۳۱. ۶. مروج الذهب ج ۳ ص ۱۵. ۷. مجمع البحرین «ماده نوى» ۸. اخبار الطوال ص ۱۴۱. ۹. بحار الانوار ج ۳۲ ص ۴۹. ۱۰. غرر الحکم ج ۵ ص ۴۱۰. [۷۸] قسمت هائی از خطبه حضرت زهرا (ع) در مسجد مدینه. [۷۹] نهج البلاغه المعجم المفهرس نامه ۱۷ / ۲۷ و به کتاب اسناد و مدارک نهج البلاغه نوشته مؤلف ص ۲۱۵ مراجعه فرمائید که حدود ۱۶ سند و مدرک برای این فراز از سخنان پیامبر (ص) نقل شد. [۸۰] نهج البلاغه المعجم المفهرس خطبه ۱۹۴ / ۴. [۸۱] نهج البلاغه المعجم المفهرس خطبه ۱۹۲ / ۱۱۵. [۸۲] نهج البلاغه المعجم المفهرس نامه ۱۰ / ۷. [۸۳] اهانت عمر به پیامبر (ص) و ماجرای قلم و دوات که مانع آوردن و نوشتن وصیت پیامبر شد و شعار داد «حسبنا کتاب الله» و گفت: إِنَّ التَّبَى غَلَبَهُ الْوَجَعُ وَعِنْدَنَا كِتَابُ اللَّهِ حَسْبُنَا فِي مَنَاجِبِ آتَمَةٍ است ۱. صحیح بخاری ج ۱ ص ۲۲: بخاری متوفای ۲۵۶ هجری ۲. صحیح بخاری ج ۴ ص ۸۵ و ۱۲۱: بخاری متوفای ۲۵۶ هجری ۳. زندگی حضرت محمد (ص) ج ۲ ص ۶۹۰. محمد حسنین هیکل ۴. شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۸۲. ابن ابی الحدید متوفای ۶۵۶ هجری ۵. الطبقات الکبری ج ۲ ص ۲۴۲: ابن سعد متوفای ۲۳۰ هجری ۶. الايضاح ص ۱۸۶. ط. بیروت: ابن شاذان ۷. مسند احمد ج ۱ ص ۹۰ و ۲۲: احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هجری ۸. تاریخ ابن عساکر ج ۶ ص ۴۵۱: ابن عساکر شافعی متوفای ۵۷۱ هجری ۹. السیره الحلبیه ج ۳ ص ۳۸۱: حلبی شافعی

متوفای ۱۰۴۴ هجری ۱۰. صحیح بخاری ج ۶ ص ۱۱ و ج ۷ ص ۱۵۶ و ج ۹ ص ۱۳۷. صحیح مسلم ج ۵ ص ۷۵ و ج ۲ ص ۱۱ و ج ۱۱ ص ۸۹: مسلم بن حجاج متوفای ۲۶۱ هجری ۱۲. مسند احمد ج ۳ ص ۳۴۳: احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هجری. [۸۴] کینه‌توزیها نسبت به امام علی (ع) در سقیفه و ماجرای شگفت‌انگیز آن، برخی یادی از امام علی (ع) کردند و گفتند که اگر علی (ع) در سقیفه حاضر بود دو نفر بر او اختلاف نمی‌کردند - تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۳۲: احمد بن ابی‌یعقوب متوفای ۲۹۲ هجری - شرح نهج‌البلاغه ج ۶۵ ص ۲۰: ابن ابی‌الحدید متوفای ۶۵۶ هجری اما قریش دل خوشی از امام علی (ع) نداشتند و او را قاتل عزیزان خود «در جنگهای سرنوشت‌ساز مسلمین با کفار و قریش» می‌دانستند و تلاش می‌کردند پس از پیامبر (ص) خلافت به علی (ع) منتقل نگردد و جمعی از روی حسادت و خود بزرگ بینی با امام مخالفت می‌کردند - شرح نهج‌البلاغه ج ۱۳ ص ۳۰۰: ابن ابی‌الحدید - تاریخ العرب والاسلام ص ۸۹ حضرت زهرا (علیها السلام) در تحلیل حوادث ناگوار و ارتداد و کینه‌توزیهای مردم فرمود وَلَكِنَّهَا أَحْقَادٌ بَدْرِيَّةٌ، وَ تَرَأَتْ أُحَدِيَّةً، كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النَّفَاقِ مُكْتَمَةً لِامْكَانِ الْوِشَاءِ، فَلَمَّا اسْتَيْهَدَفَ الْأَمْرُ أَرْضَيْتْ عَلَيْنَا شَائِبِ الْأَثَارِ (این همه برخوردهای ناروا از کینه‌های جنگ‌ی‌در و انتقام‌جویی‌های جنگ‌اُخید است که بر دل‌های منافقان پنهان شده و جرأت اظهار آن را نداشتند اما روزی که حکومت را غصب و ما را منزوی نمودند، تمام کینه‌ها و حسادت‌ها را بر ما فرو ریختند) - بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۵۶ - مناقب ج ۲ ص ۲۰۵: ابن شهر آشوب متوفای ۵۸۸ هجری و عمر در نامه‌ای به معاویه نوشت: خلافت را در قریش استقرار بخشیدم و علی (ع) را کنار زدم تا انتقام جنگهای صدر اسلام و خون‌های ریخته شده به دست علی (ع) را بگیرم - بحارالانوار ج ۸ ص ۲۲۹-۲۳۳ کمپانی - فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى ص ۵۵۷ و در تداوم انتقام‌جویی‌ها، عبدالله، پسر عُمَر به شام می‌رود و بوسه بر سر یزید می‌زند و می‌گوید الحمد لله که خارجی را کشتی!!! - بحارالانوار ج ۸ ص ۲۲۹ کمپانی. [۸۵] قسمت‌هایی از خطبه حضرت زهرا در جمع زنان مهاجر و انصار. [۸۶] قسمت‌هایی از خطبه حضرت زهرا در جمع زنان مهاجر و انصار. [۸۷] همه مورخان شیعه و سنی نوشتند که دختر رسول خدا حضرت زهرا (علیها السلام) کتک زدند عُمَر با ضربات لگد باعث قتل مُحسن شد و قنفذ با ضربات شلاق بازوی آن معصومه را متورم نمود ۱. بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۸ و ۱۹. ۲. مرآة العقول ج ۵ ص ۳۲۰. ۳. نواب الدهور ص ۱۹۴. ۴. شرح نهج‌البلاغه ج ۱۴ ص ۱۹۳. ۵. دلائل الامامة ص ۴۵. ۶. بیت‌الاحزان ص ۱۶۰. ۷. ملتقى البحرين ص ۸۸۱. ۸. الجنة العاصمة ص ۲۵۱ به مدارک هجوم و آتش زدن درب خانه امام مراجعه کنید و عمر در نامه‌ای به معاویه از ضرب و شتم فاطمه (علیها السلام) یاد می‌کند! و به آن کتک زدن‌ها افتخار می‌نماید!!! گویا لشگری را فتح کرده است!!! - بحارالانوار ج ۸ ص ۲۲۹ و ۲۳۳ کمپانی و شعراء نادانی را اجیر کرده بودند از شجاعت عُمَر در ضرب و شتم یگانه دختر پیامبر (ص) ستایش به عمل آورند، «شاعری چون حافظ ابراهیم و دیوان او ج ۱ ص ۸۲ آری او که: در روز حادثه و جنگ‌های سرنوشت‌ساز از میدان می‌گریخت و پس از اسلام آوردن جرأت نداشت از خانه خارج شود تا آنکه عاص بن وائل او را امان داد پس با احتیاط از منزل خارج می‌شد و در جاهلیت نیز موقعیت اجتماعی درستی نداشت ۱. عقدالفرید ج ۱ ص ۴۸: ابن عبدربه متوفای ۳۲۸ هجری ۲. کتاب الثقات ج ص ۷۴ به مدارک فرار از جنگ مراجعه کنید ۳. صحیح بخاری ج ۵ ص ۶۰: بخاری متوفای ۲۵۶ هجری ۴. تاریخ ذهبی ج ۲ ص ۱۰۲: ذهبی متوفای ۷۸۴ هجری - به اسناد و مدارک فرار عمر و ابابکر و عثمان در جنگ اُحد مراجعه کنید آتش کینه چون زبانه کشید کار زهرا به تازیانه کشید آتش خشم خانمان سوزش پای صد شعله را به خانه کشید سینه‌اش مخزن گل خون شد به کجا کار این خزانه کشید بر رخت ای حقیقت معصوم نتوان پرده فسانه کشید «مجاهدی». [۸۸] عُمَر، امام علی (ع) را در مسجد تهدید به مرگ کرد (اگر بیعت نکنی به خدا سوگند تو را می‌کشم) ۱. الامامة والسياسة ص ۱۳: ابن قتیبة متوفای ۲۷۶ هجری ۲. کفایة الموحدين ج ۲ ص ۱۲۷. ۳. کتاب سلیم بن قیس ث ۸۳: متوفای ۹۰ هجری ۴. الغدير ج ۷ ص ۷۵ و ۷۸: علامه امینی ۵. شرح نهج‌البلاغه ج ۱ ص ۱۳۴ و ج ۲ ص ۱۹: ابن ابی‌الحدید متوفای ۶۵۶ هجری ۶. اختصاص ۱۸۴-۱۸۷: شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری. [۸۹] نهج‌البلاغه معجم المفهرس خطبه ۲۱۷/۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۵۲۰۲۶-۱۰۸۶۰ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی

این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شب: ۵۳-۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹